

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۹۳

- ۰۱- دل نوشته‌ی اولین ندبه‌ی سال- ۸ فروردین ۹۳
- ۰۲- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۱۴ فروردین ۹۳
- ۰۳- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س) و امام محمد باقر (ع)- ۱۰ اردیبهشت ۹۳
- ۰۴- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)- ۱۲ اردیبهشت ۹۳
- ۰۵- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع)- ۲۲ اردیبهشت ۹۳
- ۰۶- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع)- ۲۳ اردیبهشت ۹۳
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)- ۲۵ اردیبهشت ۹۳
- ۰۸- خطبه‌ی آخرین جمعه‌ی ماه رجب- ۲ خرداد ۹۳
- ۰۹- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۳ خرداد ۹۳
- ۱۰- خطبه‌ی عید مبعث- ۶ خرداد ۹۳
- ۱۱- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۱۱ خرداد ۹۳
- ۱۲- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۲۳ خرداد ۹۳
- ۱۳- خطبه‌ی شب اول ماه مبارک رمضان- ۷ تیر ۹۳
- ۱۴- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۲۱ تیر ۹۳
- ۱۵- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۲۵ تیر ۹۳
- ۱۶- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۲۷ تیر ۹۳
- ۱۷- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۲۹ تیر ۹۳

- ۱۸- خطبه‌ی عید فطر- ۷ مرداد ۹۳
- ۱۹- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)- ۳۰ مرداد ۹۳
- ۲۰- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)- ۱۶ شهریور ۹۳
- ۲۱- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)- ۳ مهر ۹۳
- ۲۲- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)- ۹ مهر ۹۳
- ۲۳- خطبه‌ی روز عرفه- ۱۱ مهر ۹۳
- ۲۴- خطبه‌ی عید قربان- ۱۳ مهر ۹۳
- ۲۵- خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)- ۱۸ مهر ۹۳
- ۲۶- خطبه‌ی عید غدیر- ۲۱ مهر ۹۳
- ۲۷- خطبه‌های محرم و صفر- آبان، آذر و دی ۹۳
- ۲۸- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)- ۹ آذر ۹۳
- ۲۹- خطبه‌ی اربعین (ضربان حیات) شب اول- ۲۰ آذر ۹۳
- ۳۰- خطبه‌ی اربعین (ضربان حیات) شب دوم- ۲۱ آذر ۹۳
- ۳۱- خطبه‌ی اربعین (ضربان حیات) شب سوم- ۲۲ آذر ۹۳
- ۳۲- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع)- ۳۰ آذر ۹۳
- ۳۳- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)- ۲ دی ۹۳
- ۳۴- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)- ۱۰ دی ۹۳
- ۳۵- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)- ۱۱ دی ۹۳
- ۳۶- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع)- ۱۸ دی ۹۳

۳۷- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع) - ۹ بهمن ۹۳

۳۸- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س) - ۵ اسفند ۹۳

۳۹- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) شب اول - ۱۳ اسفند ۹۳

۴۰- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) شب دوم - ۱۴ اسفند ۹۳

۴۱- خطبه‌ی حقیقت فاطمیه - ۱۵ اسفند ۹۳

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۸ فروردین ۹۳

دل نوشته‌ی اولین ندهی سال

اولین ندهی سال است

بر مهدی و آن هاله‌ی نورش صلوات

بر خال لب و جام ظهورش صلوات

بی‌پرده همه انس و ملک می‌گویند

بر سال و مه و وقت ظهورش صلوات

آنگاه که قدوم بهاران بر خاک، فرشِ سبزی می‌گستراند و شکوفه‌های آفرینش بر شاخسار درختان، جوانه می‌زند، شعله‌های غم هجرانِ یار، در دل زبانه می‌کشد که حول حالنا الی احسن الحال

رحمت الهی در نسیمی است که وقت آن را وعده الهی می‌شناسد و پاسخش را در بارور شدنِ جانش می‌دهد، جانی که انتظار، بزرگ‌ترین گنجینه‌ی آن است تا همواره بر الطاف بی‌پایان پروردگارش سر تعظیم فرود آورد و نعمت‌هایش را غنیمت جانِ بی‌قرارش کند، سر بر سجده‌ی شکر گذارد و از آنچه در صندوقچه‌ی جان ذخیره نموده را با خود همراه کند.

چه زیباست فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که در این مورد فرمودند: نعمت‌های درون جان انسان همانند صندوقچه‌ای است که اطاعت را در خود به ودیعه دارد، اگر آن ودیعه را با فرمان کتاب آسمانی قرآن کریم به مصرف برساند، جانش مکان نزول رحمت الهی است، مانند زمین که فرمانش در آفرینش صادر شد و اطاعتش آینه‌ای شد که نگرستن در آن آینه می‌تواند عبرتی باشد بر آبادانی جان پس جانتان را باغی کنید که روی آن بنشینید تا جوی‌ها در زیر آن جاری گردد و نعمتش

پایان نپذیرد و گنجینه‌اش را زوالی نباشد و طبیعتی باشید که زیباترین مثال قرآن کریم است.

با این توصیف زیبای سرور عالمیان باید به زمین، آفرین گفت در استواری در اطاعت فرمان الهی و تجدید بیعت، زیرا همه ساله آمدن فصل بهار، تجدید حیات طبیعت و بارش شکوفه‌هاست، چشمان سبز طبیعت بر روی هر بیننده‌ای بازگشته و چشمه‌های کوهساران، نسیم پاک بهاری را بر دیار بنفشه‌ها می‌رساند پس موسم تجدید عهد و پیمان ما با بهار بهار آفرین است؛ پیوند دوباره با آرمان‌ها و آرزوهایمان.

بهار، فصل نو شدن و تولد دوباره است؛ نوروز، نشانه‌ی آغاز است و تحول، آغاز راهی نو برای نیل به آرزوهای کهن؛ بهار، فصل غبار رومی از آرزوی دیرینه برای نیل به ظهور عدالت و حاکمیت توحیدی، پیروزی حق و زدودن چهره‌ی باطل از جامعه‌ی انسانی است که تنها تحقق این آرزوست که بهار را برای همیشه در زمین جاودانه خواهد ساخت.

آری دیگر بار از میان سبزه و گل، بهار از راه رسید؛ شکفتن بهار که سرآغاز فصل زیبایی‌هاست، نمود قدرت یگانه‌ای است که هستی می‌بخشد و جلوه می‌نماید.

در آستانه‌ی ظهور زیبایی و طلوع عظمت خداوندی بر چهره‌ی زمین، خداوند کریم و جلیل و جمیل را سپاس می‌گوییم برای سالی که گذشت، سالی که پر از رحمت و نعمت و هدایت برایمان بود و عاجزانه از او در برآورده شدن آرزو و درخواستمان که همانا تعجیل در فرج مولا و سرورمان، جوهر هستی، امام زمان (عج) است یاری و مدد می‌جوییم.

من حسرت گل دارم و امید وصال

شد بهار دگر و طی ز عمرم یک سال

بلبلان با من سرگشته، هم آواز شوید

از فراق گل زهرا بنالید و همساز شوید

همچنین از وجود پر برکت مولایمان امام عصر سپاسگزاریم که در سال گذشته، الطاف خاصی را بر ما منتظران و عاشقان خود، بی‌دریغ مبذول نموده و در راه هدایت و نجات ما از باورهای غلط، نهایت عنایت و محبت را فرمودند؛ در اولین دعای ندبه‌ی سال جدید از حضور مقدسشان تقاضا داریم که این الطاف خاصه را بر ما برکت ببخشند، اگر چه شایستگی آن را نداشته و نداریم ولی مشتاقانه منتظریم که در این زمانه‌ی پر از فتنه، نفاق و فساد و کفر و مصائب فروانی که بر جامعه‌ی انسانی حکم فرماست ما را از راهنمایی‌ها و نصایح گران‌قدر خود بهره‌مند فرمایند.

در خاتمه با تبریک و تهنیت سال نو خدمت شما عزیزان و آرزوی سالی پر از برکت و سلامتی برای شما و خانواده‌ی محترمتان، انتظار داریم که با همدلی و همیاری در تحقق یک زندگی توأم با معنویت، آرامش و امید در سایه‌ی امام عصر (عج) یکدیگر را یاری نموده و از گناه و آلودگی دوری و در حفظ هویت و شخصیت اسلامی مطابق با دستورات قرآن کریم و اولیاء مخصوصاً امام عصر کوشا باشیم.

إن شاء الله

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ فروردین ۹۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

سلام بر آفریننده‌ی جان‌ها؛ آفریدگار یگانه؛ پروردگار بخشنده؛ گیرنده‌ی جان‌ها؛ زنده کننده‌ی مردگان؛ مالک یوم‌الدین؛ برپا کننده‌ی کرسی آسمان‌ها و زنده کننده‌ی جان‌های مطهر؛ همان زندگانی که زینت زمان هستند در دقیقه‌ها و ثانیه‌هایش؛ در طلوع و غروبش؛ در تاریکی و روشنایی‌اش همواره نفس متبرک و با جلالشان دژ محکم هدایت است و پویندگان راهشان بر صراطی در حرکت‌اند که وعده‌ی پروردگارشان ضامن نجاتشان از گمراهی و ضلالت نفس اماره است. خاندان نبوت ستارگانی هستند که انوار خویش را از پروردگارشان کسب نموده و جهان تاریک و در جهل مانده را به انوار خویش آراستند. حضرت زهرا (س) که صلوات و سلام فرشتگان و زمینیان و آسمانیان بر نام مبارک و با جلالتش باد دخت پیامبر خاتم که گنجینه‌ای بود تمام نشدنی؛ کوثری که عطای بی‌همتای پروردگار عالم بود؛ مانند پدر گرمی‌اش در زمانی دیده بر جهان گشود که داشتن نوزاد دختر ننگ بزرگی بود ولی به لطف و کرامت پروردگار دختری آمد تا مادر پیامبران گردد و وارث تمام معجزات الهی؛ او جهان ظلمانی را به نور اخترش افروخت و دل رحمت الهی را در گلستان خلقت به زیباترین نام‌ها زینت داد؛ او را چه کسی دریافت؟ آیا گذشتگان دانستند چه گنجینه‌ای هدیه‌ی پروردگارشان بود و آیا آیندگان، وارثان حقیقی هدایتش؟ این سؤال را چه زبانی قادر به پاسخ است جز زبان وارث تاج پیامبری و فرزند برومندش؟ زبانی به توصیف این گنجینه‌ی بی‌همتا باز نمی‌شود و اینک آن زبان شیوا و مطهر می‌فرماید: ای کاش مادرم نظری بر جان‌های شیفته‌ی طفلان خود می‌مود آنگاه که می‌فرمود: ای حسن جان، بر مقدراتی که تعیین کننده‌ی سیر بندگی است صبور باش تا شراب عشق را به جای جان مادر از وعده‌ی پروردگارت بنوشی و سر خود را بر کرسی پر جلالتش تکیه دهی تا به جای سینه‌ی محدود مادر جلالتی را دریابی که وعده‌ی پروردگار عالم است. من صدیقه‌ی کبری آنگاه که خاتم رسولان را در بستر خاک خوابانیدم صورتم را بر سینه‌ی پر جلالتش گذاردم و گفتم: ای رحمت بی‌کران الهی، جانم را در آیات به

امانت رفته در خاک با خود بردی؛ من فاطمه وارث حقیقی وحی هستم که با آن به دنیا آمدم و با انوارش از دنیا خواهم رفت؛ ای پدر، آن چنان از میراث تو نگهداری خواهم نمود که تا ابد و تا قیامت که بر آن صحرا حاضر شوم آثارش در زمان به یادگار بماند و امشب شبی است که آن آثار بر زمین و زمان خودنمایی می کند تا میراث دارانش را بر در خانه ی رسول الهی فرا خواند و با بانگی حق طلبانه فریاد زند: ای فرزندان ابراهیم خلیل، شما در آینه ی زمان خود، پسر م مهدی (عج) را به امانت دارید او را با اطاعت از وحی الهی مدد کنید؛ از گناه بپرهیزید؛ دنیا طلبان بر در خانه ی دلتان هیزم گناه را انباشته می کنند، از آتش هوس دنیا بگذرید تا در حق بمانید و به وعده ی پروردگارتان که جاودانگی در حق است برسید؛ دست محبت پروردگارتان را در هدایت کتابش رها نکنید تا در جهل جاهلان زمان گرفتار شوید همان گونه که پیشینیان گرفتار شدند و جان گرامی ترین تحفه های آسمانی را به بستر مرگ فرستادند درحالی که خود مردند و آثارشان محو شد و حق پایدار ماند پس فرج جانمان را در هدایت پروردگارمان فریاد می کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س) و امام محمد باقر (ع) ۱۰ اردیبهشت ۹۳

حمد و سپاس پروردگار جهان را سزاوار است که خود فرموده: مرا در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح گویند پس حمد و ستایشی بی‌کران بر عظمت و جلالت کبریایی پروردگار مهربان که امرش سرچشمه از لطف و رحمت و احسانش دارد که فرمود: ای بندگان من، مشیت خویش را این‌گونه مقرر کردم که مرا در طلوع‌ها و غروب‌ها بسیار بستائید تا رستگار شوید طلوعی که در آن فرمان حرکت و تلاش روزمره است و غروبی که انتهای این روزمرگی است پس درک این قانون حیات که بر عالم القا شده و ساعت‌های آن را رقم زده است در دایره‌ی خلقت، نشان از رحمتی بی‌انتهای دارد زیرا مدار چرخش کواکب به دور خورشید و بازگشتش همانند جان آدمیان است که با طلوع به گرد بارگاه با جلالت پروردگار خویش می‌چرخد تا همواره در مدار اطاعت بماند و آمدن و رفتنش همانند طلوع و غروبی باشد که نمایانگر اطاعتی خالص در مدار بندگی خالق مدبر است.

پس چه سعادتمند هستند کسانی که طلوع و غروب عمرشان نشان از عشق و بندگی پروردگار دارد و عزتشان را پایانی نیست و در آغوش رحمت خداوند متعال جاودانه خواهند ماند؛ پس برکات پروردگار آنگاه که امر فرمود: ای خفتگان در جان عالم خاکی، خاک از جان خویش بزدايید تا نشان جانتان آشکار گردد نشانی که رمزش را در سرانگشتتان به ودیعه نهادم و آنگاه امر کردم: مرا بپرستید تا جزء زیان‌کاران، همان‌هایی که جانشان را به بهای اندک فروختند و به این خرید و فروش شاد گشتند نباشید؛ جان‌های توانمند امانت جانشان را به بازار پر رونق پروردگارشان بردند و دست نیازشان را بر بارگاه کبریایی‌اش گشودند؛ ندایی در گوششان آنان را به قیمت جانشان آگاه کرد: پیشکشی پروردگارتان به ازای جان شیرینتان که بهایش در نزد آفریده‌های زمینی و آسمانی آشکار گردید آنگاه که امر فرمود: به آنچه از خاک و لجن بوی ناک آفریده‌ام سجده کنید و همگان جز ابلیس سر طاعت بر آستان کبریایی‌اش گذاشتند؛ جان فروخته شده در بازار بندگی به سخن درآمد: یارب، مرا خلیفه‌ی خویش خواندی و

آنچه در عالم آفریدی ضامن حکومتم پس به جان ناتوانم ترحم کن که جز خالقش را نمی‌شناسد.

چه زیباست تفسیر امر پروردگار و توصیف بندگی با اخلاص و با شکوه از زبان گهربار بی‌همتا کوثر الهی، مادر هستی، صدیقه‌ی کبری، حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) مصداق است این عشق و اطاعت و اخلاص در قالب بندگی با شکوه در وجود مبارکشان و فرزندان‌شان که فراتر از اندیشه و گمان است مخصوصاً در مورد شأن و مقام خود ایشان کلمات عاجز و زبان‌ها قاصر از بیان است. چطور می‌شود در مورد ایشان سخن گفت در جایی که فرزند گهربارشان، یوسف زهرا، مهدی فاطمه امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) فرمودند: برای بردن نام مادرم زهرای مرضیه باید از خداوند اجازه گرفت و فرزند گرامی‌شان امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: هر کس مادرم زهرا را به درستی درک کند شب قدر را درک کرده درحالی‌که خداوند سبحان در سوره‌ی قدر فرموده‌اند: و ما ادراک ما لیلۃ القدر؛ تو چه دانی که شب قدر چیست؟ وجود مبارکی که خداوند کریم به واسطه‌ی عطای آن به پدرش خاتم انبیا، رسول اکرم، حضرت محمد (ص) منت گذاشت و در مورد جایگاه رفیعی که قسمتی از پیشکشی پروردگار کریم به حضرت خدیجه‌ی کبری (س) بود حضرت زهرا (س) چنین فرمودند: پروردگار عالم بر سرورم، گرامی‌ترین بنده‌ی پروردگار عالم، جانی که جایگاه رحمت جاری پروردگار گردید منت گذاشت و برگزیده شد تا کوثر را در درونش جای دهد که ثروتش را در بازار بندگی جز به پروردگارش نفروخت و بهای ثروتش جانی شد که در درونش جای گرفت، به تکان درآمد، در فضای جانش رشد کرد و از شیرهی جانی نوشید که بهای خرید و فروشی آسمانی بود که نمی‌توان مقام و منزلتش را درک کرد ولی می‌توان وارد اقیانوس بی‌کران علم و معرفت و عرفانش وارد شد و عالم و عارف شد و نجات و سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد.

این شب مبارک که مصادف است با تولد فرزند گرامی‌شان پنجمین اختر امامت و ولایت، جعفر محمد بن علی ملقب به باقر (ع) امامی که از شکافندگی علوم را از مادر گرامی‌شان به ارث بردند و انقلاب فرهنگی اسلام را پایه‌گذاری کردند.

ما در این شب مبارک ضمن شکرگزاری پروردگار متعال و عرض تهنیت و سلام خدمت مادر گرامی‌شان و فرزند گهربارشان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها سرورمان کوثر و نعمت بی‌منتهایت حضرت زهرا (س) را در بهترین جایگاه به سلامت نگاه داشتی اینک ما او را می‌خوانیم به سلامی که در آمدنش تهنیتی مبارک است؛ او آمد و بر آنچه مقدر بود عمل نمود و در حالی دعوتت را لبیک گفت که رفتنش به سلامت بود پس جایگاه جان ما همواره بر پلکان شفاعت کوثر الهی غوطه‌ور است تا نعمت‌مان پایان نپذیرد پس ما را از آن محروم نساز.

بار الها به برکت وجود مقدس باقرالعلوم امام محمد باقر (ع) جهل را از ما دور و عملمان را افزوده بفرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی مهدی فاطمه سرور و مولایمان امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ اردیبهشت ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)

بار خدایا حمد و ثنا در خور عظمت و بی‌نیازی توست که صاحب همه‌ی نعمت‌ها و رحمت‌هایی که آفریدی و روزی دادی، بخشیدی و مهربانی کردی، بدی و خوبی را الهام نمودی، عطا کردی و افزودی پس هر که به غیر تو امید بست نا امید شد و هر که از غیر تو عزت جست خوار گشت. نیست معبودی جز ذات اقدس.

بار الها ماهی را آغاز نمودم که مقدمه‌ای است بر ماه پیامبرت، افضل اوصیا، حضرت محمد (ص) و ماهت ماه رمضان پس به من توفیق عبادت و صبر شکرگزارانت و عمل دوستدارانت، یقین عابدانت را عطا کن و یاریم کن عملی را انجام دهم که خیر و ثواب و نجات دنیا و آخرت در آن باشد.

سلام و صلوات بر رسول اکرم، واسطه‌ی خیر و برکت، حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش و سلام بر دوران‌ها و بر امانت جانشان؛ همان‌هایی که آمدند تا نقش را معنا کنند؛ نقش استوار بندگی، پس پرده‌ی جانشان را گشودند تا همگان در آینه‌ی روحشان نمادی از خلقت را شاهد باشند آنگاه دست توانمندان را گیرنده‌ی دست‌هایی نمودند که نشانی‌شان را پروردگار در کتاب آسمانی قرآن کریم اعلام فرموده همانانی که نقش روحشان نقشی استوار است نقشی که سازنده‌ی جان خلیفه است پس شکر پروردگار کبریایی و قدرتمند و آفریننده که خود فرمود:

بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر هر چیزی تواناست خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدامیک نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده‌ی گناهان بندگان است بندگانی که همواره حیاتشان را با انوار پروردگارشان جاودانه می‌سازند و دست محبتشان را بر جان‌هایی می‌گشایند که مودت را جز به عمل نمی‌آریند.

پس به فرموده‌ی سرور عالمیان، حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه زهرا (س) شرط مودت عمل به دستورات خداوند در قرآن کریم است که در آن صورت است که دست‌های

قدرتمند اهل بیت به یاری بندگان خواهد آمد و نجات و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد در غیر این صورت نه تنها مودتی پذیرفته نیست بلکه توحید نیز پذیرفته نخواهد شد پس باید فریاد کرد وای بر احوال دشمنان اهل بیت که چه سیه روز و بد فرجام هستند.

ما در این روز به سوگ یکی از اختران آسمان امامت در این کوی عشق نشستیم که آن شهادت دهمین اختر امامت و ولایت، هدایت کننده، ثابت و عادل، عالم و هادی، حضرت امام علی نقی است. فرصت را غنیمت داشته گوشه‌ای از زندگانی پربرکت ایشان را بازگو می‌کنیم.

نام آن بزرگوار علی و لقب‌های مشهورشان نقی و هادی است. عمر شریف ایشان چهل سال بود. در نیمه‌ی ذی‌الحجه سال ۲۱۲ متولد و در سوم رجب سال ۲۵۴ به دست معتزر عباسی لعنت الله مسموم و به شهادت رسیدند. مدت امامت ایشان سی و سه سال است. هفت ساله بودند که حضرت امام جواد (ع) پدر گرامی‌شان شهید شدند و امامت به ایشان منتقل گردید. سیزده سال در مدینه به سر بردند و متوکل عباسی که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه او را شقی‌ترین خلفای عباسی به شمار آورده ایشان را جبراً به بغداد آورد. در مدت بیست سالی که وجود مبارکشان در بغداد بودند متوکل لعنت الله هم ایشان را به زندان می‌انداخت و هم در زمانی که امام در خارج از زندان بودند نیز به آزار و اذیت ایشان می‌پرداخت.

حال ضمن تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی امام هادی، امام و مولایمان اباصالح المهدی (عج) مزین می‌کنیم این خطبه را به فرازهای از زیارت جامعه‌ی کبیره که از زبان مبارک امام هادی است که سرشار از نکته‌های پر مغز و ادب حضور و معرفی جامع و کامل اهل بیت است که در فرازی در شناخت اهل بیت آمده است که:

شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت، خداوند کریم شما را عزت داد به هدایت، برگزید به خلافت، امین داشت به سر و حکمت و قرار داد شما را پایه‌های توحید، پاک کرد از بدی‌ها و شما دعوت کردید مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با مال و جان و فرزند در راه خدا پس مولا و

سروران من، به راستی که گناهانم پاک نشود مگر به شفاعت شما چون خداوند کریم شما را مأمور هدایت و نجات ما قرار داد پس یاریمان کنید تا از آلودگی‌ها پاک شده و رستگار شویم.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۲۲ اردیبهشت ۹۳

حمد و سپاس پروردگار کریم را سزااست که در معرفی ذات اقدس خود به بندگانش چنین فرمود: اوست خدایی یگانه و هیچ خدایی جز او نیست؛ دانای نهان و آشکار، بخشنده و مهربان، فرمانروای بی‌کران، پاک و منزّه است از هر عیب، ایمن بخش است و نگهبان، پیروزمند و بزرگوار، با جلال و جبروت و آفریدگار حکیم است و اسماء نیکو از آن اوست و هر چه در آسمان‌ها و زمین است به ستایشش مشتاق و مشغول هستند.

سلام و درود و صلوات بر خاتم انبیا، رحمت للعالمین حضرت محمد (ص) و بر اهل‌بیتش که همگی از انوار قدسی و ستارگان درخشان و چراغ‌های فروزان هدایت هستند و سلام بر صبحی که منتظران دولت عشق برمی‌خیزند تا به ندای حق در جانشان لبیک گویند و جانشان در کالبد خویش معترف است به خلقتی که انوارش تاریکی‌های جهل را می‌شکافد مانند کشتی که امواج خروشان را در بستر جانس مهار می‌کند تا به جلو حرکت کند و هرچند قدرتش را در مقابل امواج که بر سینه‌اش اصابت می‌کند خرد و کوچک می‌شمارد ولی دل امواج را می‌شکافد تا به مقصدی که به امید آن آهنگ راه نموده برسد مانند سینه‌ی منتظران حق که امواج خروشان ناامیدی را با سینه‌ای محکم به کنار می‌زنند تا به کویی برسند که مقصد حرکتشان بوده پس ای منتظران کوی عشق، تا مهلت عمر باقی است همت کنید تا وجودتان از برهوت خارج شود و به خانه‌ای مطمئن تبدیل شود خانه‌ای که چراغ هدایت قرآن کریم است تا در زمان‌هایش بچرخید و به اصل که چراغ‌های هدایت الهی هستند متصل شوید به آیات الهی که سینه‌ی مؤمن را مانند کشتی نجات می‌شکافد و با قدرت، امواج را به زیر می‌کشد و به راه ادامه می‌دهد.

در این شب مبارک با سلام و درود و تحیت خدمت سرور عالمیان، مادر هستی، کوثر الهی حضرت زهرا (س) به مناسبت میلاد فرزند گرامی‌شان و سلام بر مولود مبارک و پر

برکت امروز، نهمین خورشیدِ امامت، شجاع در علم و دیانت و کمال، ابا جعفر الثانی، محمد بی علی، حضرت امام جواد الائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی، همت والا داشته و در زمانه‌ای که حاکمان، با جسارت بر علیه سنت و اهل‌بیت پیامبر دشمنی می‌کردند، ایشان با عقل و درایت، در راه هدایت مردم کوشا بودند.

حضرت امام جواد (ع) در دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه به دنیا آمدند و پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام رضا (ع)، عهده‌دار امامت شدند. مأمون عباسی بعد از به شهادت رساندن امام رضا (ع) به بغداد آمد و مقرر حکومت خود را در آنجا قرار داد و چون با خبر شد که علمای دین به مدینه رفته و امام جواد (ع) را به امامت پذیرفته‌اند به هراس افتاد و امام را به بغداد احضار کرد و با حيله از او تجلیل کرد و دخترش ام الفضل را به عقد ایشان درآورد و زمانی که مأمون به هلاکت رسید معتصم عباسی برادر مأمون، به وسیله‌ی همین زن، امام را در سن ۲۵ سالگی به شهادت رساند. (لعنت الله على القوم الظالمين)

عمر امام جواد (ع) گرچه کوتاه بود و غالباً در تبعید گذشت ولی باید گفت عمر با برکتی بود به طوری که در تاریخ آمده در آن زمان عده‌ای از بزرگان و علما از شهرهای مختلف به مدینه رفتند و سی هزار مسئله را در چند روز از حضرت سؤال کردند و امام بدون درنگ، جواب تمامی سؤالات را دادند.

ایشان می‌فرمودند: اعتماد به خدای متعال، بهای هر چیز گران قیمتی و نردبان برای هر جای بلندی است. عزت مؤمن، بی‌نیازی او از مردم است و همچنین می‌فرمودند: چگونه به خود واگذارده شود کسی که خدا را کفیل خود قرار داده است و چگونه نجات می‌یابد کسی که خدا در صدد اوست؟ کسی که اعتماد به غیر خدا پیدا کند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد و کسی که بدون علم، کاری را انجام دهد فساد آن بیشتر از صلاح آن است.

با توجه به زندگانی امام جواد (ع) و همه‌ی امامان معصوم، متوجه می‌شویم مردمان هواپرست و جاهل، بشریت را از چه نعمت‌های ارزشمندی محروم کردند و به این

یقین می‌رسیم که خداوند کریم و مهربان برای هدایت بندگان خود، از سر رحمت چه اولیایی را خلق نموده و در قرآن کریم نسبت به قدرشناسی آنان و بهره‌گرفتن از فضایل ایشان سفارش نموده و به پیامبر خود فرموده: ﴿بگو که من از شما برای رسالت، مزدی نمی‌خواهم جز دوستی اهل بیت که در آن هم یقیناً سود و بهره‌ای است برای عمل‌کنندگان.﴾ اما متأسفانه نه در گذشته و نه در عصر حاضر به دو امانت پیامبر خاتم (ص) که قرآن و عترت می‌باشد توجه و عمل درست نشد و نمی‌شود، درحالی‌که جانِ عالم‌گویای عظمت رسالتِ آخرین رسول است و ما امت او هستیم، امتی که وظیفه‌ای جز نجاتِ حیاتش ندارد و به سفارش پیامبرش باید دامن کتاب و عترتش را بگیرد درحالی‌که امت حاضر، قرآن را تلاوت می‌کند، آیاتش را با دقت روخوانی می‌کند تا ذخیره‌ی آخرتش شود، از تمام فرصت‌های نجات می‌گذرد، می‌خواند، حفظ می‌کند، با اقوام گذشته زندگی می‌کند، نتیجه‌ی اعمالش را در آئینه‌ی تاریخ در ترازوی عقل می‌سنجد ولی خودش امتی دیگر است که در کارهای اقوام گذشته دخالتی نداشته، او نبوده، فقط شنونده است، پس خیالش راحت است، این قوم عاد و ثمود بوده‌اند که خطا کردند و ناقه‌ی حیاتشان را سر بریدند، معاویه و یزید و مأمون و امثالهم بودند که در مورد امامان ظلم کردند، آنان را زندانی و شهید کردند و مردم کوفه و مدینه بودند که امامان را یاری نکردند و همان خطا آنان را از نعمت‌های رحمت محروم کرد و به غضب الهی مبتلا شدند ولی در واقع، غضب الهی در مورد نادانی عقلی است که بزرگ آفریده شده بود ولی قادر به درک مصلحتش حتی با راهنمایی خداوند در قرآن و پیامبرش هم نبود؛ دیگر خاکِ دانا او را نمی‌پذیرفت و کارگزاران ملکوتی از دیدنش متحیر می‌شدند؛ باید آن عقل می‌رفت تا عبرتی باشد برای عقلِ سالم؛ همان‌گونه که کتاب آسمانی می‌فرماید: ﴿آیا در احوال اقوام گذشته تعقل نمی‌کنید؟﴾ تعقل یعنی عقلی برتر، عقلی که بتواند آئینه‌ی نور باشد در ظلماتِ جهل، پس چه شده که عقلمان دنباله رویِ جهلِ جاهلان تاریخ است و نتوانسته تا به فرموده‌ی کتاب آسمانی، آن مردم بروند و مردم دیگری بیایند؟ آیا مردم عصر حاضر مردم دیگری هستند؟ چگونه می‌شود مزدِ رسولان را بدهیم؟ مودت دروغین که مزد نمی‌شود، مودتی مزد

است که مردم دیگری باشیم با عقلی برتر که امامش را بشناسد و راهش را در صراط مستقیم پیماید.

پس در این روز مبارک بیایید عهد ببندیم که مردمی دیگر باشیم نه از مردم عصر امامان معصوم بلکه از شیعیان راستین عبرت گرفته با امام عصرمان آن گونه باشیم که آنان بودند در غیر این صورت تکرار تاریخ خواهیم بود.

همچنین این روز مبارک مصادف است با میلاد مجاهد شش ماهه، حضرت علی اصغر (ع) که ره شصت ساله پیمود و در کربلا حماسه‌ای جاودان آفرید و رسم و آیین اطاعت از امامت را در دفتر زمان با خون گلوی خود نوشت و امضا کرد که متأسفانه تحریفاتی که در نهضت کربلا شده شامل رشادت و جانبازی حضرت علی اصغر (ع) نیز گردیده درحالی که ایشان نشان داد که آیا در امر ظهور عدالت، بچه‌ی شش ماهه معذور از اطاعت امام است یا نه؟ این پیامی است که همه باید بدانند نه چیز دیگری که نقل مجالس ماست و به آن اندیشه نمی‌کنیم که آیا کودک حضرت ابراهیم (س) شش ماهه نبود که پیامبر با مادرش در بیابان رهایشان کرد و آن‌ها را به خدا سپرد؟ آیا حضرت اسماعیل (ع) از تشنگی هلاک شد یا فضل الهی از زمین، شامل حالش گردید؟ پس چه شد که فرزندان پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) باید سرنوشت دیگری داشته باشند؟ چه شد که فضل خدا در مورد انبیاء دگرگون می‌شود، گاه بر یک پیامبر عادل است و بر یک پیامبر نعوذ بالله جز این است؟

باید بدانیم کربلا، نمایش عزت و بزرگی بود در پیروی از حق، در مبارزه با باطل، در ایثار و از خود گذشتگی در راه خدا؛ برای درک بهتر این موضوع روایتی را بازگو می‌کنیم.

قبل از عزیمت امام حسین (ع) به کربلا، در مکه اباعبدالله الحسین (ع) بعد از طواف کعبه، حضرت علی اصغر (ع) را از مادر می‌گیرند و در مقام حضرت ابراهیم (س) می‌گذارند و می‌فرمایند: ای خلیل خدا، به کوچکترین سربازم قوت جهادی بده که نامش پرچم بت شکنان دهر شود و بازوی کوچکش، تبر اطاعت را حمل کند و جان چونان گلش در خون پاکش بشکند تا زمان، گلی به زیبایی او را به یاد نیاورد. بله این

است نمایش بندگی، ایثار، عشق و توانمندی در مبارزه با باطل که باید الگوی حق مداران باشد.

ما ضمن عرض تبریک و تهنیت این روز خجسته و مبارک خدمت مولا و سرورمان، امام و ولی امرمان، ابوالصالح المهدی (عج) دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها یاری فرما تا قرآن کریم را آن چنانکه اراده‌ی تو از نزول آن بوده درک و به آن عمل کنیم.

بار الها یاری فرما، مودتی با امام زمان خود داشته باشیم که صلاح ما و خشنودی تو و رسول و امام عصرمان در آن باشد.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی سرور و مولایمان، امام زمان (عج) تعجیل بفرما و ما را جزء یاوران و شیعیان آن حضرت قرار بده.

آمین

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۳ اردیبهشت ۹۳

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

حمد و سپاس پروردگار یکتا و مقتدر را سزا است که به قدرت و اراده‌اش شکافته شد دریاها، برپا شد کوه‌ها، سبز گردید درختان و گیاهان، جان گرفتند جانداران، معنا پیدا نمود حیات و ممات، فروزنده شد خورشید و ماه، آراسته گردید ستارگان و خلق شد انسان، برگزیده شدند رسولان، نازل شد قرآن، جدایی گرفت حق از باطل، مبعوث شد افضل پیامبران، حضرت محمد (ص) شکافته شد کعبه و متولد گردید امیر مؤمنان.

نیست معبودی غیر از خداوند سبحان که کریم است و رحیم و رحمان و شکر بر برکات پروردگاری که امر فرمود: مردگان را به ندای حق خواهیم خواند تا خاک زمین را از جان خویش بزدایند سپس به نسیم ملکوت بر ارکان جانشان تصویر حق را خواهد نگاشت آنگاه زبان‌ها به حرکت درخواهد آمد: یا رب، ما را به وعده‌ی خویش خواندی پس بر ما بنما اسرار جانی را که توان عقل را در محاسبه‌ی نفس به فراموشی سپرد تا در نهان جانش فرمانروایی مقتدر را به تصویر کشد، کرسی خلافتش را برافراشت و پرچم اقتدارش را بر عالم وجود القا کرد و به اعضا و جوارحش فرمان داد تا فرمان برش باشند همگی اطاعت کردند پس فرمان را بر دیوان عدالت روحی مطهر این‌گونه نگاشت: مرا به نامی که دارم بشناس و از فرمانم اطاعت کن، اینک کاخ آن پادشاه مقتدر که در خاک زمین مدفون است جانش را به مدد می‌خواند و او پاسخ می‌دهد: شکر خالقمان را سزا است که ما را از زندان زمین به آسمان رحمتش فرا خواند تا بار دیگر فرمان‌بر خالق مدبر باشیم. چه با شکوه و عظمت است سلطنت پادشاه حاکم و امیری مقتدر که آمدنش برکت زمین بود و حکمرانی‌اش بی‌نظیر و جاودان و جایگاه آمدنش خانه‌ی خالقش و گهواره‌ی با شکوهش آغوش پیامبرش و تقوا و عدالت و ایمان مکتبش، رشادت و مردانگی نشان غیرتش و عاشقانه‌ترین سروده‌ها مناجات شب‌هایش پس سلام و برکات و تهنیت به روز آمدنش که امروز زمین و آسمان به شکرانه‌ی این نعمت الهی به سرور و شادمانی است چون حبیب و ولی و حجت و امین خدا جانشین پیامبرش، خزانه‌دار وحی‌اش، رازدار آیینش، امام بر حق شیعیان امیر مؤمنان

(ع) که دوست و دشمن در اوصاف کمالش متحیر و حیران مانده‌اند در کعبه متولد شد و به دنیا آمد تا به همه‌ی مخلوقات اراده‌ی خداوند کریم را در خلقت خلیفه نشان دهد. خلیفه‌ای که عزتش سایه‌ی خلقتی است که جاودانگی را معنا می‌کند که خود فرمود: ای مردم من در بین شما مانند چراغ در تاریکی هستم و هر کس از روشنایی من استفاده کند راه خود را روشن خواهد یافت و رستگار خواهد شد بنابراین ای مردم بشنوید و به خاطر بسپارید و گوش‌های قلبتان را باز کنید و بفهمید. ولی واحسرتا که چنین نشد و چشم‌هایشان کور و گوش‌هایشان کر و قلب‌هایشان سنگ شد و عذاب دنیا و آخرت را بر جان ذلیلشان خریدند و دم از مسلمانی زدند و قرآن ناطق و اسلام راستین را در وجود گهربار ایشان به واسطه‌ی هوای نفس و حسادت و خودپرستی ندیدند و نپذیرفتند و در اغفال و گمراهی مردم از هیچ حيله و نیرنگی فروگذار نکردند. یک نمونه‌ی آن را از زبان مقدس مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) نقل می‌کنیم که فرمودند: اواخر حکومت خلیفه‌ی دوم و آغاز حکومت خلیفه‌ی سوم درحالی‌که هر دو خلیفه در این امر شریک هستند پدرم امیر مؤمنان با کمک حضرت جبرئیل، قرآن کریم را به صورت کتابی با تفسیر و حقایق آیه‌های کریمه تنظیم کردند و از رمزهای قرآن کریم در علم امامت تفسیری زیبا دست‌نوشته فرمودند و درحالی‌که مردم نماز مغرب را خوانده و منتظر سخنانی خلیفه‌ی دوم بودند پدرم وارد مسجد شدند و خطاب به مردم فرمودند: ای امت رسول‌الله، آنچه را که در زمان حیات پیامبر به او وحی شده بود و من از دهان مبارکشان شنیده بودم را در روی این ورق‌ها جمع‌آوری نموده و آن را به میان شما آورده‌ام تا مهر تأیید حضرت جبرئیل، امین وحی را در آن ببینید و من مأموریت خود را در جمع‌آوری قرآن کریم به آخر برده باشم. در این وقت خلیفه‌ی دوم کتاب را از امیر مؤمنان گرفت و آن را بالای سر برد و گفت: ای مردم، آیا این کتاب را که علی در آن از معانی و مفاهیم آنچه که خود و نفس خود از آن پیروی کرده است را با عنوان کتاب رسول خدا می‌پذیرید؟ و آن‌چنان صورت امر را جلوه داد که آنچه را که امیر مؤمنان نگاشته است کتابی به دست خط و دلخواه خود بوده است. امام کتاب را از دست آن‌ها گرفتند و فرمودند: هرگز دست شما به آن نخواهید رسید و به علم آن پی نخواهید برد؛ من آن را به امین

وحی می‌سپارم تا امانتی باشد برای فرزندان من و هر کدام از آنها آن را به فرزند خود خواهد داد تا نوبت به آخرین فرزندم برسد آنگاه او به این کتاب عمل خواهد کرد و حقیقت وحی آشکار خواهد شد تا آن زمان من شما مردم نافرمان را به آنچه که بزرگان و خلفای شما تنظیم کنند و شما آن را حق بدانید می‌سپارم تا هرگز نتوانید حقایق را از درون قرآن کریم بخوانید و بدانید. بعد از خارج شدن امیر مؤمنان از مسجد عثمان اقدام به تنظیم این کتاب آسمانی که اکنون به‌عنوان قرآن کریم تلاوت می‌شود کرد که آیه‌ها همان آیه‌های حقه است ولی تنظیم و شماره‌گذاری به‌واسطه‌ی آنها انجام گرفته است. از همان کلام پدرم تا ظهور نور قرآن کریم آنچه که مردم از بزرگان و خلفای خود دریافت می‌کنند ظاهر عمل است و باطن نزد من است؛ شما به دنبال باطن باشید و منتظر آن و ظاهر را که هر بار به دلخواه یک خلیفه تنظیم می‌شود به خودشان واگذار کنید تا همچنان در بازیچه‌ی آنچه به دست آورده‌اند روزگار را بگذرانند. پروردگار کریم دعای امیر مؤمنان (ع) را مستجاب فرمودند و حقیقت را تا ظهور نور مخفی فرمود؛ اگر به دنبال امیر مؤمنان (ع) حرکت کنید دل به آنچه که در ظاهر است نباید ببندید بلکه حقیقت وجود امیر مؤمنان (ع) در عمل است نه در حرم؛ به دنبال حقیقت قرآن کریم باشید و در طلوع و غروب آن را طلب کنید.

ما در این روز مبارک به شکرانه‌ی این نعمت و رحمت بزرگ الهی در خانه‌ی مقدس آخرین فرزند گرامی‌شان سرور و مولایمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) دور هم جمع شدیم، ضمن ابراز تهنیت و سلام خدمت وجود مقدسشان اعلام می‌داریم: مولا، ما شیعیان و شیفتگان پدر گرامی‌تان امیر مؤمنان نور و عطر ایشان را از وجود مبارکتان کسب می‌کنیم. یابن حیدر کرار، ما منتظران قدوم با برکتتان را دریاب تا از نعمت و فضائل امیر مؤمنان (ع) با عنایت شما بهره‌مند شویم همان گونه‌ای که مادر گرامی‌تان صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا (س) فرمودند: کتابی را که امیر مؤمنان علی (ع) جمع‌آوری فرمودند پروردگار امر فرموده که در بین جانشینان پیامبر باقی بماند اینک این امانت در مقامات بندگی که همان مقام محمود است در جریان است؛ پرتوش در نام آخرین وصی رسول خدا است پس پیروانش به حقیقت قرآن کریم آگاه

می‌شوند و از جامش درحالی‌که در نهان است می‌نوشند تا جانشان به وعده‌ی حق منور گردد و اگر مردمان زمان درک می‌کردند که ساعت‌هایشان منتظر چه فرمانی است سر از سجده‌ی شکر برمی‌داشتند تا نعمتشان آشکار می‌گردید و عمرشان به برکت آن در خلقتی جدید جلوه‌گر می‌شد. پس شکر پروردگار را سزا است که رحمتش را پایانی نیست ضمناً این روز بزرگ و مبارک مصادف است با دهمین سال روز افتتاح این کوی عشق و رحمت و عرفان به اذن خداوند کریم و عنایت خاص امام عصر به نام نامی مهدیه صاحب‌الزمان (عج)؛ ما ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند کریم و از وجود مقدس امام و مولایمان به‌واسطه‌ی اینکه هر سال بیشتر از قبل بر برکت و عنایات خاصی این خانه‌ی بلند می‌افزایند مخصوصاً در این سال بر مکان برگزاری مجالس آن افزوده شد هر چند بر مخالفین و منافقین آن خوش نمی‌آید سپاسگزاری می‌کنیم و دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها ما دوستداران امام علی (ع) و فرزندان طاهرینش هستیم ما را در پیروی از دستورات ایشان که همان دستورات توست یاری فرما.

بار الها دشمنان گذشته‌ی امیر مؤمنان (ع) را عذاب و لعنت و دشمنان عصر حاضر ایشان را رسوا و نابود بفرما.

بار الها به برکت وجود صاحب این خانه مولایمان امام عصر هر روز بیشتر از روز قبل بر برکت این خانه‌ی مقدس بیفزای.

بار الها در ظهور دولت حق مولایمان امام عصر تعجیل بفرما و قلب نازنین ایشان را از ما خشنود بفرما.

در خاتمه از برادرانی که مشتاقانه و با خلوص تمام در تأسیس مکان جدید ما را یاری فرمودند تشکر و قدردانی می‌کنیم و از خداوند متعال برای ایشان عافیت دنیا و آخرت و از صاحب خانه امام و مولایمان عنایت خاصه را خواستاریم.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ اردیبهشت ۹۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

خطبه‌ی این روز بزرگ را با فرازهایی از دعای پر برکت ام داوود آغاز می‌کنیم.

راست فرمود خداوند جلیل و جمیل و حمید و مجید که نیست معبودی جز او و اوست زنده و پایدار، بخشنده و بردبار، گرامی و بی‌شریک. بار خدایا حمد و ستایش تو راست؛ بزرگواری و عزت و شکوه تو را سزاوار است؛ فرمانروایی آنچه در زمین و آسمان‌هاست از آن توست.

خدایا درود فرست بر ملائک و مقربین، بر انبیاء و مرسلین و حضرت محمد (ص) خاتم نبیین، بر خاندانش، درودی بی‌شمار و بی‌پایان مخصوص گردان بر آنان بر جانشینانشان و شهیدایشان، بر هدایت کنندگان و عبادت کنندگان، مؤمنین و پاکان و پاکیزگان.

بار خدایا ای معبود من و آقای من، بر خواری و فقیری و بی‌نوایی‌ام دل بسوزان؛ منم دل شکسته و هراسان، بیچاره و بی‌پناه، دل سوخته و اندوهگین که به درگاه با جود و سخا و با کرامت چشم دوخته و پناهنده شده. از تو درخواست می‌کنم به احترام این ماه حرام و مسجدالحرام و رکن و مقام که باز کنی درهای احسانت را، بیامرزی گناهانم را، برطرف کنی سختی و مشکلاتم را، گوارا و شیرین کنی بر من عبادتم را، دور کنی از من فتنه‌ی زمانه و دشمنانم را، خوار کنی ستمگران و حيله‌ی کافران را، جدایی نیندازی میان من و فرمان‌برداری کردنت را.

بار الها زمان و مکانِ اجابت دعاهایم را نزدیک و آسان گردان برآورده شدنشان را.

آمین

سلام بر آتشی آنگاه که فروزان شد، از درونش ندای عشق به ملکوتِ عالمِ زبانه کشید و پاسخی آمد و فرمود: ای عبد من، به آغوشم بنگر و به راهی که تو را بر فرازِ محبتم بر آن جاده‌ی نور، هدایت خواهم نمود تا گوشت و پوستِ جانِ مادیات به فغان آید و معترف شود که ای وای بر شعله‌ی فروزانی که جانم را در محبتش آن‌چنان سوزاند که به فغان آمدم که ای پروردگارم به ستمی که بر خود کردم ترحم کن تا بار دیگر در پیشگاهت به آنچه به من ارزانی فرموده بودی بایستم تا فرشتگانت مرا در تاجِ خلیفگی‌ام ببینند و آنگاه گواهی دهند که با علمِ این عشق، بیگانه هستند و درک آنچه در مقابلشان است را ندارند و من درحالی‌که جان شیفته‌ام را در قالبِ بندگی‌ات متلاشی نموده‌ام به تمنا بگویم به من بنگرید که من ذره‌ای هستم که به محبتِ خالقم محتاجم.

بله، حضرت آدم (ع) با فرزندانش، آنانی که عشق و بندگی را در قالب خلیفگی، در دنیا به نمایش گذاشتند و از این عشق، هر لحظه سوختند و از هجران، ناله‌ها سر دادند و برای رهایی از زندانِ دنیا لحظه شماری کردند و برای رسیدن به قرب الهی، جان و مال و فرزند را فدا کرده و سخت‌ترین مصیبت‌ها و دشواری‌ها را همچون کوهی استوار تحمل کردند. در قیامت همه‌ی ملائک و جنیان را با اشتیاق، به سجده در می‌آورند؛ از جمله‌ی این خلیفگان، حضرت زینب کبری (س) هستند که قلب مهربانشان، اقیانوسِ مهر را به برهوت تبدیل می‌کرد، عشقشان در بندگی، آتش‌فشان‌ها را به خاموشی مبدل می‌کرد و همین عشق بود که بر همه‌ی عواطف خواهری و مادری پیروز شد و آن همه مصیبت و غم و اندوه را همچون کوهی مرتفع و سربلند تحمل نمود.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند. حَقّاً که دختریِ امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس؛ کسی که برادران و برادرزادگان و فرزندان و همه‌ی بنی‌هاشم از مهر و عطوفت او سیراب می‌شدند و او را برای خود عزیزتر از مادر می‌دانستند.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب (س) از عجایب خلقت است؛ درحالی که به لطافت گلبرگ گل بود، برای رضایت الهی چنان محکم می شد که فولاد را شرمنده می کرد. باید حضرت زینب (س) را شناخت و به او عشق ورزید همان گونه که مادر گرامی شان فرمود: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقت خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود است.

حضرت زینب کبری (س) که تربیت یافته در مکتب امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) هستند پس از نهضت عاشورا با مردم مدینه در مورد حال خود چنین سخن گفتند که:

«ای مردم مدینه، تربیت فرزندان در خاندان نبوت، ریشه از اصل آفرینش دارد و همراه شدن من و فرزندانم و برادرم و برادرزاده هایم در سفری که در آن با کفر و زشتی مبارزه کردیم و توانستیم تا لحظاتی را برای خودمان جاودانه کنیم که حرارت حق را در وجودمان احساس کنیم و شمشیر را بر فرق باطل بکوبیم. من هنگامی که سر خونین پدرم امیر مؤمنان را در آغوش گرفتم چشمان خود را گشود و فرمود: زینب جان، تو را برای تحمل مصائبی تربیت کردم که تحملش برای عموم مردم سخت است پس منتظرم تا دست پرورده ی خویش را در جامه ی عزت ببینم.

پیشانی پدر را بوسیدم و خود را آماده ی پذیرش مسئولیت های بزرگی کردم، آنچه داشتم را در اطاعت الهی قرار دادم و در کنار برادرانم آشیانه ی وحی الهی را به محل مبارزه با شیطان های نفس مبدل کردم و عمرم را در آنچه به من سپرده شده بود سپری کردم و در حماسه ی عاشورا دیدم از ناباوری های رسالت جدم و دلم زخم خورد بیشتر از زخمی که شهدا برداشتند، زخم آنان با استقبال جدم رسول خدا التیام یافت ولی زخم های من را کسی مرهمی نگذاشت».

حال در این روز بزرگ ما نیز به دامن بانو و سرور عالم امکان حضرت زینب (س) چنگ می زنیم و با ناله ای که زمان، شاهد آن است تمنا می کنیم که: ای ریشه ی نبوت، شما را پرچم دار کاروانی می بینیم که مصیبتش، جهل جاهلان بود. ای دخت امیر مؤمنان، تنهایی و غربتمان، رmqمان را برده؛ ای دخت پیامبر (ص)، شما شاهد زمان ما هستید

پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند، اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به طرفش نشانه می‌روند و مانند نمرود، تیر را به آسمان جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از اینکه خود را خاموش می‌کنند چون مولا و سرورمان صاحب عصر و زمان با وعده‌ی خدا، جاء الحق و زهق الباطل هستند اگر چه باطلان را خوش نیاید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت بانوی مکرم، حضرت زینب (س) ما را حق بین و حق مدار و حق گو، قرار بده.

بار الها ما را در جهاد با نفس، پیروز کن و صبر و استواری حضرت زینب (س) را الگوی ما قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه امام زمان (عج) که آرزوی همه‌ی حق مداران مخصوصاً عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) بود تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ خرداد ۹۳

خطبه‌ی آخرین جمعه‌ی ماه رجب

حمدِ مخلوقات عالم بر آستان کبریایی خالقِ باد که از مهرِ بی‌پایانش چشمه‌ی هدایت را جوشاند و بر سرچشمه‌ی لطفش، پیامبران را هادیِ انسان‌ها نام نهاد تا با هدایتشان جان فرو افتاده از ملکوت را بر سرمنزلِ عافیت رهنمون شوند و سلامِ جانشینانشان، بر آنان باد و بر عزمِ ملکوتی‌شان که همواره جانِ مبارکشان را، ندایِ نجاتِ انسان‌های در بندِ نفس اماره کردند تا جوهره‌ی وجودی‌شان متبلور شود و از ظلمت، به نور، هدایت شوند.

اکنون آخرین جمعه‌ی ماه رجب است. جمعه‌ای که عالم، در نجوای عاشقانه، صورتِ اطاعت بر آستان کبریایی پروردگارش نهاده تا شکرگزارِ نعمتی باشد که اسرارِ کتاب مبین را از درگاه پر شکوهِ ملکوت، بر سینه‌ی پیامبرش نازل فرمود.

چه مبارک سحری بود آن دقایق که ضربانِ حیات، در جان مبارک آخرین رسول الهی بانگ جاویدِ جاء الحق را نواخت و آنگاه باطل، بر روی در افتاد و عجز و ناتوانی‌اش را اعلام کرد؛ آسمان به نم نم اشکی متبرک شد و زمین به ناله‌ای اعلامِ آمادگی کرد؛ ستارگان در درخشششان بر یکدیگر پیشی گرفتند و ماه، نور لرزانش را بر شکاف غار متمرکز کرد تا از نعمت پروردگارش بی‌نصیب نماند؛ آنگاه آسمان شکافت و از وسط دو نیم شد؛ فرشته‌ی وحی، دو بالِ خود را بر کناره‌ی آن نهاد و نامِ جاوید آخرین پیامبر الهی را خواند: ای محمد، به آسمان بنگر و آنچه را که به جانت القا می‌شود را بخوان و پیامبر خواند؛ همه‌ی آفرینش بر او درود فرستاد و جانِ جهان، منور به نزولِ وحی شد. تاریکیِ سحر به سفیدی صبح بدل شد و خورشید، با اشتیاق از مشرق طلوع کرد. درخشش تاج رسالت، بر سرِ آخرین مأمور الهی چونان گنجی بود که همه در تماشایش بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و روز آغاز شد؛ چه روز زیبایی! چه جمعه‌ی مطهری! هوایش هوای زمین نیست بلکه منور به نزولِ برکاتی است که از الطاف و احسانِ خالقش جانش منور است. قرآن آمد و خود را مولودی مبارک نامید و معجزه‌ای که

دریای علم و رحمتش را پایانی نیست؛ جهان، همواره بر عظمتش معترف است و از درکِ علمش عاجز؛ پروردگار عالم، خود را حامی‌اش معرفی فرمود و جانِ عزیزش را در حمایتِ خویش گرفت و دست ناپاکان را از ساحت مقدسش دور نمود و همواره جلالتش را بر دوران‌ها حاکم گردانید تا عاشقانِ کوی‌اش از آستان پر عظمتش جانِ بی‌رمقشان را زنده کنند و از مرگی که نامش جهل است برهند.

پس پیامبر برگزیده شد تا معجزه‌ی خویش را از ریشه‌ی جانش بیرون آرد و بر امتش عرضه دارد. افسوس که دنیای افسون شده‌ی نفس اماره، با هزاران آب و رنگِ دست‌ساز بشر، به میدان آمد و گنجِ بی‌پایانش را از سینه‌ها تهی کرد، بر جلالتِ ظاهری‌اش افزود و از عملِ باطنی‌اش کم کرد تا آن را همان گونه که پیامبر (ص) معترف آن است که «ای وای بر امت من که قرآن را مهجور کرد» امت‌هایی که در رسالتِ پیامبر آمدند و رفتند و اینک ما مدعیانِ مبعث، دور یکدیگر جمع شده‌ایم تا روز مبارکش را چونان منظره‌ای بر جانِ بی‌رمقمان بخورانیم و چشم بر احسانش بدوزیم و از درگاه کبریایی‌اش تمنا کنیم و بگوییم که ما امتِ غریبی هستیم که حرف دلمان را در قالب اشک و دعا بر پروردگارمان عرضه می‌کنیم؛ دست بر سینه‌ی مجروحمان می‌گذاریم که مشتاقِ دولتِ آخرین وصیِ رسولمان است و همان‌گونه که امامان در دعای کمیل فرمودند اسلحه‌ای جز اشک نداریم پس بر سر راه این سیلاب می‌نشینیم تا خورشیدِ مبعث، تاج رسالت را بر سر آخرین وصی رسولمان مزده دهد تا جهان، با انوارِ قرآن ناطق، از جهل نجات یابد و انوارِ جاء‌الحق متجلی گردد.

پس با صدایی متفاوت با هر روزِ دیگر، می‌گوییم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳ خرداد ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و ثنا خداوند رحمان و رحیم را سزاوار است که می‌بخشد و مهربانی می‌کند؛ فقیر را غنی و ذلیل را به عزت می‌رساند، ضعیف را قوی، گمراهان را هدایت، توبه‌کنندگان را نجات و دشمنانش را عذاب می‌کند. آن خدایی است که زندگان را روزی و مردگان را به سوی خود می‌خواند و جاوید است و پایانی ندارد؛ گریزگاهی از فرمانروایی‌اش نیست؛ بازگشت همه به سوی اوست؛ نیست معبودی قابل ستایش و سپاس جز ذات کبریایی‌اش.

برکات عالم در جان‌هایی نهفته است که در فرامین پروردگار عالم متحول است آنگاه که می‌فرماید: من جانشینی می‌آفرینم؛ حکمرانی که در مملکت جانش فرمانروایی منصف است و آنچه از غنائم می‌یابد به تساوی بین اعضایش تقسیم می‌کند؛ غنیمت چشمش را در عظمت هستی به او هدیه می‌دهد و غنیمت گوشش را در نوای دعوت پروردگارش؛ غنیمت زبانش را در حمد و ثنای آفریدگارش و اعضای دیگرش را غلامی فرمان‌بر تا حلقه‌ی جانش در بند خالقش به خدمت درآید و ردای ظاهرش، لباس دوخته شده‌ای که از لطف به جانش پوشانده‌اند تا برهنگی‌اش مستور گردد و ردای باطنی‌اش نوری که در جبین پیشانی‌اش چونان آینه‌ای در اهتزاز است.

چه زیباست این فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و مصداق بارزش فرزندان گرامی‌شان، امامان برحق که ردای عزت و تقوا و سربلندی بر قامت زیبایشان در ظاهر و باطنشان دوخته شده بود و چشم حسودان و دشمنانشان را کور می‌کرد و آنان نمی‌توانستند این ارجمندی و مقام ملکوتی را تحمل کنند در نتیجه آنان را آزار و زندانی و شهید کردند. لعنت الله علی قوم ظالمین من الاولین الی یوم‌الدین.

حال که در این شب حزن‌انگیز به عزا و سوگ یکی از آن گهران بی‌همتا، امام هدایت، صاحب علم و دیانت و تقوا، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم

یقین، امام رئوف و شایسته و عابد و زاهد مولایمان امام موسی بن جعفر (ع) که رحمت خدا و برکاتش بر او و بر پدران و فرزندان گرامی‌اش باد دور هم جمع شده‌ایم، بدانیم و آگاه باشیم که امام موسی کاظم (ع) سال‌ها در سخت‌ترین شرایط، زندان را تحمل کرده تا حق پایدار بماند و باطل رسوا شود و راه و رسم حق‌مداری و حق‌جویی را امت مسلمان مخصوصاً شیعه بیاموزد که تا چه اندازه باید در مقابل ظلم و ظالم و فساد و نفاق ایستادگی کرد و از آرمان‌های اسلام و شیعه دفاع کرد و فداکاری نمود و ثابت کرد که عزت و مقام والای امامت را نه زندان هارون و نه کاخ مأمون و نه پرده‌ی غیبت می‌تواند کم‌رنگ کند.

چه زیبا فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که امت آخرالزمان مانند حضرت یوسف (ع) از امام عصرشان درحالی‌که به آن‌ها نزدیک است دچار پرده‌ی غربت هستند؛ امامشان در کشور جانشان است فقط آدرسش را نمی‌دانند، از دوری‌اش در فغان و ناله هستند و منتظر دیداری که هجران حضرت یعقوب (ع) را معنا کند درحالی‌که حضرت یوسف (ع) در پرده‌ی غیب قرار نگرفت بلکه آدرسش تغییر کرد تا نفسی تربیت شود که انوارش امانتی باشد در دوران‌های دوری از پیامبر خاتم امت پدرم در غربت و دوری از پیامبرشان به آدرس‌های زمان سفر کردند و دوران‌ها در این غربت طی شد جانشینانش چراغ‌های هدایت را در دست گرفتند تا غربت تاریکی، جان‌ها را به تباهی مبتلا نکند پس کتاب آسمانی مژده می‌دهد که غربت پیامبر با دیدار پیامبر عصرش به پایان رسید و رؤیاهایی که حقیقت آن را پروردگار عالم در قالب دعا بیان می‌فرماید و به حقیقت جان پیامبر اشاره می‌فرماید و پروردگار عالم امتحانی را بیان می‌فرماید که حقیقت وجود انسان‌هاست در برزخ؛ مانند مهمانی زلیخا دیدن حقیقت انوار حق آن‌چنان سنگین است که بُرندگی‌اش مانند تیغ آن مهمانی است و زندگی، رؤیایی است که پیامبر تأویل آن را آموختند و خوابی را تعبیر کردند که جان مرده را نهیب بیداری می‌زند و می‌فرماید: روزی‌ات را به طبقی مگذار تا همگان در گردش درآیند و آن را برابیند تا جانت را به دار شیطان بیاویزند و شیرهی جانت را مفشار و به ظالمان مخوران که همواره خدمتگزار شیطان نفس شوی پس با حقیقت

انوار کتاب آسمانی نفس اماره را به افسانه‌ای تبدیل کنید که با بیداری، خاصیتش از بین می‌رود.

پس می‌بینیم که امامت همیشه برای یاری و هدایت، با انسان‌ها همراه بوده و هست فقط آدرسش فرق کرده، زمانی در تبعید، زمانی در زندان و کاخ و زمانی در غیبت و این ماییم که آدرسش را با وجود اینکه قرآن کریم به آن اشاره دارد گم می‌کنیم؛ آدرسش همان است که در داستان حضرت یوسف (ع) در تعبیر خواب آن دو زندانی به آن اشاره شد که روزی‌ات را که همان ایمان و تقوا و بهره‌مند شدن از وجود بابرکت امامت است را محکم نگهدار تا نامحرمان و فاسدان باورهای آن را از تو نگیرند و شیرهی جانت را که همان معرفت و ایمان و ارادت و توسل به وجود امامت است را به ظالمان نده که گم‌گشته و پریشان خواهی شد.

در این شب بزرگ به مولا و سرورمان امام زمان عرضه می‌کنیم:

ای مولای ما، یقین و باور داریم که دست قدرتمند امامت شما همیشه برای یاری منتظرانتان آماده است این ماییم که در غفلت از آن به سر می‌بریم. پس ما را یاری فرمایید.

حال دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها در شب شهادت امام موسی کاظم (ع) که برای پایداری حق و نابودی باطل، سختی‌های زندان را تحمل و در آخر به شهادت رسیدند ما را در پیروی از آن بزرگوار یاری و موفق گردان.

بار الها ما را که زندانی در قفس غیبت از امام زمان هستیم یاری کن و با ظهورش به ما نجات عطا فرما.

بار الها قلب نازنین ایشان را از ما خشنود فرما و ما را جزء یاران و فرمان‌برانش قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی عید مبعث

۶ خرداد ۹۳

الحمد لله رب العالمین بر آمدن سفره احسان الهی، بر انوار کتاب آسمانی قرآن کریم آنگاه که خطاب فرمود: بخوان؛ چه آغاز باشکوهی! نفس در سینه‌ی خاتم انبیا صلی الله به شماره افتاد؛ یک بار دیگر امر فرمود: ای محمد بخوان؛ پیامبر اعلام فرمود: علم امر پروردگارم را نیاموخته‌ام؛ فرشته‌ی وحی تکرار کرد: بخوان به نام پروردگارت که بیافرید آدمی را از لخته خونی؛ زبان در کام رسول الهی در حرارت وحی به سرخی خورشید در غروب جهل زمان خودنمایی می‌کرد؛ حضرت جبرئیل (ع) فرمود: با من بخوان تا شیرینی سال‌های هجرانت را به تو بچشانم؛ اکنون ضربان قلبت همانند کلیدی اسرارآمیز در سینه‌ات به رمز خلقت گشاده خواهد شد، رمزی که آغاز کتابی ارجمند است.

قرآن متولد شد؛ چه تولد مبارکی! اعجازش همانند انوار روح است در قالب جسمی محدود؛ قالبی که استعداد شکل پذیریش غیرقابل تصور است پس انوارش به قالب جسمی که نامش را کتاب برگزیدند درآمد اینک این قالب ملکوتی به هزاران زبان شیوا با پیروان خویش سخن می‌گوید، از شبی که نامش را لیل معرفی می‌فرماید؛ سوگند به شب آنگاه که جهان را در خود فرو پوشد و سوگند به روز آنگاه که آشکار شود؛ شبی که با الطاف بی‌منت‌های پروردگار عالم به روزی ابدی پیوند خورد تا ظلمت را برای همیشه از جان جهان جدا کند. پس روزی بی‌غروب در علم و هدایت، جهان خاکی را به خود فرا خواند؛ حیات‌های مرده به انوارش زنده گردید؛ سینه‌ی مبارک پیامبر امانت‌دار این گنجینه‌ی بی‌همتا شد؛ گنجینه‌ی الهی را در دستان توانمندش بر خاکیان از عرش افتاده عرضه نمود؛ ای به زیر افتادگان از نعمت‌های بی‌شمار پروردگار، شما را مژده باد تا بار دیگر در سایه‌ی عزت پروردگار، راه خویش را بر کرسی آسمان‌ها بیابید و بر سال‌های غربت نهیب وصلی مبارک را مژده دهید.

افسوس که جان آدمیان به ذلت زمین خو گرفت و افسون شیطان در جانشان همانند ریسمانی محکم بر دست و پایشان بسته شد. این کتاب که معجزه‌ی زنده شدن مردگان بود مهجور ماند و زبانش در کام مردمان به مانند طعامی گردید که گاه با رنگ‌هایی الوان آراسته می‌شود تا اشتهای حاضرین را برای بلعیدنش تحریک کند. اینک امتش بر مهجوری این گنجینه‌ی آسمانی معترفاند و آنچه از این گنج تمام نشدنی بر می‌دارند همانند غذایی است که بعد از خوردن، طعمش را فراموش می‌کنند و ذائقه‌ی جانشان به دنبال طعمی تازه است تا همواره بر گرد نفس اماره بچرخد و پیمان الستش را بخوابی که بعد از بیداری آن را فراموش می‌کند مثل زند پس وای بر امتی که پیامبرش را در هدایتش تنها رها کند و نفسش، کتاب جانش را بنگارد شبی که در سوگند پروردگارش روزی را به دنبال ندارد مگر با امری که وعده‌ی پروردگار است در برقراری حق و نابودی باطل پس به گلستان این روز با عظمت متوسل می‌شویم و با تضرع از جامان ناله سر می‌دهیم که: ای پروردگار ما، ما را در این شب ظلمانی مدد فرما تا با روزی که به آن سوگند یاد فرموده‌اید غم‌هایمان به وصلی مبارک بدل شود.

اینک سر را بر سجده‌ی شکر می‌گذاریم تا در غروبی که تَلَأُوْ وَحی آن را مزین فرموده همگی با دلی آکنده از شوق انوار با برکتش اعلام داریم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۱۱ خرداد ۹۳

حمد و ستایش مخصوص خداست و اوست سزاوار ستایش و ستایش حق اوست؛ چنان ستایشی که شایسته‌ی اوست بسیار و بیرون از شمار بر خداوند سبحان و حکیم که نه در خلقت آسمان‌ها و زمین و نه هنگام آفریدن مخلوقات کمک و یآوری نگرفت.

زبان‌ها از نهایت وصفش عاجز و عقل‌ها از درک بزرگی‌اش حقیر و چهره‌ها از هراس قهرش لرزان است؛ نیست معبودی غیر از ذات اقدسش پس معبود من اگر مرا به جرمم گرفتی به عفو پناه گیرم؛ اگر به گناهانم بگیری به آمرزشت درآویزم و اگر به آتش بری فریاد کنم که دوستت دارم. معبودا پوشاندی گناهانم را و بر من مهربانی را تمام کردی پس در قیامت هم رسوایم نکن؛ دعایم را، مناجات و فریادم را بشنو و بر من ترحم کن که با زاری و عجز به درگاهت پناهنده شدم در ماهی که ماه پیامبر تو سید رسولان، واسطه‌ی خیر و برکت، رسول اکرم حضرت محمد (ص) است ماه شعبانی که آکنده کردی آن را از رحمت و نعمت خود.

چه زیباست مناجات شعبانیه از زبان امیر مؤمنان علی (ع): ماه شعبان تابید و با نور وجودش ظلمات زمین را روشنی بخشید و وعده‌ی پیامبر تحقق یافت آنگاه که ندای شعبان آمد رسول خدا به آسمان نگاه کرد و فرمود: ای خالق من، آنگاه که در ماه رجب وصی من به دنیا آمد بت‌های سنگی را ویران نمود و آنگاه که فرزند او بیاید بت‌های دل‌ها را بشکند و جهان را آراسته به بوی تو کند پس شعبان ماه من است چون ماهی را در بطن دارد که خورشید را در افروختن نور حق به یاری نمی‌طلبد بلکه آنگاه که به ظهور برسد انوارش جهان را تابناک کند و همگان به دین من درآیند و شمشیر حق با نوایی نام او را صدا کند که: ای وارث من، تیغ من آماده است تا بت‌های باطل را گردن بزند و زخم‌های چرکین زمان را با مداوای بهترین برگزیده‌ی درمان کند.

بله چه زیباست شعبان که در آن یاوران رسالت متولد شدند یاورانی که در لبیک خود به دعوت جد بزرگوارشان پیامبر خاتم، رسالتش را با جان و مال و فرزند یاری کردند. همان‌هایی که سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) توصیف فرموده‌اند که: سلام بر ملکوت جان‌هایی که همواره بر آستان اطاعت پروردگارشان همانند قطره‌ای هستند در دریای بی‌کران رحمت و رحمتی که پروردگار عالم آن را عزت مؤمن نام برد تا جاودانگی در فرمان روح همانند طعامی باشد که زنده بودن را در حلقه‌ی حق معنا کند فرمانی که جهان را بر پایه‌ی عدالت آفرید تا مخلوقاتش طعم آن را در جانشان تجربه کنند و جز به او دل نبندند و آنگاه که تپش عالم در سایه‌ی رحمت الهی مژده‌ی آمدن بهاری بی‌خزان را بر جان‌ها القا کند نبض حیات خونی را در مدار جان‌ها به حرکت درآورد که نشانی‌ش در آیات قرآن کریم در وصف صفات مؤمن اعلام گردیده تا جان‌ها از اعطای پروردگارشان دور نمانند.

بله، ای مهمانان کوی عشق، برکت و مبارکی این ماه گرامی با مولود امشب یعنی سرور و سالار شهیدان اسوه‌ی شجاعت و تقوا و آزادگی و جهاد حضرت اباعبدالله الحسین (ع) آغاز گردید. امام حسین (ع) ثابت کرد که در یاری رسالت هدایت حد و مرزی نمی‌شناسد و با تمام داشته‌های خود در این امر قیام فرمود و آن را با خون خود، فرزندان و یارانش امضا کرد. در مورد شأن و مقام والای ایشان در این شب مبارک مطلبی را بیان می‌کنیم که با اندیشه در آن شاید به گوشه‌ای از فضایل بی‌نظیر ایشان پی ببریم. مادر گرامی‌شان سرور عالمیان، کوثر الهی، مادر هستی و پیامبران حضرت زهرای مرضیه (س) که بزرگی و ارجمندی ایشان در زمین و آسمان یگانه است در مورد ایشان این‌گونه بیان می‌فرمایند که: آن زمانی که کودکی خردسال بود بر سر سفره‌ی پدرم می‌رفت و از غذایش تناول می‌فرمود؛ پدر می‌فرمود: فاطمه جان، صورت حسین را به صورتت بچسبان تا پاکیزه شود و من اطاعت می‌کردم صورت چون ماهش از غذا پاک می‌شد و پدر می‌فرمود: فاطمه جان، حسین، جانِ عملت است؛ جانت را از آغوشت جدا نکن.

دیگر مولود مبارک و خجسته‌ی این ماه میلاد سید ساجدین، زینت عابدین، مرد مناجات، معلم مکارم اخلاق و دعا، امام برحق، کوه استواری و صبر و شکیبایی امام علی بن الحسین (ع) است که بعد از شهادت پدر بزرگوارشان در روز عاشورا رهبری کاروان پیام‌آوران عشق را به عهده گرفتند و چنان آن را مدبرانه و با شجاعت رهبری و هدایت فرمودند که چون سیلی ویرانگر بر سر راه خود تمامی باطل و کاخ‌های ستم را به ویرانه تبدیل فرمودند و پیروزمندانه به شهر مدینه وارد شدند و با مناجات‌های زیبای خود در صحیفه‌ی سجاده به تربیت دینی و ایمانی و مکارم اخلاق شیعیان همت گماشتند.

سومین مولود این ماه بزرگ، میلاد پرچم‌دار شجاعت و تقوا و رشادت و ایمان و استواری و وفاداری به عهد و پیمان و اطاعت‌گر واقعی امام عصر خود قمر بنی‌هاشم، حضرت عباس بن علی، ملقب به ابوالفضل است؛ پدر دانش و ادب که همان‌گونه که خود فرمودند عشق به خداوند و امام عصر خود را با عمل و وفاداری تفسیر و نشان دادند و چهارمین نعمت و برکت و رحمت این ماه میلاد وجود مبارک عصاره نبوت، منجی عالم بشریت، انوار تابناک امامت و ولایت، برپاکننده‌ی کرسی عدالت، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) می‌باشد. همان‌گونه‌ای که از قول جد بزرگوارشان پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد (ص) در اول خطابه آمد ایشان نجات دهنده‌ی بشریت از جهل و گمراهی هستند؛ با ظهورشان نور خداوندی را در قلب‌ها و جان‌ها زنده خواهند کرد همان‌گونه‌ای که خود فرمودند: تا آنگاه که به امر پروردگارم از دیده‌ها در حریم غیبت قرار می‌گیرم و زمان‌ها را در روزها و ساعت‌ها می‌گذرانم امام امت‌هایی می‌شوم که بوی ۱۱ امام را در نام من می‌جویند آن را به مشامشان برسانم پس امت من آنگاه که نام مولایشان را بر زبان می‌آورند مجموعه‌ی امامت را می‌خوانند و همان‌گونه که در اسرار غیب می‌اندیشند و به امید وعده‌ی الهی صبر می‌کنند تا ظاهر امامشان آشکار شود و بتوانند چهره‌ی ۱۱ امامشان را در چهره‌ی آخرین وصی امامت ببینند باید شاکر خالقشان باشند که رودخانه‌ی خروشان امامت را همواره در جوش و خروش قرار داد تا تشنگانش، بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و از طعام دل‌نشینش تناول کنند.

پس دانستیم که فرموده‌ی پیامبر (ص) که شعبان ماه من است ریشه در تولد فرزندان گرامی‌شان انوار پاک امامت دارد که ادامه‌دهنده و یاری رساننده به رسالت نبوی هستند. اینک ماییم امت پیامبر؛ چه کسی به ندای پیامبر پاسخ می‌دهد؟ کسی که به عبادت قیام کند یا عبادت را منشأ شناخت حق از باطل بداند؟ کدام منظور پیامبر است؟ اگر عبادتم حق را نشانه نمی‌رود نامش چیست؟ نامش را پروردگار عالم معرفی فرمود: و نمازشان در خانه‌ی خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود پس به سزای آنکه کفر می‌ورزید این عذاب را بچشید. (آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی انفال)

پس آتش جهلم جهنمی سوزان است که عبادتم را معنا می‌کند پس با مدد شعبان در یاری و قیام در امر رسالت و امامت و حق جوئی و عمل به آن دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها پیامبرمان این ماه را روزه می‌گرفت، شب‌زنده‌داری می‌کرد پس ما را در پیروی از ایشان یاری فرما.

بار الها به حرمت مولودهای مبارک این ماه، ما را ببخش و بیامرز و شفاعت آن بزرگواران را بپذیر.

بار الها در این زمان پر از کفر و فساد و جنایت ما را از شر شیطان حفظ فرما.

بار الها ما را از ملت دولت ظهور قرار بده و قلب نازنین مولایمان را از ما خشنود بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۳ خرداد ۹۳

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

سلام نامی است که در پرتو خویش محبت را معنا می‌کند و زمان، ودیعه دار این موهبت الهی است. اینک زمان را در دایره‌ی خلقت به این کلام مقدس مزین کرده اعلام می‌داریم: پروردگارا، ما کلام را از رحمت واسعه‌ی تو آموختیم آنگاه که در پرتو نورانی‌اش زبان به حرکت درآمد تا توان جانش را در بوته‌ی آزمایش نهد اینک ندایی ملکوتی ما را می‌خواند: این زبان‌های در کام مانده، به ضیافت حق آمده‌اید؛ ضیافتی که عرشیان در تماشای آن به یکدیگر فخر می‌فروشدند و اعلام می‌دارند: اسرار حق آشکار گردید؛ قلب قرآن کریم گشوده شد؛ انوارش ظلمت جهل را در هم شکست؛ وعده‌ی پروردگار محقق گردید؛ کلید دار زمان متولد شد و رمز و راز خلقت از پوسته‌ی خویش خارج گردید؛ گوش‌ها به نوای محبتش شنوا شد و چشم‌ها در انتظار دیدنش مرطوب ماند تا خشکی جان، در انوارش پدیدار نشود؛ زبان‌ها نامش را آموخت و به امید اجابتش او را خواند: یا صاحب‌الزمان، زمان جاہان در تیررس اجلی که به دنبلمان در حرکت است می‌گذرد و ما را در برزخی ناشناخته فرو می‌برد و ما ای ذخیره‌ی آفرینش می‌خوانیم: اشهدک یا مولای، شهادتی که معنای وسیعی دارد؛ بیعتی نورانی با پیامبر و جانشینان برحقش.

امروز در این ضیافت باشکوه به دستا‌مان می‌نگریم؛ حقیقت بیعتش را حس می‌کنیم و یا در بازی الفاظ رهایش کرده و ساعتی بعد به فراموشی مبتلا شده و از زمان خارج می‌شویم. درمان این سرگستگی چیست؟ توان عقلمان قادر به حل این معمای پر رمز و راز نیست پس به بقیة الله متوسل می‌شویم: مولای ما، در این زمانِ سرعت که عقل قادر است مجهولات عالم را به سادگی حل کند و هر روز به کشفی تازه مفتخر شود در درک آنچه پروردگار برای بندگان خویش باقی گذاشته دچار شک و تردید و ناباوری‌های مرگبار است پس همانند کرم ابریشم در پیله‌ی خود ساخته از ذهنی بیمار فرو می‌رود؛ قدرت پروازش را از دست می‌دهد و آنچه برایش باقی می‌ماند حسرتی است که درمانی را در پی ندارد. خورشید نیمه‌ی شعبان در تحولات قیامت به سخن

در خواهد آمد همانند ابراهیم خلیل (ع) که صدای دعوتش را عالم در خود ذخیره کرد اعلام می‌دارد: ای پروردگارم، آنگاه که مرا افروختی و جانم را به آتشی همواره فروزان مبتلا ساختی با گرمای خویش جهان خاکی را از سردی و خموشی نجات دادم ولی در مقابل مولای خویش حرارتم به سردی گرایید و انوارم به ظلمات مبتلا شد پس به خلیفه‌ام متوسل می‌شوم تا سوزندگی را در نامش معنا کنم و ما امت آخرالزمان از این سردی و خموشی به دامن پر حرارتش متوسل می‌شویم و همانند خورشید ناله سر می‌دهیم که: ای مولای ما، نامت زینت جان‌های ضعیفان است پس دیدگان نماناکمان را بر حرارت دل‌هایمان مستولی نکنید تا همواره چونان آتش‌فشانی پرحرارت نامتان را تکرار کند و منتظر زمانی که پرچم حق را در عالم در اهتزاز ببیند. یاری‌مان کنید در دعایی که همواره زینت جانمان است و باز یک‌صدا می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ تیر ۹۳

خطبه‌ی شب اول رمضان

خداوند را تسبیح می‌گویند هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است؛ پیروزمند و حکیم است و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و بر هر چیز داناست؛ هر چیز در زمین فرو رود و هر چه از زمین بیرون آید و هر چه از آسمان فرود آید و هر چه به آسمان بالا رود و هر چه از دل‌ها می‌گذرد آگاه است. پاک و منزّه است خداوند عرش عظیم و نیست قدرت و نیرویی جز او. زنده‌ای که هرگز نمیرد و در فرمانروایی بی‌همتاست و نیست هیچ نیرویی بازدارنده‌ی او از قدرت‌ش. گواهی داد خداوند که به راستی معبودی جز او نیست و بر این گواهی همه‌ی فرشتگان و دانشمندان و آنانی که به حق و عدل سخن می‌گویند گواه‌اند. حمد و سپاس و شکر بی‌کران او را سزاست که از سر رحمت و مهربانی‌اش راه‌های نجات و رستگاری و توبه را برای بندگان منور نمود و آن را در زمان‌ها و مکان‌ها جا داد.

رحمت و برکات پروردگار عالم آنگاه که امر فرمود: ای مؤمنان، از آنچه برایتان مقرر فرموده‌ام در راه خدا انفاق کنید تا راه راست را بیابید؛ راهی که چلچراغ هدایتش ضمیر جان‌هاست جانی که در حلقه‌ی قیامت این‌گونه به سخن در می‌آید: شکر خالقم را که جان ضعیفم را در بند روحی منور به فرمان خویش درآورد و مرا مخلوق نامید و به تمام آفریده‌های خویش برتری داد و اعلام فرمود: ای آدم، تو را از گلی خشکیده آفریدم، آن‌چنان ضعیف و ناتوان بودی که در امر قیام بر دستانت پر قدرت پروردگارت تکیه کردی و برخاستی؛ نامت را عبد نهادند و پیشانی‌ات را بر آن نام زینت دادند تا توان درک غیبی را در جانت بیابی که نامش را در گنجینه‌ی روحت به امانت الیه راجعون حمل نمودی.

چه زیباست رمز و راز بندگی پروردگار کریم از زبان سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) و چقدر شیرین است به کام مؤمنان عبادت و راز و نیاز با پروردگار رحیم مخصوصاً در بهار بندگی، ماه بارش رحمت، ماه عبادت و توبه، ماه رمضان، ماه روزه و

شب زنده‌داری و بازگشت و توبه و آمرزش، ماه رحمت و رهایی از دوزخ و رسیدن به بهشت، ماه نزول قرآن پس بزرگ و مبارک است ساعات روزها و شب‌های آن و باید به پا خاست و کمر همت بست برای بیشتر و بهتر بهره گرفتن از آن، همان‌گونه‌ای که کوثر الهی فرمودند:

ماه رمضان محل خروج انوار بندگی از میان خون و چرک و سرگین است تا به شیری گوارا بدل شود پس گرمی‌اش بدارید تا جانتان را در فروغش بیفروزد و لباسی فاخر را بر جان برهنه‌تان بپوشاند پس باید در این شب بزرگ و در این کوی عشق گفت: سلام بر در رحمت و خوان گسترده‌ی الهی و سلام بر ساعات نجات و ریسمان نجات و رستگاری؛ سلام بر ماه رمضان، خوش آمدی بر جان حقیрман.

رمضان یعنی بارش رحمت الهی که بهترین آن نزول قرآن کریم است پس در این ماه بیشتر قرآن بخوانیم و در آن اندیشه کنیم البته قبل از آن، وجود و جان را از آلودگی‌ها پاک کنیم تا آیات کریمه‌ی آن به واقع درک شود همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده: «انه لقرآن الکریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون تنزیل من رب العالمین.» هرآینه این قرآنی است گرمی قدم، در کتابی مکنون که جز پاکان آن را لمس نکنند، نازل شده از جانب پروردگار جهانیان.

تنها با وضو گرفتن که نمی‌توان در زمره‌ی مطهرون قرار گرفت و آیات آن را لمس کرده و در جان وارد نمود. در این مورد بهره می‌گیریم از فرمایشات گهربار سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که فرمودند:

روح انسان به فرمان بخوان منور است و انسان از دستش برای برداشتن حوایجش مدد می‌گیرد و گاه آن را به سوی قدرتی که آن را نمی‌بیند دراز می‌کنند؛ در ظاهر امر چیزی را لمس نمی‌کند ولی در باطن امر نیرویی را بر می‌دارد که بسیار قدرتمند است و می‌تواند امانت‌دار پروردگارش باشد پس همه‌ی جان‌ها در یک مسیر در حرکت هستند آنچه میانشان متفاوت است امر بخوان است؛ گاه آنچه می‌خواند زبان باطلی است که از آنچه در اطرافش وجود دارد خواندن را آموخته و آن‌چنان به آن بها داده که مانند حجابی محکم در مقابل باطن جانش قرار گرفته است و در هنگام مرگ آن حجاب

دریده می‌شود و آنچه می‌خواند حقیقتی است که در جان‌ش سرچشمه از لطف پروردگارش بود پس آفرین بر روحی که توانست امانت‌دار این اعجاز پروردگار باشد و آن‌چنان از این امر اطاعت کند که معجزه‌ی پروردگار را به جان آدمیان هدیه کند پس از این زبان که زبان رحمت پروردگار است جدا نشوید تا همواره فرمان بخوان بر جانتان حاکم باشد چون همواره حق جاویدان و باطل نابود است پس انوار باطل با توبه به انوار حق تبدیل می‌شود.

قرآن کریم تجلی زبانی شیوا است زبانی که در پشت سر و مقابل عمل هر کس در حرکت است آیاتی که از درون جانتان بیرون خواهد آمد تا عظمت خویش را آشکار سازد پس لحظات عمرتان را به انوار با برکتش بیارید تا عملتان را به حرارتش مزین کند و غیبی را آشکار سازد که معمای آمدن و رفتن خلیفه‌ی الهی است و چه سعادت‌مند هستند بندگان که گوش جان‌شان همدم نوای پروردگارشان است در سحرگاهان و شبانگاه و منتظرند تا دریاچه‌ی خروشان وحی را در صندوقچه‌ی جان‌شان ذخیره کنند و با انوار درخشانش تاریکی قیامت را به صحرایی منور تبدیل سازند.

اینک در این خانه‌ی محمود و ارجمند دست حقیر و خالی‌مان را به سوی صاحبش، ناطق قرآن، خیر و برکت ماه رمضان، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) می‌کشاییم و عاجزانه اعلام می‌داریم: مولای ما، ماهی را آغاز می‌کنیم که رحمت خداوند گسترده‌تر و لطف و احسانش فراگیر مؤمنان است پس ما را یاری فرما از روزه‌داران حقیقی و از قاریان پاک باشیم.

حال در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها بر روزه‌داری روزها و شب‌زنده‌داری شب‌های رمضان ما را یاری فرما.

بار الها توفیق عبادت و تندرستی بدن و استجابت دعا را به ما عطا فرما.

بار الها دور کن از ما بیماری و کسالت و غفلت و گناه و رنج و بلا و فریب شیطان را.

بار الها جهد و کوشش مؤمنان و عبادت عابدان و صبر و تحمل روزه‌داران و نشاط نجات یافتگان را به ما روزی فرما.

بار الها این رمضان را ماه نابودی دشمنان اهل بیت و نشاط و شادی شیعیان قرار بده
و در دولت حقه‌ی امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۱ تیر ۹۳

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

حمد و شکر و سپاس شایسته و برآورنده‌ی خداوند بی‌همتا است که آخرین مقصود نیازمندان و نهایت آرزوی آرزومندان، سرپرست شایستگان، امان دهنده‌ی ترسیدگان، ذخیره‌ی بینوایان، گنج بیچارگان، برآورنده‌ی حاجات فقیران و مسکینان و فریادرس دادخواهان، کریم‌ترین کریمان و مهربان‌ترین مهربانان است.

بار الها شکر و ستایش بی‌شمار و بی‌پایان تو را گوئیم که بر ما منت نهاده ارجمندترین و گرمی‌ترین بنده‌ی خود خاتم انبیا و تاج پیامبران حضرت رسول اکرم (ص) و اهل‌بیتش را برگزیدی و از بندگان خاصت قرار دادی و به نور خود منورشان فرمودی و آنان را در میان بهشت خود درآوردی و در خانه‌ی کرامت و عزت جای دادی و دیدگان‌شان را به جمالت منور کردی و به بزرگ‌ترین و تنهاترین آرزوی آنها که همان رضایت و خشنودی خودت بود رساندی و ما را به واسطه‌ی محبت و دوستی آنها عزت و کرامت بخشیدی.

و امشب چه شب مبارک و خجسته‌ای است شب نیمه‌ی ماه رحمت و کرامت، ماه گستردگی خوان نعمت الهی، ماه رمضان، میلاد دومین نور ولایت و امامت، کریم اهل‌بیت، اسوه‌ی صبر و گذشت، بلندای رضا و شکیبایی حضرت امام حسن (ع) که در مورد شخصیت والای ایشان بهره می‌گیریم از فرمایشات مادر گرمی‌شان کوثر الهی، سرور عالمیان حضرت صدیقه کبری فاطمه‌ی زهرا (س) که پس از در آغوش گرفتن فرزند گرامشان امام حسن مجتبی (ع) چنین فرمودند: بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آن‌چنان حس کردم که ملکوتیان عرضه داشتند: ای دخت پیامبر، در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که این چنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم: آنگاه که پروردگارم امر فرمود: من خلیفه‌ای می‌آفرینم، صورتی مطهر نمایان گشت؛ همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم؛ همگان سر تسلیم فرود آوردند؛ آن نقش در جان من جای گرفت

و نامش آشکار گردید پس نام حسن آشکار کننده‌ی حسن خلقت است در نقش‌پذیری صورت خلیفه؛ تمام نقش‌ها نشان از خالقی مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش می‌گذارد تا ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم کند و آن ضربان توحید است پس محبت به فرزندان من محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید. جد بزرگوارشان رسول‌الله (ص) امام حسن (ع) را بسیار دوست می‌داشتند و با آگاهی از افکار و عملکرد مردم زمان او به جهت آماده سازی برای برخورد با آنان ایشان را روی زانوان مبارکشان می‌نشاندند و آیه‌های کریمه‌ی سوره‌ی توبه که در مورد چهره‌ی صد رنگ منافقین بود را برای ایشان تلاوت می‌فرمودند و هر ساله در چنین شبی در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان در مدینه مخصوصاً در منزل پیامبر (ص) جشنی برپا می‌شد و ایشان همه را به افطاری مهمان می‌نمودند و نوه‌ی عزیز خود امام حسن (ع) را بر روی زانوان مبارک خود می‌نشاندند و هر کس که از در وارد می‌شد برایش آیه‌های کریمه مودت به اهل‌بیت را تلاوت می‌فرمودند.

امام حسن (ع) همان‌گونه‌ای که جد بزرگوارشان برایشان فرموده بودند با مردمی صد رنگ و سست عنصر و منافق روبرو شدند و با قبول پیشنهاد صلح معاویه‌ی ملعون، دشمنان و منافقین را در گودال مکر و حيله‌ای که خودشان کنده بودند سرنگون کردند و آن‌چنان رسوا شدند که با دسیسه و حيله‌های شیطانی ایشان را مسموم و شهید کردند.

این غافلان و کوردلان و تهی مغزان این را نمی‌دانستند که بین حق و باطل هیچ زمان صلح نبوده و نخواهد بود. صلح امام حسن مجتبی (ع) همچون زبان حضرت زینب کبری (س) برنده‌تر از شمشیر بر فرق باطل فرود آمد و پایه‌های آن را متزلزل کرد. باید باور و یقین داشت که نور امامت تجلی نور هدایت خداوندی است و آن را نه با مکر و حيله و نه با زندانی و اسیری و نه با کشتن نمی‌توان خاموش کرد.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک خدمت مولا و سرورمان ولی و امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) اعلام می‌داریم ما ساکنان کوی عشق بر این باور هستیم

که در این زمانه شما نیز همچون عموی بزرگوارتان امام حسن مجتبی (ع) با امتی دنباله روی مردم آن زمان روبرو هستید. جان عالم به فدای قلب نازنین شما که همچون عموی گرامی‌تان صبر می‌کنید پس دست تمنای ما را در دستان مطهرتان بگیریید تا دور از همه‌ی آنان در بیعت با شما بمانیم.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها دنیا در کفر و فساد و جنایت و نفاق غرق است ما را از شر حفظ بفرما.

بار الها ما را همچون یاران صدیق امام حسن مجتبی (ع) منتظر و گوش به فرمان مولایمان قرار بده.

بار الها در دولت ظهور مولایمان تعجیل بفرما.

حال ما نیز به نیت اینکه إن شاء الله امشب در مهمانی رسول خدا شرکت کنیم و از خیر و برکت آن افطاری بزرگ بهره‌مند شویم پنج بار به نیت پنج تن آیه‌ی مودت به اهل‌بیت را همه با هم قرائت می‌کنیم امید است مورد قبول خداوند کریم و رسولش و اهل‌بیت مخصوصاً امام عصر (عج) قرار بگیرد.

«قل لا أسألكم عليه أجرا الا الموده فی القربی»

ای رسول بگو که من برای رسالتم اجری از شما نمی‌خواهم جز اینکه به اهل‌بیت من محبت کنید.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ تیر ۹۳

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

حمد و سپاس پروردگار یکتا را سزااست که بهترین یار دوستدارانش و قدرتمندترین وکیل توکل کنندگانش است. از همه‌ی اسرار پنهان و آشکار بندگان با خبر و زمام امور همگان به ید قدرت اوست و قلوب مؤمنان، دادخواه هدایت و نجات و بخشایش اوست.

در این خانه‌ی مقدس ما نیز می‌خواهیم شب‌هایی را آغاز کنیم که خداوند به مطلع فجرش یعنی طلوع صبحش که نجات و تحیت و سلام است مزده داده و ما سال‌هاست این شب‌ها را آغاز می‌کنیم و به پایان می‌بریم آیا توانسته‌ایم مطلع فجرش را دریابیم؟ نشانه‌اش سلامتی جانمان است وگرنه تکراری است که می‌خواهیم تکرارش کنیم پس چاره‌ی آن کجاست و چه باید کرد؟ چاره‌اش اطاعت و بندگی با اخلاص و عشق است که روزه و نماز، عبادت و راز و نیازمان، توبه و تضرع‌مان و درکمان از حق آغشته به آن می‌باشد همان‌گونه‌ای که امیر مؤمنان علی (ع) سفارش فرموده‌اند که: ای کسی که سخنان مرا می‌شنوی از مستی غفلت بهوش بیا و از خواب بی‌خبری بیدار شو و جلوی شتاب خود را برای بهره بردن از دنیا بگیر و به گفته‌ی پیغمبر خود عمل کن و با آن کس که با آن گفته مخالفت می‌نماید مخالفت نما؛ اگر می‌بینی که دیگری نمی‌تواند دل از دنیا بکند او را به حال خود واگذار اما ای شنونده، غرور را از خود دور کن و خودپسند مباش و بدان که خانه‌ی نهایی و دائمی تو قبر است. ای شنونده‌ی الحضر الحضر از سختی دنیای بعد از مرگ و ای کسی که تا امروز بی‌خبر بودی کوشا باش کوشا باش برای تهیه‌ی وسایل زندگی در دنیای دیگر.

پس مهمانان کوی عشق با سفارشات گهربار مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) در چنین شب بزرگی به خود بیاییم و با توبه و تفکر در افکار و اعمالمان تجدیدنظر کنیم چون همان‌گونه‌ای که مولا فرمودند وقت کم است و مرگ نزدیک و میزان و حساب دقیق.

امشب چه شبی است در تاریخ بشریت که سنگینی و بزرگی ظلم و ستم به بشریت مخصوصاً به مسلمانان را مردم آن عصر و عصر حاضر درک نکردند؟ فرق سری که در آن ذکر و یاد خدا و حق و عدالت به وسعت همه‌ی خلقت بود را در بهترین جایگاه با شمشیر جهل شکافتند و واحسرتا این جنایت و خیانت را دیدند و شنیدند و زنده ماندند و نفس کشیدند درحالی‌که این خطر را مولا بارها به همه اعلام کرده بودند که طوفان آفت، شما را در بر بگیرد و از شما جنبنده‌ای باقی نماند پس ای کسانی که گفته‌ی مرا می‌شنوید از بدترین راه که انتخاب کرده‌اید خارج شوید و پای خود را در راهی بگذارید که اعقاب شما در آن راه پا گذاشته بودند اگر به راه راست برنگردید بعد از من دچار خفت زیاد خواهید شد و دچار شمشیر تیز ستمگران خواهید گردید که ظالمان در بین شما خواهند گذاشت که کاملاً این پیش بینی مولا از همان زمان تا عصر حاضر دقیقاً تحقق یافته و فرزندان و نسلشان در لوای دین در عین جهالت دست به خیانت زده و می‌زنند و هر روز چون غده‌ی سرطانی بزرگ و بزرگ‌تر و مقابله با آنان دشوارتر می‌شود چون باید آن زمان که فرق حق شکافته شد و جگرش مسموم شد و در صحرای کربلا سرش را بریدند باید ریشه‌ی آنان را خشک می‌کردند اما حاشا که حرمتشان را نگه نداشتند و اکنون سعی در نگه داشتن حرمتشان دارند. پس در این شب بزرگ دست نیاز به حق حاضر بلند می‌کنیم و به تمنا اعلام می‌کنیم: مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) ما را دریاب که قلبمان از این همه جنایت و کفر و نفاق به درد آمده؛ دست ضعیفمان را در دستان قدرتمندتان بگیرد تا باطل را از ریشه و بنیان برکنیم.

حال قبل از اینکه اعمال شب قدر را شروع کنیم بهره می‌گیریم از سفارشات گهربار مولایمان که به یکی از شاگردانشان در انجام صحیح اعمال شب قدر چنین فرمودند که: تا موقعی که در سر شما معرفت قرآن کریم وجود ندارد پس آن را بر سر مگذارید که در روز قیامت باید جواب‌گوی قرآن باشید؛ و در مورد دست بر سر گذاشتن فرمودند: دست خالی و پر گناه چه دردی را دوا می‌کند؟ دست بزرگ را طلب کنید ولی اگر به جای قرآن کریم دست قرآن ناطق و قرآن پیاده شده در زندگی که همان دست مبارک امیرالمؤمنین است را بر سر بگذارید باعث نجات شما خواهد شد که

منظور عمل به کتاب آسمانی است؛ درحالی که از محتوای کتاب دور می‌باشید گذاشتن آن بر سر و به خداوند قسم دادن کارگشای شما نمی‌باشد و نجات دهنده نیست باید به کتاب خدا عمل کنید و با الگو قرار دادن آقا امیر مؤمنان و زندگی ایشان قرآن را در وجود جاری کنید تا باعث نجات شما شود.

پس ای مهمانان کوی عشق بیایید با توبه و تضرع از خداوند متعال دست قرآن ناطق امیر مؤمنان و فرزند گرامی ایشان که همان دست پدر بزرگوارشان است را طلب کنیم و دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها ما شب قدرمان را با نام مولایمان امیر مؤمنان آغاز می‌کنیم، به ما درک و عمل به رستگاری که مولایمان فرمودند را عنایت بفرما.

بار الها به ما توفیق توبه و پایداری به آن عطا فرما.

بار الها شب قدرمان را شروع عمل صالح و حق مداری‌مان قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) تعجیل بفرما و قلب نازنین ایشان را از ما خشنود بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۲۷ تیر ۹۳

حمد و سپاس از آن پروردگار یکتاست. خداوندی که شکافنده‌ی دانه و هسته، برآرنده‌ی ظلمات و نور و آگاه به نهان و عیان، آفریننده‌ی زمین و آسمان و روزی دهنده‌ی بندگان، خوار کننده‌ی گردنکشان و عزت بخش مؤمنان، زنده کننده‌ی مردگان و خداوند رکن و مقام است.

سلام و صلوات بر خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی (ص) و بر وصی بر حقش امیر مؤمنان (ع) و بر سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و بر فرزندان طاهرینشان.

سلام نامی است که پروردگار عالم آن را برای ارتباط بین خود و بنده‌اش برگزید و امر فرمود: به زیر چتر محبتم درآیید و پراکنده نشوید آنگاه که شما را ندا دهم: ای فرزندان آدم، از آنچه روزی‌تان دادم انفاق کنید تا طعم رستگاری را دریابید و انسان پیا خاست تا این فرمان را به اجرا درآورد؛ روزی‌اش را به پیشکشی بر بندگان عرضه کرد و برای جلب رضایت الهی، جانش به سخن درآمد: ای خالقم، بهترین متاع جانم را که ایمان به دستورات بارگاه کبریایی تو بود بین بندگان انفاق کردم و آنان را با حق همراه نمودم پس جهادم را بپذیرد و انفاقم را جاودانه فرما تا به هنگام بازگشت به بارگاه ملکوتی‌ات جانی را به همراه بیاورم که جز اطاعت نام دیگری را نمی‌شناسد.

مصدق فرموده‌ی سرور عالمیان همسر گران‌قدرش امیر مؤمنان (ع) هستند که در راه رضایت خداوند کریم بهترین‌هایش، جان و هستی و خونس را انفاق کرد و در عروجش به ملکوت، جانی را همراه برد که جز یاد و ذکر و اطاعت خداوند چیز دیگری نبود و به من آموخت که در این شب قدر به صبحی برسم که در آن ظلمت جهل افسانه شود و من از خاکی که بدان خو گرفته بودم بیرون بیایم و معنای به خدای کعبه که رستگار شدم را دریابم و به خداوند کعبه عرضه دارم که: پروردگارم، رمز شهادت بهترین برگزیده‌ات در این شب چیست؟ چگونه جان با عزتش توانست بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند و بر ملکوت سفر کند؟ و من در تمام سال‌های عمرم در

چنین شبی برای این عروج ملکوتی بر سر و سینه زنم و نامش که اسماء حسنی است را با گریه و تضرع بخوانم. اینک به رمز آگاه شدم و آن صبح که دیگر به دنبالش شبی ندارد را شناختم، دانستم فرق بندگی اگر نشکافد نمی‌تواند بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند پس پروردگارم این سر پر شور را که به تمنای رسیدن به وعده‌های قدر نشین این شب است را دریاب تا توان تحمل مصیبتی که جهل جاهلان دهر بر جانم هموار نموده است را بیابم و آن‌چنان ناله کنم که مرا با نام علی مدد کنی و دست ناتوانم را در دستان ید الهیات از لغزش گناه نجات بخشی.

اینک در خانه‌ی فرزند گرامی‌شان ابن الحیدر، اباصالح المهدی (عج) بر سر و سینه می‌زنیم و با ناله و فغان وصیت مولایمان امیر مؤمنان را در شب شهادتش می‌خوانیم که فرمودند: وصیت من به شما این است که هیچ چیز را با خداوند شریک نکنید و سنت رسول‌الله را حفظ نمایید و پیوسته این دو رکن ایمان را محترم بدارید و اگر همواره رعایت این دو رکن را بکنید هیچ زمان دچار سرزنش نخواهید شد. به خدا سوگند که این مرگ سبب کراهت من نمی‌گردد و از برخوردش ناراضی نیستم و در مورد مرگ همچون تشنه‌ای هستم که آب را یافته و جستجو کننده‌ای که به مقصود خود رسیده و آنچه نزد خداوند می‌باشد شایسته‌ی خوبان است و در خطبه‌ی دیگری چنین فرمودند: من به پیامبر گفتم: یا رسول‌الله، در روز جنگ احد وقتی عده‌ای از مسلمین شهید می‌شدند تو به من گفتی که امروز شهادت از تو دور شده است و این گفته سبب ملالت من گردیده و تو که ملالت مرا دیدی گفتی: یا علی، شهادت تو بعد از من است و با آن گفته مرا شاد کردی و از من پرسیدی: در موقع شهادت، صبر تو چگونه خواهد بود آیا می‌توانی شکبیا باشی؟ جواب دادم: یا رسول‌الله، آن زمان مژده و شکرگزاری می‌باشد.

دیدیم که مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) با اشتیاق وصف‌ناپذیری از شهادت در راه خدا سخن می‌گویند شهادتی که فقط برای رضای خداوند است و بس؛ در جهادی که حق و باطل و کفر و ایمان دو طرف آن است نه جنگی بین باطلین است و هر دسته خود را حق می‌داند و چه زیبا امیر مؤمنان آن را برای آیندگان توصیف کردند در

ملاقاتی که با حضرت خضر نبی داشتند برای ایشان فرمودند: که ای خضر، عزم امتی را خواهی دید که جز دنیا را نمی‌شناسد و آخرت را افسانه‌ای فرض می‌کند که در پرده‌ی مرگ پنهان است پس چگونه بر آینده‌ای صبور خواهی بود که دیگر دین و فرمان خداوند کریم از جان مردمان خارج خواهد شد و آنان سرمست دستاویزهای شیطان به عرصه‌ی زمان خواهند آمد؛ دیگر تیغ کشیده‌ای خونشان را نخواهد ریخت و میدان جنگی به وجود نخواهد آمد، آنان سرمستانه به دور گوساله‌ی جانشان خواهند چرخید تا زمان هلاکتشان فرا رسد و یکدیگر را با تیغ‌های از میان برکشیده به هلاکت برسانند و عملشان را حق تصور کنند درحالی‌که حق، تماشاگر وجود ذلیلشان است تا دولتش شکوفا گردد و باطل افسانه‌ای شود در پس پرده.

به وضوح در این عصر فرموده‌ی امیر مؤمنان (ع) را می‌بینیم که چگونه بشریت خون یکدیگر را می‌ریزند که همگی این اعمال ریشه در نفس و اعمال شیطانی‌شان دارد ولی خود و عمل خود را حق می‌دانند. پس در این شب بزرگ از خداوند کریم عاجزانه بخواهیم دولت ظهور مولایمان امام عصر را شکوفا کند تا باطل افسانه شود.

بار الها همان‌گونه که وعده فرموده‌ای آنگاه که جامعه‌ی انسانی از عقل تهی شود صاحب عقل را برانگیزی تا مردم را از گوهر وجودشان آگاه کند پس ظهور عقل کل، امام زمان (عج) را نزدیک بفرما.

بار خدایا جهان در جهل و کفر و نفاق می‌سوزد با ظهور مولایمان دنیا را از لوث وجود مستکبران و باطلین پاک بفرما.

بار الها امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندانش با جان و مال و هستی خود دین اسلام واقعی را به امت مسلمان نشان دادند پس ما را پیرو ایشان قرار بده.

بار الها منافقین در لوای اسلام سعی دارند حق را در پشت پرده‌ی باطلشان پنهان کنند با ظهور دولت حقه‌ی امام زمان حق را آشکار و آنان را رسوا و نابود بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۹ تیر ۹۳

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

حمد و سپاس خداوند یگانه و بی‌شریک را سزااست که رب‌العالمین است؛ دارای ملک پاینده‌ی ابدی و سلطان مقتدر و بی‌نیاز از هر یار، عزتش پایدار و بی‌زوال و وجود ازلی‌اش بی‌حد و ابدی‌اش بی‌انتهاست. فرمانروایی‌اش غالب، پادشاهی‌اش بلند پایه، لطیف‌ترین اندیشه‌ها از درک و وصف مقام کبریایی‌اش حیران و بر هر چیزی تواناست. خداوندی که از سر جود و کرم و رحمتش شبی را برای توبه و نجات و رستگاری بندگان قرار داد و آن را مبارک نامید تا بندگان به دامن پر مهر و محبتش چنگ زنند و با توبه و مناجات و شب زنده‌داری خود را در صبحی که نوید تحیت و سلام در آن است از گناهان پاک کنند.

پس سلام بر زمان آنگاه که پروردگار عالم اراده فرمود تا قالب روح را در آن بگنجاند، حرکت آغاز گردید و احساس در آن گنجانده شد زمین به سخن درآمد: یا رب، اکنون توأم را در گرفتن این امانت عظیم در عرش آسمان و جوشش درونم، در طراوت صبحگاهم و سکوت شبانگاه، در رمز و راز طلوع و غروبم و در طوفان‌های ظاهری و باطنم به نمایش در می‌آورم تا پروردگارم بر من منت نهد و امانت‌های خویش را در جانم بگنجاند اینک بر نزول آیات آن زمان که فرمود: من از روز می‌کاهم و به شب می‌افزایم و از شب می‌کاهم و به روز می‌افزایم دل بسته‌ام تا در افزایش‌ها و کاستن‌ها شاهده‌ی باشم بر تدبیری که نامش خلقت است پس به فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) زمین، زمان‌ها را، شب‌ها و روزها را در خود به امانت نگه خواهد داشت تا زمانی که به فرموده‌ی قرآن کریم در این روز، زمین خبرهای خویش را حکایت می‌کند پس زمین از اعمال بشر در شب‌ها و روزها و همچنین در روزهای رمضان و شب‌های قدرش خواهد گفت.

پس مهمانان کوی عشق شب قدری را ثبت کنیم تا زمین بندگی و عشق و اخلاص را از ما حکایت کند پس امشب، شب قدر را با مناجات زیبا و نجات‌بخش مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) آغاز می‌کنیم که ابتدا سفارش فرمودند:

انسان باید خود را جراحی کند و تمام غده‌های چرکی را از بدنش قبل از آنکه دیر شود خارج کند تا به جراحی خداوند مبتلا نگردد که در این صورت در قیامت از زیان دیدگان خواهد بود بعد مناجاتشان با خداوند کریم را این‌گونه آغاز می‌کنند که: ای خداوند بزرگ، در مقابل چشمانم جانم را گرفتی و آن را چون گوشتی بی‌اعضا نمودی و کوچکی و بیچارگی‌ام را در نظرم آراستی و تمام ادعاهای مرا به نیستی تبدیل کردی؛ مولای من اینک من به کوچکی و بیچارگی خودم اعتراف می‌کنم و در مقابل شما تسلیم هستم مرا شایسته‌ی تسلیم قرار بده و در قیامت هنگامی که از قبر بر می‌خیزم این پوست و استخوان و گوشت مرا بر ضد من گویا نکن که قدرت هیچ دفاعی ندارم. مولای من تو را شکر می‌کنم قبل از آنکه هیچ کس به فریادم برسد و هیچ فدیهای مرا نجات ندهد مرا با راهنمایی خود از آتش خشم آگاه کردی پس پروردگارا از سر کرم و بزرگواریات مرا از زیان دیدگان صحرای محشر قرار مده.

حال ای قدر نشینان این خانه‌ی مقدس بیایید برای توبه و نجات و رستگاری، حرمت و عزت صاحب این خانه، مولایمان بقیة الله ارواحنا له الفدا را که خداوند کریم فرمود من بهترین را برای مؤمنان حفظ فرمودم واسطه قرار دهیم و ایشان هستند که سلام و تحیت مطلع الفجر مخصوص وجود مبارک ایشان است و تقدیرات که با عملکرد هر کس در این شب نوشته خواهد شد به رؤیت ایشان خواهد رسید پس در این شب قدر چنان توبه و ناله کنیم که کارنامه‌ی عملمان ایشان را مکدر نکند.

ای فریادرس و ای یاور فقیران و درماندگان به حامل ترحم کن منم بنده‌ی مضطر تو که بریده شده امیدش از غیر تو. بر آستان کبریاییات نشسته و چشم امید به کرامت و بخشندگی تو دوخته تا یاورش باشی. خدایا تو از رازها و نهان‌ها آگاهی و تو حال زارم و آشفتگی خیالم و دلیل نگرانی‌هایم را می‌دانی ولی می‌خواهم در این شب عظیم بار دیگر آن را بازگویم و با ناله و تضرع به پیشگاهت عرضه دارم که:

بار الها مرا در این ماه به مهمانی خودت و بر سر سفره‌ی احسانت فراخواندی و بر من منت نهادی و بنده نوازی کردی لیکن خجلم و می‌ترسم چون مهمانان این خوان پر رحمت را می‌شناسم و راه و رسم حضور آنان در این مهمانی را می‌دانم پس چگونه در کنار ایشان و بر خوان نعمت‌هایت بنشینم؟ آنانی که برای حضور در شب قدر با عمل و ایمانشان خود را از آلودگی‌ها پاک می‌کردند و زیباترین لباسشان که لباس تقوا بود را با جواهراتی بی‌نظیر از بندگی و اخلاص و صداقت می‌آراستند و بر تن می‌کردند که فقط لباس خلیفات این‌گونه است و برانده‌ی اوست و نعمت‌های سفره‌ات را شناخته و طرز برخورداری از آنان را می‌دانستند. پس من چه کنم با این همه آلودگی و لکه‌های روی لباس تقوایم و نشناختن طعام سفره‌ات؟ ولی ای پروردگام حرمت و عزت هر غلامی به شأن و بزرگی ارباب و مولایش بستگی دارد پس من که مولا و اربابی همچون یوسف زهرا دارم که بنده‌ی خاص و ولی و امامِ منتخب توست به حرمتش و به بزرگی شأن و مقامش در نزد خودت مرا در این شب مبارک بپذیر اگر چه لایق آن نیستم که وجود گهربار اوست که یادآور بزرگی‌ات و عزت و جلالت و یاور پیامبرت و نگهبان دینت که برای ما حفظ فرمودی تا ما را از گمراهی نجات و رهنما و هدایتگر به سوی صراط رستگاری و رضایت تو باشد و هم اوست که تکیه‌گاه و پناهگاه ما در سختی‌ها و سرگردانی‌هاست پس شکر و سپاس بی‌شمار و پی پایان تو را سزاوار است که چنین گوهر بی‌همتایی را با وجود ناسپاسی‌مان برایمان برگزیدی و او را پیشوایمان قرار دادی پس توبه و پشیمانی و طلب آمرزشمان را بپذیر و درود و سلاممان را بر او و اجداد طاهرینش مخصوصاً بر پیامبر گرامی حضرت محمد (ص) بفرست و ما را نه تنها در این ماه بلکه در قیامت نیز در کنارش و در خدمتش و در فرمان‌بری‌اش گرامی بدار و به نعمت وجود مقدسش رحمت و نعمت را بر ما ببخشای و به واسطه‌ی ایشان به ما هدایت و نجات عطا کن و دشمنانت که همانا دشمنان ایشان و ماست خوار و ذلیل گردان و حق را به وسیله‌اش پیروز و باطل را نابود کن.

خدایا مولا و سرورمان امام زمان ابوالصالح المهدی (عج) را از ما خشنود بگردان و دست‌هایمان را به دستانش برسان، چشمانمان را به جمالش روشن بگردان و دل‌هایمان را به مهرش و قدم‌های ما را در راهش استواری بخش و ماه رمضان روزه‌هایمان و

عبادت شب‌های قدرمان را قبول و وعده‌های اعطای جوایز نعمت و رحمتی که به روزه‌داران دادی به آبروی ایشان تمامی آن‌ها را به ما عطا فرما و مهربانی و رحمت و خیر و نیکی او را بر ما ارزانی دار تا به وسیله‌ی آن از ما خشنود شوی و نجات و رستگاری را دریابیم و دعای ما را در این شب قدر و ماه مبارک رمضان را اجابت کن که دعایمان این است:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۷ مرداد ۹۳

سلام بر رمضان و بر شهرُ الرّمضان؛ بر ساعاتش، بر ثانیه‌های با عزتش، بر سحرهایش و بر افطارهای نورانی‌اش، بر شکم‌هایی که منتظر است تا حرارتش را جرعه‌ی آبی فرو نشانند اینک آن حرارت‌های شیرین به خنکی فطر می‌رسد؛ از سرچشمه‌ی محبت و رحمت نوشیده تا جویی شود، به نیمه‌ی رمضان برسد و رودخانه‌ای شود و به آخر برسد و دریایی از بندگی را به نمایش بگذارد پس آماده می‌شود؛ او را به نماز عید می‌خوانند همان‌گونه که پیامبرش امت خویش را به طلوع فطرت دعوت می‌نمود: یاران بشتابید مهمانی عظیمی منتظرتان است؛ در پشت سرم صف بکشید تا نماز را برپا کنیم. رمز این نماز با کدام کلید گشوده می‌شود؟ عالم به مقتدای خویش قامت می‌بندد؛ پیامبر به نماز می‌ایستد؛ چه روزی است اول شوال؟ رمضان در ذائقه‌ها به عطر و بویی از قنوت و رکوع و سجود مزین می‌شود. رمضان‌های عمر مطهرش می‌گذرد و به آخرین فطر می‌رسد؛ در محراب نماز به امتش می‌نگرد؛ دست‌های دعا را می‌گشاید: بار پروردگارم، اینان دین خود را پاره پاره خواهند کرد؛ اتحاد خویش را به شیطان خواهند سپرد و آن زمان است که آیین هدایت در جان‌های چون سنگشان بی‌اثر شده و خون یکدیگر را بر زمین می‌ریزند و از این جنایت شاد می‌شود پس شادی این لحظات را بر ارواح مؤمنینی که اوامرت را اطاعت می‌کنند و حرمت رمضان را نگه می‌دارند و با اشتیاق بر سر سفره‌ی فطرت می‌نشینند نگهدار تا زمان در چهره‌هایشان بنگرد و نوای پیامبرشان را در جانشان زمزمه کنند: ای یاورانم، فطر بر شما روزه‌داران و اطاعت‌گران خوان خداوندی مبارک باد؛ بر روزها و شب‌هایی که به عشق دعوت نماز فطر، جانتان را از شر نفس اماره بیرون آوردید تا بوی مطهرش را احساس کنید؛ برخیزید؛ نیت کنید و جام شیرین یک ماه استقامتتان در برابر خواسته‌های نفس را بچشید؛ گوارایتان باد. همان‌گونه که پروردگار فرموده است نعمتتان دگرگون نمی‌شود مگر خود دگرگون شوید پس آن را مانند گوهری در بطن

جانتان حفظ کنید و نگذارید تا افکار و اعمال تزیین شده به واسطه‌ی نفس اماره آن را به تاراج ببرد.

به کعبه بنگرید؛ در مقابلش چه می‌کنید؟ قبله‌ی جانتان در جهت عقربه‌اش چرخیده است پس او را با فرمان پروردگارش که فرمود: هیچ چیز را شریک من مساز و خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار. (سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۶) بخوانید: اینک یک ماه بر خوان پروردگارم مهمان بودم و جانم را همان‌گونه که فرمان داده پاک کرده‌ام تا وارد صحن و سرایت شوم؛ مرا دریاب؛ حاجتی در این عید با شکوه دارم و دردِ دلی که غربت جانم آن را فریاد می‌زند. من اینک در فضایی بوی عید را احساس می‌کنم که مولا و سرورم در آن فضا قرار دارد. چگونه عید را بدون حضور ملکوتی‌اش عید بخوانم؟ پس او را مانند همیشه در دعایم به مدد می‌خوانم و با طراوت عید فریاد می‌زنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ مرداد ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام صادق (ع)

حمد و سپاس و ستایش از آن خدای یگانه، بی‌شریک و بی‌نیاز و بزرگووار و مهربان و بخشنده است؛ خداوندی که کشتی را برای حضرت نوح (ع) مایه‌ی نجات و آتش را برای حضرت ابراهیم (ع) گلستان و رود نیل را برای حضرت موسی (ع) گذرگاه و به ملکوت برد حضرت عیسی (ع) را و دور کرد از او گزند دشمنان را و عطا فرمود دو مائده‌ی آسمانی قرآن و اهل‌بیت را به رسول اکرم حضرت محمد (ص).

بار خدایا ای فریادرس درماندگان و گنج بینوایان و یاور ناتوانان که سجده کنند برای تو سیاهی شب و روشنی روز، تابش ماه و پرتو خورشید پس درود و سلام ما را بر همگی پیامبران و هدایت‌گران و امامان برسان و ما را جزء هدایت یافتگان و پیروان ایشان قرار بده.

شکر و سپاس بی‌کران پروردگار کریم و رحمان را که در راه هدایت بندگانش فقط به هدایت پیامبرانش بسنده نکرد و همان‌گونه که در سوره‌ی شمس فرمود: هدایت و تشخیص حق و باطل و نیکی و بدی را به انسان الهام فرمود. رحمت و برکت پروردگار عالم آنگاه که می‌فرماید: من شما را از یک تن آفریدم و از جام جان‌ش شرابی گوارا را خارج نموده، نامش را جان خواندم جانی که مقتدایش نسیم وحی بود زبانی که در ظاهر نطقی نداشت ولی در درونش صدایی او را به هدایت می‌خواند. اینک کالبدی را بر آبشار روحی منور بنا کردم تا آینه‌ای باشد از انعکاس قدرتی که خود را الله معرفی فرموده پس مخلوقاتش بر صفحه‌ی زمان ظاهر می‌شوند؛ جانشان در گنجینه‌ی نهانش امانت‌دار گوهری گران‌بهاست ندایی که همواره راهگشای غیبی منور است اینک تو را به جهانی که در آن نیازی به کالبدت نداری می‌خوانم و تو شتابان آن را در خاک پنهان کرده و به سوی زادگاهت میایی، آیا آن را می‌یابی؟ اگر توان درکش را از دست داده‌ای چگونه خود را می‌یابی؟ گم گشته‌ای که نشانی از خود را نمی‌یابد پس به

الطاف آن گنجینه پناهنده می‌شود تا مانند سپری در مقابل نامت چیست او را مدد کند.

چه زیبا هدایت تکوینی و الیه راجعون را توصیف فرمودند سرور عالمیان، کوثر بی‌همتای الهی، حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) و انسان‌هایی که تهی از هدایت ظاهری و باطنی هستند، گم‌گشتگانی هستند که حتی نام و نشانی از خود نمی‌یابند چون گنجینه و گوهر بی‌نظیر وجود را از دست داده‌اند که بزرگی‌اش از تصویرها خارج است که ایشان در این مورد نیز چنین فرمودند: اگر جانی دارای تحولات درونی باشد همانند سرعت روزهای عمر می‌توانند با خلقت میلیاردها سال برابری کند پس او را خلیفه‌ی خلقت قرار دادند تا به یک نجوا حرارت خورشید را دریابد و با یک نوری که در قلبش پیدا می‌شود ماه را بی‌فروزد و با یک ابراز بندگی انوار آفرینش را به خود اختصاص دهد پس قلب است که فرمان رام هر آنچه در آفرینش وجود دارد را به خود اختصاص داده است همانند ستون عمل من که تمام نعمت‌های بندگی را در خود جای داده است پس فرمان پروردگار که می‌فرماید: آنچه من روزی‌تان کرده‌ام بزرگ‌تر از پهنای زمین و آسمان است را با این سخنان گران‌قدر در می‌یابیم که انسان‌ها با پیروی از هوای نفس و شیطان نه تنها هدایتگر درونی خود را کشتند و خود را از بزرگ‌ترین مقامات که خداوند اراده در خلقت بشر داشته محروم کردند بلکه هدایت‌گران و پیامبران و امامان را نیز شهید کردند و بشریت را از چراغ‌های فروزان هدایت و نجات محروم کردند که امشب ما در این کوی عشق به سوگ شهادت یکی از آن بزرگان دور هم جمع شده‌ایم که ایشان ششمین اختر در آسمان امامت و ولایت، معلم راستین قرآن و عرفان، پاک‌کننده‌ی انحرافات از دین و بنیان‌گذار راه و رسم شیعه امام جعفر صادق (ع) هستند. عمر مبارک ایشان ۶۵ ساله بود که در طول ۳۴ سال امامت خود علاوه بر تربیت بیش از ۴،۰۰۰ شاگرد، به قدری روایت از علوم مختلف از ایشان وجود دارد که دانشمندان را از این همه دانش و تلاش به حیرت وا داشته که در این شب چند مورد را نقل می‌کنیم.

ایشان فرمودند: آیهی کریمه‌ی «فی بیوتِ اذن الله» یعنی خانه‌هایی که خدا خواسته است مرتفع باشند، شخصیت اجتماعی دارند و ابهت آنان در دل‌هاست؛ خانه‌هایی که در آنها همیشه هر صبح و شام ذکر خدا را تسبیح می‌کنند؛ مردانی که داد و ستد، آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد بدن‌های مطهر معصومین است؛ همانا برای ما پروردگاریست که همیشه حافظ ماست و ما او را عبادت می‌کنیم و کسی که منتظر ظهور دولت ما باشد و بر ترس و اذیت و آزاری که در این راه می‌بیند صبور باشد فردای قیامت در گروه ما خواهد بود و به خدا سوگند عدالت قائم ما درون خانه‌های مردم وارد می‌شود همان‌گونه که گرما و سرما وارد خانه‌ها می‌شوند و مظهر دو صفت خداست: عدالت و حکمت و هرکس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد باید به انتظار باشد و با حال انتظار، به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار کند پس اگر اجلس برسد و امام قائم پس از درگذشت او قیام کند پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم را درک کرده باشد.

منصور دوانقی خلیفه‌ی ملعون عباسی در اواخر عمر امام جعفر صادق (ع) را در مضیقه‌ی شدیدی قرار داد و کلاس درس ایشان را تعطیل و ایشان را ممنوع الملاقات و خانه‌نشین کرد و سرانجام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ به امر آن ملعون مسموم و شهید شد. لعنت الله علی قوم الظالمین.

ما در این شب حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به پیشگاه فرزند گرامی ایشان سرور و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) ابراز می‌داریم: مولای ما، امام صادق (ع) به ما شیعیان راه و رسم شیعه بودن را آموخت؛ شیعه‌ای که به فرموده‌ی مادر گران‌قدرتان: آنگاه که با افکاری شیطانی طوفانی ویرانگر را بر موحدین پدرم رسول خدا (ص) وارد کردند تا او را فردی علاقه‌مند به خاندانش جلوه دهند پروردگار عالم آن را به نسیمی طراوت بخش تبدیل نمود که به همراه خویش‌القابی را تا قیامت رقم زد و آن نام شیعه بود که مهر اصلتش خون پاک موحدینی است که توانستند پرچم حق را در اهتزاز نگهدارند و دین خدا را با هدایتش بپذیرند نه با نقش بندگان در حیات و ممات.

پس مولا، ما منتظرانتان را یاری فرمایید شیعه‌ای باشیم که سرور عالمیان و امام جعفر صادق (ع) آن را توصیف فرموده‌اند.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها نام شیعه و منتظر نامیست بس بزرگ و مسئولیتی سنگین؛ ما را یاری کنی تا بتوانیم با آن نام بمیریم و در قیامت محشور شویم.

بار الها ما نیز همچون شاگردان امام جعفر صادق (ع) تربیت شده در مکتب امام عصر (عج) هستیم پس یاری‌مان فرما تا از آموخته‌هایمان در راه اسلام راستین بهره بگیریم.

بار الها ما را از شفاعت امام شیعیان امام جعفر صادق (ع) و پدران و فرزندان در قیامت بی‌نصیب نگردان.

بار الها در ظهور دولت حق امام و ولی نعمتمان تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران آن حضرت قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۶ شهریور ۹۳

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

حمد و ستایش مخصوص پروردگار بی‌همتاست که اوست پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین؛ صاحب جلال و عظمت و سلطان مطلق است که اوست بلندمرتبه، قادر، مهربان، دانا و حکیم که در اوج است و نزدیک، شنواست و بینا، صاحب قدرت مطلق و حلیم است. در آفرینش بی‌شریک، در فرمانروایی بی‌وزیر و در خدایی نظیری ندارد. نیست معبودی جز ذات اقدس کبریایی‌اش؛ حمد و شکر و سپاس فقط از آن اوست و بس.

بار الها درود و رحمت فرست بر سید اولین و آخرین و انبیاء و مرسلین، خاتم نبیین حضرت محمد (ص) و بر جمیع خاندان و اهل‌بیت پاکش که همگی نعمت و رحمت بی‌منتهای تو بر روی زمین بودند.

رحمت الهی چشمه‌ای جوشان است که همواره از فواره‌های جان‌های عاشق به سبزه‌زارهای وجود طراوتی جاودانه می‌بخشد طراوتی که مانند شبنم صبحگاهان خبر از باز شدن غنچه‌های منتظر را در قطره‌های وجودش ذخیره نموده تا به هنگام نیاز به گلبرگ‌ها لطافت را معنا کند؛ غنچه تبدیل به گل خوشبو می‌شود درحالی‌که جمالش گویای تبادلی عاشقانه بوده و هر برگش قامتی خمیده در هم پیچیده را به صفحه‌ی قابل رؤیت تبدیل نموده تا همگان درونش را نظاره کنند و حاصل عمرش را در رنگ و بویش ببینند.

چه زیبا توصیف فرمودند کوثر الهی، سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) رحمت الهی را که اهل‌بیت رسول خدا آن را با عشق الهی با تکتک سلول‌های خود آغشته کرده و گل‌های زیبایی از معرفت و ایمان و تقوا را به نمایش گذاشتند.

حال آموزش و سفارش گران‌قدر ایشان برای بهره‌مند شدن و خودسازی شیعیان را ذکر می‌کنیم؛ ایشان فرمودند:

همان‌طور که به اهمیت نعمت‌های پروردگار عالم پی می‌برید طرز نگهداری را هم به‌عنوان باغبان باید یاد بگیرید؛ هرچه در این خصوص تلاش کنید گل‌های با طراوتِ بیشتر را می‌توانید پرورش بدهید. میزان استفاده از آن جوی آب در قرآن کریم برای عموم مردم آمده است ولی یا آن‌قدر از آن آب برمی‌دارند تا به ریشه صدمه بزنند و یا آن‌قدر کم برمی‌دارند تا گل خشک بشود به خاطر همین منظور پیامبران مبعوث شدند تا اندازه و میزان که در درجه‌ی اول اهمیت است را برای پرورش فکرها و اندیشه‌های درونی که همان ریشه محسوب می‌شود فراهم کنند. پروردگار کریم در خلقت آسمان‌ها و زمین و هر چه در میان آنهاست به ظرفیت درونی و زمان بیرونی این آفرینشِ عظیم شکل و بها داده است تا تمام سیارات در جای خود بتوانند در زمان محدود سیر کنند و شما هم به وجود و عمر محدود خودتان بها بدهید تا در آنچه مسخر شماست سیر کنید و چشم و دهان را ابزار رسیدن به این سیر بدانید؛ اگر به آنچه خداوند کریم در کتاب آسمانی دستور داده عمل کنید و خودتان را هم جوی آب و هم گل و هم میوه فرض کنید می‌توانید وجودی را پرورش بدهید که نه پژمرده می‌شود، نه خفه می‌شود و نه از ریشه پوسیده می‌گردد بلکه آن‌چنان با طراوت باشد که هر کس در او نظر می‌کند به باغبانش احسن بگوید.

حال که ما در این شب به شادمانی باز شدن غنچه‌ی زیبایی از گلستان امامت و ولایت، معلم علما، مروج دین، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی، ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا (ع) در این کوی عشق دور هم جمع شدیم، همگی این عطر و بو را از بارگاه ملکوتی ایشان احساس کرده و عاشقانه به سویش پرواز می‌کنیم.

امام رضا (ع) با وجود اینکه در زمان مکارترین شخص از خاندان عباسی یعنی مأمون می‌زیست ولی با تدبیر و علم امامت خود همه‌ی حیل‌ها و مکرهای آنان را خنثی و در راه هدایت و آگاهی مردم از واقعیت‌های دین اسلام و تربیت آنان و نحوه‌ی مبارزه با حیل‌های دشمنان تلاش و کوشش فراوان نمود ولی متأسفانه در اثر عدم شناخت مقام ایشان توسط شیعیان مورد تهمت و آزار نیز واقع شدند. امام رضا (ع) غریب دوست و دشمن بودند نه به خاطر دور بودن از مدینه زیرا امام، خلیفه‌ی

خداوند بر کل زمین است و در هیچ نقطه از زمین ناآشنا نیست بلکه مانند بقیه‌ی امامان مقام و شأن والا و تدبیرشان در مبارزه با باطل را شیعیان درک نکردند در نتیجه غریب در بین مردم زندگی کردند. درود و صلوات خداوند بر ایشان و اجداد طاهرین و فرزندان گران قدرش باد.

اکنون فرصت را غنیمت شمرده فرموده‌ی ارزشمندی از ایشان را خدمت شما عزیزان متذکر می‌شویم.

از جد بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) روایت است به شیعیان خود فرمودند: که در غم‌های ما غمگین و در شادی‌های ما شاد باشید و امام رضا (ع) در روایتی فرمودند: مؤمن کسی است که در غم و شادی از مسیر حق منحرف نشود. آیا غم و شادی ما در غم و شادی اهل بیت در مسیر حق است؟ متأسفانه نه؛ چطور می‌شود حق باشد؟ عزاداری‌هایی با خواندن زبان حال‌های دروغین و مراسم‌هایی که بیشتر به بازی و سرگرمی شباهت دارد تا عزاداری و مولودی‌هایی با خواندن شعرهای بی‌محتوا حتی دور از شأن اولیا همراه دست زدن‌های خاص که برگرفته از فستیوال‌های خوانندگان غربی است می‌تواند در مسیر حق باشد؟ پس باید اولیا و سروران خود را مخصوصاً امامان را بهتر بشناسیم و فقط در این صورت است که در مسیر حق واقع می‌شویم. در میلادشان باید خداوند کریم را شکرگزار باشیم که چنین نعمت و رحمت عظیمی را به بشریت عطا فرموده و در شهادتشان به خاطر محروم شدن از چنین نعمت و رحمتی غمگین بوده و از دشمنانشان بیزار می‌شویم.

حال ضمن تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح امهدی (عج) از حضورشان تقاضا می‌کنیم که در شناخت مقام معصومین ما را یاری فرمایند و همچنین خدمت مولایمان امام علی بن موسی الرضا (ع) عرض می‌کنیم: مولای ما، شما نعمت این سرزمین هستید و شریک غم‌ها و شادی‌های ما؛ حال که این روز بزرگ در خانه‌ی مقدس فرزند گرامی‌تان به شکرگزاری خداوند کریم به واسطه‌ی عطای نعمت و رحمت وجود گران‌قدرتان جمع شدیم تقاضا داریم این مجلس را از ایشان و از ما قبول و در ظهور دولت حقه‌ی سرورمان دعا فرمایید. حال دست به دعا بر می‌داریم.

بار الها به حرمت امام رضا (ع) ما را از شیعیان واقعی ایشان قرار بده و در قیامت از شفاعتشان بی نصیب نگردان.

بار الها ما را از منتظران حقیقی فرزند گرامی شان امام زمان (عج) قرار بده.

بار الها مولایمان انوار و عطر و بوی پدران شان را به ارث بردند در ظهورشان تعجیل بفرما تا تسلی باشد برای فراق آنان.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳ مهر ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و شکر و سپاس بی‌کران بر خداوند سبحان که سزاست همه‌ی هستی عاشقانه به ستایشش گویا شود و برای رسیدن به رضا و قربش از او مدد بخواهند مددی که هجرانش را به وصلی شیرین مبدل کند چون اوست آمال و آرزوی مؤمنان و عارفان و بندگان نیست معبودی غیر از ذات اقدس کبریایی‌اش.

برکات پروردگار کریم در قلب‌هایی است که در تپش حیات خویش منتظرند تا ندای الستشان را در گوش جان بشنوند آنگاه با تپشی که گویای هجرانی عمیق است به طرف خالقشان حرکت کنند، زمزمه‌ای در جانشان این‌گونه سخن آغاز کند: ای جان خفته، اکنون برخاستی که یار را در پرده‌های وعده‌اش بنگری آیا توان کنار زدن را داری؟ و هجران سال‌های جدایی پاسخ دهد: مالک وجودم، مرا خواندی تا تو را اطاعت کنم اکنون زمان هجران‌های طولانی در سفینه‌ی جانم به سر آمده و شوق دیدارت حیاتم را در تپش عشق به خالقم مجدداً به زندگی بازگردانده پس شکر و سپاس به انتظاری که تمام شد و دل‌های عاشق محضر حضور خالق یکتا شد.

چه گران‌قدر و بزرگ است این توصیف از کوثر الهی، سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) و چه نویدبخش است فرموده‌ی ایشان در این رابطه که فرمودند: اعضا و جوارح انسان به غیب وجودی‌اش نیازمند است و به سرعت به آن می‌پیوندد؛ دستی که به آسمان برای راز و نیاز دراز نمی‌شود بیمار است و قدی که برای خشوع خم نمی‌شود در شکایت به درگاه الهی است و از همراهی صاحبش در عذاب است و انتقامش را در قیامت با خواری جسمی که با آن همراه بوده می‌گیرد پس دستی که در اثر دزدی قطع می‌شود به جدا شدن از گناه خشنود است و جان عاشق جوارحی عاشق دارد که به فرمانش به خاک می‌افتد تا خواری‌اش، فراق معشوق را درمان کند.

بار الها درود و سلام و رحمت بی‌پایانت را بر خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی (ص) و بر خاندان پاکش بفرست که وجود مظهرشان بزرگ‌ترین نعمت و رحمتی بود که بر

بندگان عطا فرمودی که آخرینشان برپا کننده‌ی عدالت و پایدار کننده‌ی حق و نابود کننده‌ی باطل امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) هستند که ما در خانه‌ی مقدس ایشان در این شب حزن‌انگیز به سوگ شهادت یکی از این گوهران گران‌قدر نشستیم که ایشان نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت ابا جعفر ثانی محمدبن‌علی حضرت امام جواد (ع) هستند. این امام همام که همچون پدران و فرزندان بزرگوارشان در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی و نفاق همت والا داشته و در زمانه‌ای که حاکمان، با جسارت بر علیه سنت و اهل‌بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند. مأمون که لعنت خدا بر او باد بعد از آنکه امام رضا (ع) را مسموم کرد بسیار تلاش نمود که شهادت امام را طبیعی جلوه دهد ولی کم کم نیرنگش آشکار شد و علویان و شیعیان دانستند که خود مأمون دست به این جنایت زده است از این رو در گوشه و کنار، انتقاد و شورش علیه مأمون شروع شد و مأمون برای اینکه از این مسئله جلوگیری کند امام جواد (ع) را به اجبار از مدینه به پیش خود آورد و دخترش ام فضل را به عقد ایشان درآورد و هدفی که از این کار داشت این بود که اولاً به‌وسیله‌ی دخترش امام را تحت نظر بگیرد و ثانیاً از او صاحب‌فرزندی شود که به مقام امامت برسد و برای خود سندی از افتخارات به دست بیاورد به ویژه آن‌که مأمون از امامان پیشین شنیده بود که امام دوازدهم که تشکیل دهنده‌ی حکومت جهانی است از نسل همین امام می‌باشد اما او در این حسرت باقی ماند و دخترش ام فضل فرزندی به دنیا نیاورد. وا عجب از این مردم قدرت‌طلب و دنیا دوست و پلید که با آگاهی از شأن و مقام امامت در پیش خداوند با آنان دشمنی می‌کردند و دست جنایت‌کارشان را با شهید کردن ایشان آلوده به گناهی بس گران و عذابی که خود بر آن معترف‌اند می‌کردند. پس از مرگ مأمون ملعون، برادرش معتصم عباسی که مردی بد دل و ناپاک بود به جایش نشست و به خاطر خشم و کینه‌ی سختی که به امام جواد (ع) داشت به‌وسیله‌ی ام فضل لعنت الله ایشان را مسموم و شهید نمود.

در این شب لازم است نکته‌ای را خدمت شما و همه‌ی دوستداران اهل‌بیت متذکر شویم.

پس از رسوایی یزید در واقعه‌ی عاشورا دشمنان و غاصبان حقِ امامان سعی در مخفی نمودن دست جنایت‌کارشان در شهادت امامان معصوم کردند لذا به همین نیت شوم خود ۹ تن از امامان را با زهر به شهادت رساندند و لعنت ابدی را برای خود خریدند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که جاهلان به مقام امامت با کوته نظری همچون واقعه‌ی عاشورا با اوهامات، مسمومیت امامان را با مردم عادی مقایسه و داستان سرایی‌هایی کاذب را در این مورد انجام دادند که ناشی از بی‌خبری آنان از فرموده‌ی خداوند است که فرمود: عزت از آن اهل‌بیت پیامبر است و هیچ کس را نشاید که ذره‌ای از آن کم کند دارد. در اینجا به دو مورد اشاره می‌کنیم در روضه‌هایی که برای امام حسن مجتبی (ع) خوانده می‌شود از قول امام حسن می‌خوانند که: ای زینب، خواهرم طشت را بیاور که جگرم پاره پاره شد و یا در مورد امام جواد (ع) که ام فضل بعد از مسموم کردن امام در را می‌بندد و برای اینکه ناله‌های امام که می‌گفت سوختم به من آب بدهید را کسی نشنود در پشت‌بام خانه دایره می‌زد.

این غافلان نه مهربانی‌ات و بنده نوازی خدا را شناختند و نه مقام امام را درک کردند؛ خداوند حکیم و کریم چون فرموده نعمت را از هیچ قوم و مردمی نمی‌گیرد مگر آنکه خود از خودشان دریغ کنند نعمت بزرگ وجود مبارک امام را خود امت از خود دریغ کردند ولی خداوند سبحان اجازه نداده و نخواهد داد ذره‌ای از عزت آنان کاسته شود و متأسفانه آن‌هایی که این روضه‌های دروغ را می‌خوانند واژه‌ی معروف شربت شهادت را شنیده‌اند ولی افسوس نه معنی آن را دانسته و نه ریشه‌ی آن را درک کرده‌اند؛ باید گفت واژه‌ی شربت شهادت جام‌های زهری است که امامان ما در راه رضا و خشنودی الهی و هدایت بندگان نوشیدند و خداوند کریم آن را به گواراترین شربت تبدیل نموده که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در آن مورد فرمودند که: گوارایی این شربت به قدری است که هیچ نعمتی چه در زندگی زمینی و چه در جنات نعیم به آن نمی‌رسد و برکات پروردگار کریم در جان‌هایی است که به یاد جانان خویش همواره در اطاعت‌اند و آنگاه که ندا دهند ندا دهد که ای جان‌هایی که خفته‌اید آیا طعم مرگ را چشیده‌اید؟ آنان پاسخ دهند: آنچه آن را چشیدیم نامش رحمت بی‌منت‌های الهی بود که ما را به سوی خود فراخواند و آنگاه دری را گشود و

فرمان داد از در رحمت من به درون نعمت‌های آماده شده بیاید تا مجدداً ضربان‌های قلبتان را در محبت خویش زنده کنم ضربانی که دیگر خاموشی را به دنبال ندارد بلکه حیاتی را نوید می‌دهد که جاودانه است.

جان عالم به فدای قلب نازنین مولا و سرور و ولی نعمت‌مان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) که هم از شهادت پدران و کینه‌توزی دشمنان و هم از جهالت بعضی از شیعیان پر از غم و اندوه است. باید که چاره کرد و نگذاشت عده‌ای سودجو در لوای دوستی اهل بیت کاری را انجام دهند که دشمنان آنان موفق به آن نشدند آن هم کم کردن عزت اولیاء در نظر دوست و دشمن بود. باید که بزرگی نعمت امامت را بشناسیم و در این صورت است که در شهادتشان به جای اشک باید خون بباریم.

در این شب حزن‌انگیز ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر (عج) اعلام می‌داریم که ای معز الاولیاء و مذل الاعداء به فریاد شیعیان و منتظران وجود مقدس‌تان برس که قلبمان جریحه‌دار این جهالت‌هاست.

حال دست به دعا برمی‌داریم

بار الها به حرمت شهید جوان امام جواد (ع) جوانان ما را در مسیر هدایت راستین قرار بده.

بار الها دشمنان اسلام و شیعه سعی در انحراف جوانان ما دارند نیت پلیدشان را به خودشان برگردان.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام عصر تعجیل بفرما تا حقیقت دین و شأن و مقام واقعی امامت را همگان درک کنند.

اللهم عجل لولیک الفرج

ضمناً اول ماه ذی‌الحجه مصادف است با پیوند ملکوتی خورشید و ماه، امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که ثمره‌ی این پیوند آسمانی ۱۱ گوهر

تابناک و بی‌نظیر الهی است که تا ابد جهان منور است به وجود مقدسشان و زمین به خود می‌بالد. ما ضمن گرامی داشت این روز بزرگ از خداوند کریم به خاطر خیر و برکتی که از این پیوند خجسته شامل حال بندگان فرموده شکرگزاری می‌کنیم با صلواتی بر محمد و آل محمد.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ مهر ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

حمد و سپاس پروردگار جلیل و عظیم و کبیر را سزاوار است که از آن اوست نام‌های مکنون و حسنا که روشنایی است بر هر روشنایی و روشن گردد به آن آسمان‌ها و شکافته شود زمین، غبار شود کوه‌ها، به خروش آید اقیانوس‌ها و چون حضرت موسی آن را خواند دریا شکافته شد، حضرت عیسی خواند مرده زنده شد و حضرت یونس خواند و از شکم ماهی نجات یافت، حضرت ایوب خواند از بیماری و گرفتاری رهایی یافت و فرود آمد به آن جبرئیل امین بر خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) پس بزرگ و بزرگ‌تر و کریم و کریم‌تر است پروردگار بی‌همتا نیست معبودی قابل سپاس و ستایش جز ذات اقدسش که از سر رحمتش انسان را از خاک آفرید و او را از خاک فرش تا عرش بالا برد و عزت و مقام بخشید و همگان را به زیر فرمانش دعوت فرمود. چه زیبا آن را سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهراى مرضیه (س) با فرمایشی گران‌قدر آن را توصیف فرمودند که رحمت پروردگار عالم آنگاه که فرمود: «ای انسان خورشید جانت را با یاد من بیفروز تا از علقه و نیازهایش به ثروتی که خود وعده فرمودم دست یابی. بر تخت سلطنت بنشینی و فرمان‌داریات را بر جان‌های مشتاق عرضه کنی، خاک را در زیر پاهای خود بفشاری تا از جانت جدا گشته و به زبان آید و عرضه دارد: ای پروردگارم آنگاه که امر فرمودی با تو قالبی می‌سازم و امر می‌کنم که تمام آفرینشم به تماشايت بر یکدیگر سبقت گیرند جانم مشتاقش شد. قالب ساخته شد و همگان به دیدارش آمدند و به تماشايش جانشان به حیرت افتاد. آنگاه ندایت را به گوش جان شنیدند که فرمودی او جانشین من است در زمین. در مقابلش به سجده درآید. همگان بر آستان خلیفه‌ات به سجده درآمدند و من به غروری مبتلا شدم که دیگر نامش خاک نبود. او سرور آفرینش بود در جان خلیفه، بر همگان سروری کردم تا زمانی که خلیفه سر بر آستان کبریاییات نهاد و خاک را با انوار کبریاییات از جانش به زمین هدیه کرد و خود با انوارت همراه شد من از جانش جدا شدم از تنهایی‌ام نالیدم. پروردگارم، خلیفه‌ام مرا از تار و پود جانش با انوار روح خداوندیات تنها

گذاشت و گنجینه‌اش را با خود همراه کرد، اینک از جفای او به درگاهت به استغاثه آمده‌ام، خاک فریاد می‌زند و پروردگار می‌فرماید: تو به دنبال خلیفه بودی و او تو را در آزمون‌های جاننش از خود جدا کرد تا نامش را در قالب بندگی‌اش به نمایش گذارد، اینک صدایت را خاموش کن و با آنانی که جز تو را به میراث نمی‌برند همراه شو.»

پس با این فرموده سرور عالمیان باید گفت واحسرتا، اکثریت انسان‌ها به دنیای خاکی دل بسته و پایبند آن شدند و آن را به میراث بردند و خود را از چنین عزت و رحمت و نعمتی محروم کردند و چه سعادتمند هستند معصومین عزیز و گرامی که همان لحظه‌ی اول خاک را از تن مبارکشان تکاندند و تا قرب الهی بالا رفتند که ما در این شب به سوگ یکی از ایشان در این کوی عشق دور هم جمع شدیم، ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیا، ابا جعفر، محمد بن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد. ایشان نیاز و کمبود جامعه‌ی اسلامی آن عصر را و دلیل کج روی‌ها و فریب خوردن آنان از مکر و نیرنگ سران منافق و ظلم را در عدم برخوردارگی آنان از علم و فرهنگ غنی اسلامی تشخیص دادند و نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی همت شایان نمودند و در این رابطه شاگردان زیادی تربیت نمودند و چون علم و دانش امام مانند امامان دیگر از وحی سرچشمه می‌گرفت در نتیجه همه‌ی دانشمندان چه دوست و دشمن معترف به شخصیت علمی امام شده و از محضر درس ایشان کسب فیض می‌کردند و شکوه علمی امام چنان درخشان بود که هر کجا سخن از دودمان پیغمبر به میان می‌آمد امام محمد باقر را یگانه وارث علوم و کمالات پیغمبر می‌دانستند و اعتراف می‌کردند که اینان خاندانی هستند که خداوند به زیور علم و دانش ایشان را آراسته است. سرانجام امام محمد باقر (ع) پس از سال‌ها رنج و زحمت و خدمت به فرهنگ و معارف اسلام در هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک ملعون مسموم و شهید شدند و بدن پاکشان در بقیع کنار امامان دیگر به خاک سپرده شد.

ایشان فرمودند: خداوند قلب بنده‌ای را پاک نکند تا این‌که تسلیم امر ما گردد، مطیع و پیرو صادق تعالیم ما باشد و با ما سازش کند و چون با ما سازش کرد خدا از حساب

سخت نگاهش دارد و از وحشت بزرگ روز قیامت ایمنش سازد و همچنین فرمودند: نور امام در دل‌های مؤمنین از پرتو خورشید تابان در روز روشن‌تر است، به خدا سوگند ائمه‌ی معصومین دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کند.

اینک ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس سرور و مولایمان بقیة الله ارواحنا لک فدا (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام محمد باقر (ع) خدمتشان اعلام می‌داریم که مولای ما اکنون که در صحرای عرفات و منا حضور دارید و آن صحرا و کوه را با وجود با برکتان منور فرمودید و آنان به خود می‌بالند که میزبان گه‌ری چون شما هستند. کعبه، حجر الاسود، مسجدالحرام، عرفات، منا و سعی و مروه همگی و همیشه همان‌گونه‌ای که در این خطبه از فرمایشات شما نقل خواهیم کرد پذیرای شما و پدران‌تان بوده، چه آن زمانی که پدران بزرگوارتان حضرت ابراهیم (س) و حضرت اسماعیل (س) بر شتری سوار به صحرای منا وارد شده و از شتر پیاده شدند، حضرت ابراهیم (س) فرزند خود را مورد نوازش خودشان قرار دادند و سر مبارکش را به سینه چسباندند و بعد ریسمان باریکی آوردند و دست و پای حضرت اسماعیل را بستند و همین‌طور چشمان مبارکش را با روسری که بر سرش بود بستند و به پهلو روی سنگ خواباندند و چاقویی که مانند تیغ‌هی تبر بود آوردند و چاقو را بلند کردند و فرمودند حکم و فرمان فقط حکم و فرمان خداست و چاقو را محکم بر گردن حضرت اسماعیل کشیدند ولی اتفاقی نیفتاد و حضرت اسماعیل آسیبی ندید. پیامبر چاقو را به سنگی زد تا تیزی آن را امتحان کند، همه‌ی صحرا پر بود از فرشتگان و از سنگ‌ها صداهای بخصوصی شنیده می‌شد، در همان حال حضرت جبرئیل نازل شد و آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی حج را تلاوت کرد: که گوشت و خون این شتران به خدا نمی‌رسد، آنچه به او می‌رسد پرهیزگاری شماست، همچنین آن‌ها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه‌ی آنکه هدایتان کرده است به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را بشارت ده؛ و حضرت اسماعیل از روی سنگ بلند شد و بجای او گوسفند بزرگی ظاهر شد که کاملاً تسلیم و سر را به سنگ گذاشت و آماده‌ی قربانی شد.

حضرت ابراهیم با تمام وجود فرزند را قربانی می‌کرد و به قدری پیر بود که زانوانش توان ایستادن نداشت ولی فرمان‌برداری از حق را به معرض نمایش برای همیشه تاریخ گذاشت و به خاطر رضای خدا از عزیزترین کس خود گذشت و چه آن زمانی که مادر گرامی‌تان حضرت زهرا (س) به اتفاق دو فرزند کوچکش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به کنار کعبه آمدند، امام حسین (ع) از مادر پرسید: مادر، آیا هنگام ساختن خانه به دست جدم حضرت ابراهیم (س) رسول‌الله هم شرکت داشتند، سرور عالمیان فرمودند بله، پدرم علی چطور؟ فرمودند بله، پرسیدند آیا من و حسن و شما چطور؟ فرمودند: به سنگ حجر الاسود سنگ آسمانی نگاه کن ما آن سنگ هستیم که در خانه‌ی خدا جا داده شده است. منظور سرور عالمیان از این امر شفاعت روز قیامت به واسطه‌ی سنگ می‌باشد که حتماً باید اتصال اهل‌بیت را داشته باشد.

پس مولای ما، یا وارث انبیاء و معصومین، اباصالح المهدی (عج) ما عاشقان و منتظران و ساکنان کوی مقدستان از شما تقاضا داریم دعا بفرمائید تا حجتی مقبول روزی ما گردد و به حجرالاسود شفاعت و سفارش فرمایید تا ما را نیز در زمان ظهور دولت حقه‌تان به کنار کعبه پیش وجود مبارکتان بیاورد که همان‌گونه‌ای که حجرالاسود فرموده: که سپاس و حمد پروردگار کریم را که آنچه را اراده کرد آفرید و من سنگی آسمانی هستم که در روی زمین به دستور و اراده‌ی خالق کریم قرار گرفتم تا زینت بخش خانه‌ی آن کریم یکتا باشم، از لحظه‌ای که به دستور و اراده‌ی خالق خود به این مکان آورده شده‌ام تا این لحظه که از زبان گویای پیامبر خلیل رحمان به سخن آمده‌ام چشم به آسمان دارم تا فرمان ظهور دولت خداوندی برسد و من به سخن بیایم و فریاد کنم که ای سایه‌ی عدل خداوندی دست بر من گذار تا از لب‌های تو فریاد کنم و یاران و دوستان را چون پروانه‌ای بگرد شمع فروزان هدایت گرد آورم، صدای من چون صدای طبل خواهد بود که انعکاس آن در جهان خواهد پیچید و دست یاران عدالت را خواهد گرفت و در یک چشم بر هم زدنی به مکه‌ی مکرمه و به کنار رکن یمانی خواهد آورد و یاران مهدی (عج) یکدیگر را خواهند دید و به هم تبریک و تهنیت خواهند گفت ظهور دولت عدالت را. من می‌چرخم و همه‌ی یاران را از دوران‌ها به کنار یکدیگر منتقل کرده و این انتقال سریع‌تر از تخت ملکه سبا یاران به

دور هم جمع خواهند شد و درحالی که در پرچم عدالت الهی قرار می‌گیرم با همه‌ی یاران امام مصافحه خواهیم کرد و دست بیعت خواهیم فشرد.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها امام محمد باقر (ع) سعی در عالم نمودن امت مسلمان داشتند، ما را از آن علم و فرهنگ اسلامی برخوردار بفرما.

بار الها مولای ما اکنون حاجی راستین صحرای عرفات است، ما را به برکت وجود مطهرش حجاجی مقبول عنایت بفرما.

بار الها در دولت حقه‌ی امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء یاران و فرمان‌بران و اطاعت‌گران ایشان قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱ مهر ۹۳

خطبه‌ی روز عرفه

ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچ کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست. مثل و مانندی ندارد و هر لحظه بر همه‌ی آفرینش بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل دارد. خدای من به یکتاییات گواه و به ربوبیت معترفم می‌دانم که تو مربی و پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست، همان‌گونه‌ای که در اول نبودم بودم به من نعمت وجود بخشیدی. ای خدای من به لقای تو اشتیاق دارم و می‌دانم به حال هر کس که به درگاهت تضرع و زاری کند ترحم می‌فرمایی.

خدایا، خدای مهربان با مولایم حسین چه کردی که این‌گونه برای رضا و لقایت سر از پا نشناخت و دل بی‌تاب و شیفته و عاشقش همچون کودکی گمشده آرام و قرار نگرفت و برای رسیدن به آن هیچ ندید؛ خداوند کریم مرا نیز حسینی‌ام کن، عاشق و بی‌قرارم کن، آخه امام حسین (ع) مولا و امام من، پیشوا و معلم من است به حامی ترحم کن تا حسینی شوم همان‌گونه‌ای که مولایم حسین اعتراف کرد و فرمود: بار الها مرا به یاد خود و شکر نعمت‌های بی‌حد خویش طاعت و عبادت متذکر ساختی و فهم علوم و حقایقی که پیغمبرانت به وحی آوردند به من عطا فرمودی و بر من قبول هر آنچه را که رضای تو در آن است آسان کردی.

خدای من بر من نیز چنان کن که خشنودی و رضای تو را در همه‌ی امورم همچون نفس‌هایم برای زنده بودنم بر خود لازم بدانم که امام چه زیبا آن را به نمایش تاریخ گذاشت و تا آخرین نفس به دنبال آن بود و آخرین کلامی که ایشان فرمودند: الهی رضم به رضائک بود. مولای من یا ابا عبدالله، دل عاشق و سوخته از غم هجرانت مشتاق لقای الهی بود و حتی با تضرع و زاری و آبشار اشک‌هایت ذره‌ای از سوزش آن کم نشد؛ این عشق را در کدامین مکتب آموختی؟ از جد بزرگوارت رسول خدا یا پدر گرامی‌ات امیر مؤمنان یا مادرت آن گوهر یکتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س)

که این‌گونه ابراز بندگی فرمودی که: ای خدای من، هر گونه نعمت را بر من تمام کردی، هرگونه رنج و بلا را از من برطرف نمودی و هر وقت تو را خواندم اجابت کردی و چون از تو درخواستی کردم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم پاداش کامل دادی و اگر شکر تو به جای آوردم بر نعمتم افزودی همه‌ی این لطف‌ها را فرمودی تا نعمت و احسانت را بر من به حد کمال رسانی.

بله مولای من امام حسین، کشته شدن یاران و نزدیکانت را رنج و بلا ندیدی و اجابت دعایت را در شهید شدنت در راه خدا دانستی که فرمودی: ای خدای من به تو می‌نامم پس اگر تو بر من قهر و غضب نکنی و بر من خشم نگیری باکی از خشم دیگران ندارم و آن هم ای ذات منزّه آسان است بر من اگر لطف و عافیت مرا زیاد کنی.

به قربان دل دریایی‌تان که در راه خداوند کریم همه چیز را زیبا دیدی و چنان در میقات عشق سرودهای عاشقانه سر دادی که عقل‌ها از درک آن عاجز و زبان‌ها از وصفش قاصر ماندند؛ زمانی که در مقام ابراهیم به جدت حضرت ابراهیم (ع) فرمودی که: جانم مشتاق لقای است که زمان را می‌شکافد پس یاری‌ام کن تا در طور عشق سرافراز باشم و در طواف کعبه به یاران فرمودی: ای حاجیان کوی عشق، طوافی را آغاز کنید که صفا و مروه‌اش دویدن به طرف فرمان پروردگارتان است و قربانی‌اش چهارپا نیست بلکه جانی است که در میقات، سر بر آستان اطاعت می‌گذارد و دوباره در مقام ابراهیم نشسته صورت مبارکتان را بر آن گذاشته و فرمودی: ای بت شکن دهر، به فرزندت بنگر که تبر به دوش به میثاق عشق می‌رود ولی آنچه را که می‌شکند سنگ نیست بلکه قلبی است که شیطان ربوده و نقش خویش را بر آن محک زده، دعایم کنید تا قبل از خرد کردنشان نقششان را از نفس شیطانی پاک کنم و اگر نتوانستم آن‌چنان بر فرقشان بکوبم که زمان تکرارش را به یاد نیاورد؛ و حضرت علی اصغر را در مقام گذارده و فرمودی که: ای خلیل خدا، به کوچک‌ترین سربازم قوت جهادی بده که نامش پرچم بت شکنان دهر شود و بازوی کوچکش تبر اطاعت را حمل کند و جان چنان گلش در خون پاکش بشکند تا زمان، گلی به زیبایی او را به یاد نیاورد.

کعبه و رکن و مقام، این نغمه‌ها و سرودهای عاشقانه و عارفانه را در خود ذخیره کرده و به شوق آن لحظات، آب زمزمش جاری است.

مولای من یا ابا عبدالله شما اعمال حج را تمام انجام دادید فقط قربانی را به منا نبردید تا اعمالتان کامل شود ولی به فدای قلب عاشق و زیبا پسندتان که برای قربانی، چهارپا را شایسته ندانستید، جان خود و فرزندان و یارانتان را به قربانگاه کربلا بردید. چه زیبا مادر گرامی‌تان کوثر هستی حضرت زهرا (ص) قصه‌ی آن را برای جدتان رسول خدا پیش‌بینی فرمودند که: در روز عید قربان پدرم رسول خدا پیامبر خاتم (ص) مرا در کودکی روی زانوان با عزتشان نشانند و فرمودند: فاطمه جان، عید قربان را برایم بازگو کن می‌خواهم آن را از زبان تو بشنوم و من گفتم: ای پیامبر الهی، مرا فرزندانی خواهد بود چنان اسماعیل نبی که گردن اطاعت بر او امر پروردگار خواهند نهاد؛ خونی را به جای خود جانشان نخواهند پذیرفت؛ تمام آفریده‌های الهی به پیشکشی خواهند آمد و فرزندانم با پیشکش بالاتری بر آنان غالب خواهند شد تا همه ابراز دارند آنچه فرزندان فاطمه دارند در عالم یگانه است و پروردگارم پیشکشی‌شان را بپذیرد و آنان را جانشینان پیامبر خاتم اعلام فرماید. پدرم اشک از چشمان مبارکشان جاری شد و فرمود: چه زیبا عید قربان را برایم باز گفתי ای حبیب جانم و شما یا ابا عبدالله در کربلا در میثاق عشق، این فرموده‌ی مادر گرامی‌تان را به نمایش گذاشتید و زمانی که سوار بر اسب باوفای خود شدید به او فرمودید که: همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود؛ پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون خود گل کنم و همه‌ی عالم را به تماشایش فرا خواهم خواند و خواهم گفت: به حسین بنگرید، آیا هنوز نتوانسته بنده‌ی لایقی باشد؟ قلبم گواهی می‌دهد که هرگز به شکر نعمت‌هایش دست نخواهم یافت.

حال مولای من یا امام حسین، ما منتظران و دل‌باختگان ساکن کوی عشقِ فرزند گرامی‌تان، امام و مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) هستیم که قلب عاشق و زیبا و

دریایی شما را به تمامی به ارث برده‌اند و ایشان در این روز بزرگ در محل دعای شما ایستاده و دعایی که خواهر گرامی‌تان حضرت زینب به شما فرمودند که: ای جانشین پدرم، ما را به دعایی سفارش کن تا آمدنمان به کعبه جاودانه شود و کعبه آن را برای مهمانانش همچون گنجی حفظ کند و شما فرمودید: قبل از این که از سرزمین وحی خارج شویم همگی دعا خواهیم نمود تا امانتی باشد نزد مؤمنان و یاران و نزدیکانتان در کنار شما ایستاده و دعای روز عرفه را خواندید و جاودانه شد و ما در این روز و این ساعت از امام و مولایمان به التماس تقاضا داریم همچون یاران جدتان امام حسین (ع) اجازه فرمایید در کنارتان دعای روز عرفه‌ی جدتان اباعبدالله را ما نیز همراه شما بخوانیم.

اینک با فرازی از دعای عرفه دستان گدایمان را به درگاه با جود و سخا و با کرامت پروردگار کریم بلند می‌کنیم: بار اله، ما را در این هنگام رستگاری و پیروزی ببخشا و از آنانی که از احسان و رحمت بهره‌مند شدند قرار بده و چشم‌امیدی که به فضل و کرمات داریم ناامید مساز و از رحمت و اسعاهات ما را محروم نگردان؛ از درگاه کریمت ما را مأیوس نکن و روزی کن حجی با معرفت در رکاب مولایمان امام عصر و در ظهور دولت حقه‌ی ایشان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید قربان

۱۳ مهر ۹۳

شکر نامی است که پروردگار عالم آن را به بنده‌ی خویش القا فرمود تا قدردان خلقتی باشد که آن را نمی‌شناسد؛ زیرا خلقت آنگاه که برای سایر آفریده‌ها به نام زندگی و زنده بودن معنا شد، برای انسان به‌عنوان خلیفه و فرماندهی کل عالم به ثبت رسید؛ نماد جانی که آن را در قالبی به نام جسم قرار داد تا ترسیم‌کننده‌ی حیاتی باشد که فنا در خلقتش راهی ندارد و ذی‌الحجه گویای این فرمان است.

امروز قربان نام دارد؛ چه نام با برکتی! قرار است تا جانی مطهر، در آزمایش عشق به میدان بیاید تا مرز بین روح و جسم از میان برداشته شود و همچنان که روح به فرمان پروردگار در جسم جای می‌گیرد جسم نیز توان اطاعت این فرمان را به نمایش درآورد پس قربانگاه، این مرز را از میان بر می‌دارد و سری پر شور بر آستان اطاعت پروردگار بر زمین گذاشته می‌شود؛ صدایی در قلبش او را ندا می‌دهد: ای اسماعیل، به چه می‌اندیشی؟ اسماعیل پاسخ می‌دهد: به فرمان پروردگارم که مرا برای خویش برگزید و آن ندا ادامه داد: ولی مرگ بر سرت سایه افکنده و تیغ‌های تیز چاقو بر گردنت نشانه رفته است و برزخ برایت ناشناخته است؛ در این افکار، حرکت تیغ‌های تیز چاقو بر گردنش را حس می‌کند ولی او زنده است؛ بر می‌خیزد؛ پدر چه اتفاقی افتاده؟ پدر او را نوازش می‌کند و می‌فرماید: ای اسماعیل، جان خلیفه بر خاک مستقر نمی‌شود او ملکوتی است، ملکوت آغوشش را بر او گشوده است اینک برخیز و به همان مکان نظر کن که آغوشش را به روی تو گشوده است. اسماعیل بر می‌خیزد؛ پدر او را در آغوش می‌گیرد؛ اسماعیل سر را بر سینه‌ی ابراهیم خلیل می‌گذارد: ای خلیل، ملکوت سینه‌ی توست که حیاتش در پیشگاه پروردگار معنا شد. ابراهیم (ع) بر می‌خیزد، طناب را از دست و پای نور دیده‌اش می‌گشاید و می‌فرماید: این طناب را برای لحظه‌ای محکم کردم که تصورم را در احساسات یک پدر دیدم تا امری را به انجام برسانم که وجودم را در احاطه‌ی خود داشت و آنگاه که جبرئیل امین ظاهر گردید و فرمود: پروردگار عالم تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: در رسالت آنچه بدان مأمور

بودی حق را جاودانه کردی و اینک این صحرا مظهر حقی است که حاجیان از آن عبور می‌کنند و متاع این عبور را گوسفندی در قربانگاه می‌بینند؛ گوسفند می‌رود تا فرمان را به انجام برساند و حاجی می‌رود تا بندگی را به نمایش گذارد؛ آیا همانند اسماعیل سر از این صحرا بر می‌دارد یا به متاعی دنیایی آن را می‌خرد و قربانی می‌کند؟ اگر جانش را به چند درهم از این آزمایش می‌خرد این جان در بند شده هرگز آزاد نمی‌شود بلکه به جانی که باید خود به زیر تیغ حق می‌رفت فرصت داده است تا همواره جانش را با متاعی دنیایی بخرد و از کنارش بگذرد؛ سرمست حجبی شود که از آن باز می‌گردد درحالی‌که فرمان قربانی را گوسفندی به اجرا درآورده و او جانش را با چند درهم از این مهلکه بیرون برده است پس درمان دردش چیست؟ دردی که به مانند عفونتی در جان پیش می‌رود تا اعضا را در خود فرو برد و زمان مرگ را بر این جان بیمار ترسیم کند؛ ضیافت حج با تمام بزرگی‌اش تمام شود، میقات و منا شاهد آمدن و رفتن عده‌ای باشد که توان درک آنچه که به انجام می‌رسانند را ندارند پس عید قربان در غیب جانش متاعی گران‌بها دارد که گردن حق، آن را می‌شناسد همواره بر آستانش فرود می‌آید تا تمام لحظات زندگی‌اش صحرای منا باشد و جانش قربانی مطهری که جز اطاعت را نمی‌شناسد پس درود بر حاجیانی که نامشان را از مکه به همراه نمی‌آورند بلکه در منای جانیشان آن را به ودیعه دارند پس به منای حقیقی پروردگاران سفر می‌کنیم و در آن، انوار امامان را می‌بینیم که جان مطهرش منتظر فرمانی است تا جهانی را از بند اسارت شیطان برهاند پس به آرزوی استجابت این دعا فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۸ مهر ۹۳

خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)

بار الها شکر و حمد و سپاس در خور و زیننده‌ی ذات اقدس و کبریایی توست و هیچ‌کس در هیچ حالی نمی‌تواند به حد کمال شکر و سپاست را به جا آورد چرا که هر شکری که می‌کند آن هم نعمت و احسان توست و شکری دیگر بر او لازم است و هر کس هر قدر هم در طاعتت کوشا باشد باز هم در مقابل آنچه شایسته‌ی فضل توست قاصر است، پس سپاسگزارترین بندگانت از شکرت عاجز و عابدترین ایشان در طاعتت واماند. هیچ‌کس مستوجب آن نیست که به استحقاقش او را بیامرزی و یا بر پایه‌ی سزاواری از او خشنود شوی پس هر که را بیامرزی از کرم و احسان توست و از هر که خشنود شوی از فضل توست و همه معترف‌اند که اگر کسی را عقوبت کنی ستم نکردی و اگر ببخشی از کرم و رحمانیت توست چون هیچ‌کس را توان شکر و طاعتت را که تو مستوجب آنی نیست، پس خدایا عذر ما را بپذیر که به درگاه واسع کرم و رحمتت به‌وسیله‌ی خاتم پیامبران رسول اکرم حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش پناهنده شدیم. آنانی که در جوار عزتت آرمیده‌اند به فضل و جود و کرم و واسع‌هات روزی وسیع نصیبشان شد و به نگهداری‌ات از گناهان، از لغزش‌ها و خطاها مصون ماندند و بر اثر طاعتت توفیق خیر و راه راست و درستی یافتند و در پرتو قدرتت بین آنان و گناهان فاصله افتاد و در تجارتي که با او کردند سود و بهره‌ی کامل یافتند و در سایه‌ی لطف و عنایتت آرمیده‌اند پس درود و سلام و صلوات خداوند بر همگی ایشان باد خصوصاً بر زینت عابدان و ساجدان حضرت امام علی بن الحسین (ع) که با این مناجات زیبا پدران و فرزندان گران‌قدرشان را معرفی فرمودند که ما امشب در میلاد یکی از این بزرگواران در این کوی عشق دور هم جمع شدیم ایشان دهمین اختر امامت، خورشید ولایت، صابر، عادل، عالم و هادی، حضرت امام علی النقی (ع) ملقب به هادی. ایشان در نیمه‌ی ذی‌الحجه سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شد پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) و مادر گرامی‌شان بانو سمانه هستند که خانمی با تقوا و فضیلت بودند. حضرت در سال ۲۲۰ هجری پس از شهادت امام جواد (ع) در سن

هشت سالگی امامت امت را به عهده گرفتند. با وجود سن کم، چنان در علم و کمال و معرفت و تدبیر و رهبری از خود اقتدار و توانایی نشان دادند که مورد علاقه و توجه شیعیان قرار گرفتند و خلفای عباسی سخت از ایشان می‌ترسیدند و به تبعید و آزارش دست زدند و متوکل عباسی امام را از مدینه به سامرا آورد و تا پایان عمر در آنجا تحت مراقبت شدید قرار داد. با اینکه مدت زندگانی امام هادی با حکومت هفت خلیفه‌ی عباسی هم زمان بود ولی سخت‌ترین دوران زندگی امام هادی (ع) زمان متوکل عباسی به شمار می‌رفت زیرا وی مردی شهرت طلب و ناپاک و بی‌ایمان بود و اگر به مذهب تظاهر می‌کرد فقط به پیشبرد هدف‌های سیاسی‌اش نظر داشت به طوری که درون و افکار پلید و شیطانی خود را در سال ۲۲۶ هجری نشان داد؛ این ملعون دستور داد ساختمان‌ی را که بر محل دفن امام حسین و شهدای کربلا ساخته شده بود را خراب کنند تا مردم را از فیض زیارت آن محروم سازد. متوکل لعنت الله و پدرانش و همه‌ی آنانی که وجود پلید شیطانی داشتند و در عصر حاضر نیز فراوان یافت می‌شوند می‌دانستند و می‌دانند که هر کدام از این بارگاه‌های ملکوتی، سنگری محکم علیه ظلم و کفر و فتنه و نفاق می‌باشد چون مبارزه و مخالفت امامان بزرگوار با ستمگران و فرمانروایان بیدادگر از افتخارات تاریخ اسلام و تشیع است؛ آنان با سازش‌ناپذیری با ظلم و افشاگری چهره‌ی منافقین و نیت‌های پلیدشان و دفاع از حق، خشم ستمگران را بر می‌انگیختند و راحتی را از این افراد پستِ دون‌صفت می‌گرفتند که هنوز نیز این بارگاه‌های ملکوتی امامان، تغذیه‌کننده و هدایتگر شیعیان فداکار و عاشقان حق است که اگر متوکل در ۱،۲۰۰ سال قبل این کار را انجام داد در عصر حاضر با مہب‌گذاری‌ها در این اماکن متبرکه که باعث آزار درونی آن‌ها می‌شود می‌خواهند سرپوشی بر اعمال ننگین خود بگذارند؛ و این در حالی است که وجود مطهر و گران‌قدر پیامبر و اهل‌بیتش خلیفگان راستین و نعمت بی‌نظیر پروردگار بر همه‌ی بشریت هستند. افسوس این مردم ناسپاس نه‌تنها خود بلکه همه‌ی انسان‌ها را از چنین سعادت‌ی محروم کردند برای درک این رحمت پروردگار بهره می‌گیریم از فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که فرمودند: جام جان‌ها شرابی دارد که خود از آن غافل‌اند و نوشندگان شراب این جام‌ها مست نمی‌شوند درحالی‌که

مست هستند مانند جان خلیفگان الهی که نوشندگان جامشان مست می‌شوند و از آن مستی هوشیار نمی‌شوند بلکه بر بال ملائک الهی می‌نشینند تا در ملکوت گردش کنند آنچه را که با چشم ظاهری ببینند در چشم باطن ببینند و در باغش بنشینند، بر تخت‌هایش تکیه کنند و بر در رحمتش متوسل باشند و از پروردگارش تقاضا کنند که از برهوت زمین به سرزمین آبادشان بروند و از آن مستی که در جام جانشان است هرگز بیدار نشوند و همواره عمر را در ضیافت الهی بگذرانند و مهمان جایگاهشان باشند همان‌گونه که پروردگار عالم به خاتم انبیا می‌فرماید: از نعمت‌های بهشت هر چه می‌خواهی بردار و از لذت‌هایش هر چه می‌خواهی لذت ببر و دور از آن نباش پس زندگی برگزیدگان الهی میدان نمایش است نمایشی که هنرمندان آن نقش خلیفه را بازی می‌کنند نقشی که هرگز از آن خارج نمی‌شوند پس همواره از زندگی‌شان زندگی کنی تا به اسرار وجودتان آگاه شوید و با شراب قرآن کریم مست شوید و از آن مستی بیرون نروید تا بوی بهشت را حس کنید. پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان به رمز سرود عاشقانه‌ی شب عاشورای اصحاب امام حسین (ع) پی می‌بریم که آنان مسافرین ملکوت امامشان بودند و مستانه ابراز داشتند که اگر صد بار کشته شوند باز دست از دامان امامشان بر نمی‌دارند.

در این شب مبارک و در آستانه‌ی عید غدیر ضمن تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به تمنا خدمتشان ابراز می‌داریم: مولای ما، ماه محرم نزدیک است عاجزانه تقاضا داریم امسال نیز ما را با خطابه‌های گران‌قدر از حقیقت نهضت جدتان امام حسین (ع) سعادت ببخشید که ما نیز با آگاهی بیشتر از آن به وجود مقدستان اعلام می‌داریم: ما احیاگران دین رسول خدا هستیم آیا دستمان را می‌گیرید تا خود را احیا کنیم؟ مردگان خفته در گور زمان را با حقیقت وجود مبارکتان به زندگانی مجددی برگردانیم و با یاری شما به ملکوت سفر کنیم و سرمست مانند قاسم بن الحسن مقابلتان بنشینیم و بگوییم مرگ در ذائقه‌ی ما از عسل شیرین‌تر است پس ما با مرگی می‌میریم که از جهل باشد و با مرگی زنده می‌شویم که با توجهات شما مولا و سرورمان باشد. در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها امام هادی (ع) در سخت‌ترین شرایط با حيله‌گران و منافقان و دشمنان اهل‌بیت مبارزه فرموده و آنان را رسوا کردند به ما نیز یاری فرما تا ادامه دهندگان راه آنان را رسوا کنیم.

بار الها دشمنان دین و اهل‌بیت پیامبر اسلام هر روز بیشتر از قبل بغض و عداوت خود را آشکار کرده دست جنایتکار خود را به خون شیعیان آغشته می‌کنند با ظهور دولت حقه‌ی امام عصر آنان را نابود بفرما.

بار الها امام هادی (ع) برای ظهور فرزند گران‌قدرشان دعا می‌کنند دعای ایشان و ما را اجابت بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی عید غدیر

۲۱ مهر ۹۳

الحمد لله، سزاوار است به سپاس و ستایش الله رب العالمین، رب اولین و آخرین و رب آسمان‌ها و زمین؛ نبوده و نیست و نخواهد بود غیر از خداوند بی‌شریک. عظیم و برتر و بالاتر است از اندیشه که توصیف شود و نام‌های نیکو از آن اوست.

چه با شکوه است آن لحظه که خالق هستی امر می‌فرماید از خوابگاهتان برخیزید و نام‌های مرا در عملتان همراه کنید تا به جایگاه خویش بازگردید و فراق را به فراموشی بسپارید ولی افسوس با وجود اینکه در فطرت تمام جان‌ها عشق به الله به ودیعه گذاشته شده همان عده‌ی کثیری که پروردگار در کتاب آسمانی نام می‌برند از آن نام تهی هستند و شرک و نفاق، ثروتشان را به یغما برده است و جانشان در حرارت همان عشق گداخته می‌شود و قدرت خاموش کردنش را نخواهند داشت؛ می‌سوزند و خالقشان را به مدد می‌خوانند ولی افسوس که یادش را به خاطر نمی‌آورند نام الله را فراموش می‌کنند و باطل‌ها را به مدد می‌خوانند ولی تمام آن نام‌ها از آن‌ها می‌گریزند و او با آتشی که افروخته می‌ماند و نامی نجاتش نمی‌دهد.

پس سلام بر لحظاتی که دریای رحمت الهی چونان بارانی به وقت که مرزده‌ی رویدنی‌های زیبا را می‌دهد بر جان آدمیان نازل می‌شود تا آنچه را که پروردگار عالم وعده فرموده به عیان درآید و زمزمه‌های عشق آغاز شود؛ جان‌ها به تحیت، یکدیگر را بخوانند و دست‌ها به هم درآویزند تا به مهر عالم تاب ولایت، جانشان از تباهی نجات یابد پس با توجه به این فرموده‌ی گران‌قدر از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) مرضیه (س) راه گشای نجات از فراموشی و تباهی جان‌ها تنها مهر ولایت است که عشق به الله را در دل‌ها می‌افروزد و شعله‌اش تا ابد روشنی بخش جان‌هاست پس وای بر احوال کسانی که خود و دیگران را از چنین نعمتی محروم کردند و سلام بر امیر غدیر و غدیریان از غدیر تا قیامت؛ غدیر روز رحمت و کمال و روز فرقان، روز هدایت و نجات و شکوفایی و سلام بر امیر منتخب، خلیل نبوت، جانشین پیغمبر، وارث انبیا،

شجره‌ی تقوا، میزان اعمال صالح، امیر مؤمنان علی (ع) که امام رضا (ع) در این مورد چنین فرمودند که: خداوند کریم در الست آدم را آفرید و امر فرمود که همه در مقابلش سجده کنند همگی سجده کردند جز شیطان و گفت من از او برتر هستم و در غدیر یک بار دیگر خداوند کریم همه‌ی زمین و آسمان و هر آنچه در آن است را به تماشای خلیفه‌اش امیر مؤمنان فرا خواند که انسان‌ها با بیعتشان و همه‌ی هستی با سجده و اطاعتش عاشقانه به او عشق بورزند، همگی اطاعت کردند جز عده‌ای دنیا طلب و اسیر نفس شیطان که همان گفته‌ی شیطان را در الست تکرار کردند.

و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) نیز آن را زیبا بیان فرمودند که: همواره دستان رسول خدا به طرف امتش برای بیعت با حق آماده بود؛ دست محبتی که جانشین دست پروردگار عالم بود. حرارتش جان مرده را زنده می‌کرد و محبتش کفر را می‌سوزاند نشاط بیعتش بهشت را به پیشکشی می‌آورد و هرگاه دستی را در دستان مبارکش می‌فشرد تمام وجودش ندای لبیک را تکرار می‌کرد تا رسالتش را به امتش هدیه کند و آنگاه که دست جانشینش را در دست گرفت و فرمود: من مولای کسی هستم که این دست را یاری کند تمام دست‌ها از اولین تا آخرین به آن پاسخ دادند تا ولایت در جانشان جاودانه شود و هر که از آن جدا شود مرده‌ای باشد که در جانش ندایی جز بانگ مرگ یافت نمی‌شود پس معنای بیعت، زندگی است و غیر آن مرگی است هراسناک پس درودی همواره جاری و بی‌پایان بر خاتم رسولان باد که چونان بارانی به وقت است که در خود رویدنی‌های غیرقابل حساب دارد.

حال به طور اختصار درباره‌ی این روز بزرگ مطالبی را بیان می‌کنیم.

روزی که نقطه‌ی عطفی برای ما شیعیان امیر مؤمنان علی (ع) است و کمتر توجهی به بزرگی این واقعه شده و می‌شود. امروزه برخی از مدعیان روشن فکر دینی موضوع مهم خلافت و امامت را در حد مسئله‌ای تاریخی می‌دانند و بحث و گفتگو درباره‌ی آن را سبب اختلاف بین مسلمانان قلمداد می‌کنند و همواره روی سخن آنان با شیعه است و به سایر فرق مسلمین کاری ندارند و دانسته یا ندانسته که صد البته عمدتاً دانسته و به عمد است از دیگر فرقه‌ها جانب‌داری می‌کنند و اما این‌که ادعا می‌کنند

که این چنین مسائلی موجب اختلاف میان مسلمین است در پاسخ آنان باید گفت اگر به راستی در پیشنهاد خود خیرخواه هستید مسلمین را وادار کنید که با پذیرش حقیقت به محور حق چرخیده، وحدت را بر اساس اعتراف به حق ایجاد کنند نه این که به بسیاری از مصادیق حق جلوه‌ی باطل بدهند تا بتوانند وحدتی موقت و غیر اساسی به دست بیاورند. درحالی که امامت پایه‌ی بالنده‌ی اسلام و شاخه‌ی بلند آن است امامت از جهت منزلت و شأن و موقعیت و ژرفا برتر از دسترسی عقل‌های مردمان است که بتوانند با آرا و انتخاب خود امامی را برگزینند و خاتم انبیا حضرت محمد (ص) در طول بیست و سه سال پیامبری خود مقامات امام علی (ع) را گوشزد فرموده و شئون و فضایل مهم او را همچون ولایت در تکوین، ابلاغ متن دین، تفسیر قرآن و احکام زمامداری و حکومت جامعه، علم غیب و عصمت، شجاعت و پهلوانی و صدها حسن ایشان را تذکر دادند و اهمیت مسئله‌ی امامت علی (ع) تا بدان جاست که در قرآن کریم آیات فراوانی که شیعه و سنی به شأن نزول آن در مورد ایشان اعتراف دارند آمده است و پیامبر عظیم الشان با ایراد خطبه در حجة الوداع و در منا و مسجدالحرام و آماده سازی مردم برای غدیر خم و توقف سه روزه در آن مکان و سخنرانی و تأکید بر امامت و خلافت و وصی بودن علی (ع) و بیعت گرفتن با دست و زبان و اقرار گرفتن از حاضران و بیعت گرفتن از زنان از طریق دست زدن در طشت آب؛ این‌ها نشان از اهمیت غدیر در معرفی علی (ع) به‌عنوان امام و خلیفه و جانشین پیغمبر دارد ولی علمای اهل تسنن سعی زیادی در کم اهمیت جلوه دادن آن با وجود دلایل و روایات و اسناد قرآنی و احادیث معتبر دارند چرا؟ این سؤال در مراحل پیش از امامت نیز جاری است که چرا غیر مسلمان با وجود این همه دلایل حقانیت اسلام آن را نپذیرفته و نیز چرا منکران خدا با وجود روشن‌ترین نشانه‌های وجود آفریدگار جهان هستی او را نپذیرفتند؟ در پاسخ تمامی این سؤالات می‌توان گفت بشر می‌تواند دچار خودخواهی، تعصب و کوردلی شده از دیدن حقایق سرباز زند و به تقلید از آبا و اجداد خود پرداخته در راه هوای نفس گام بردارد البته پذیرفتن حق هم چندان ساده نیست و لازمه‌ی آن حق مداری است.

در این روز بزرگ و مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به وجود مقدس آخرین نشانه‌ی امامت، وصی بر حق پیامبر و امیر مؤمنان سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) اعلام می‌داریم:

امام و مولای ما، در این روز غدیر دستان گنه‌کارمان را برای بیعت با شما که دستان مبارکتان همان دستان پدرتان امیر مؤمنان و جد بزرگوارتان پیامبر می‌باشد به سوی شما بلند کرده‌ایم و تمنا داریم بیعتمان را بپذیرید که وعده‌ی ظهور و سعادت آن را جد بزرگوارتان پیامبر اکرم (ص) در خطبه‌ی روز غدیر فرمودند که: هان ای مردم بدانید که همانا من فرستاده و علی وصی پس از من است و امامان پس از او فرزندان اویند و ایشان فرزندان من و از نسل علی (ع) هستند. آگاه باشید همانا آخرین امام قائم مهدی از ماست او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران بدانید که اوست فاتح دژها و منهدم کننده‌ی آنها بدانید که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان، بدانید که او خونخواه تمام اولیای خداست، بدانید که اوست یاور دین خدا، بدانید که از دریای ژرف پیمان‌های افزون گیرد، بدانید که او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او و به هر نادان و بی‌ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند، بدانید که او نیکو و برگزیده‌ی خداوند است، بدانید که او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست، بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا می‌کند، بدانید همان اوست بالیده و استوار؛ بیدار باشید هم اوست که اختیار امور جهانیان و آیین آنان به او واگذار شده است، بدانید که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده‌اند، بدانید که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود؛ درستی و راستی، نور و روشنایی تنها نزد اوست، بدانید کسی بر او پیروز نخواهد گشت، بدانید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانت‌دار امور آشکار و نهان است.

پس ای مهمانان کوی عشق بیابید در این روز فرخنده و مبارک دست بیعتمان را با تمام وجود به پیشگاه این گهر بی‌همتای الهی بلند کنیم به تمنایی که سرشار از انتظار حق

و عدالت در قالب یقین و باوری که از عمل با اخلاص و آگاهی از نعمت و رحمت خداوندی است و تجدید بیعتمان را با فریادی که غدیریان تاریخ آن را بشنوند ابراز می‌داریم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آبان، آذر و دی ۹۳

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۳۶ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۹۳ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۹۳

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ آذر ۹۳

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس شایسته و برازنده‌ی خداوند عظیم است که عظمتش را بر تمام هستی گسترده و با انوار رحمتش به آن حیات بخشیده و با نعمات گوناگونش شکر و ستایش را از آن خود فرموده. نیست معبودی توانا و مقتدر و دانا و حکیم و عزیز غیر از خداوند سبوح و قدوس.

سلام و درود بی‌پایان بر واسطه‌ی خیر و برکت، خاتم انبیا حضرت محمد (ص) و بر خاندان منور و پاکش که این شب، زمین و آسمان به نور هفتمین چلچراغ هدایت و امامت روشن گشته و فرشتگان به سرور و شادی با نوایی دل‌انگیز شکر و سپاس خداوند را زمزمه می‌کنند. ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، صاحب علم دیانت، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام شایسته، عابد و زاهد، مولای شیعیان موسی بن جعفر (ع) هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد که با تحمل رنج و سختی‌های زیاد یکی از تدابیر در روش مبارزه با باطل را در تاریخ به ثبت رساندند و همچون جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) با مناجات‌های زیبا و هدایتگرشان سخت‌ترین دل‌ها را و فاسدترین انسان‌ها را چنان منقلب فرمودند که باعث وحشت هارون‌الرشید عباسی لعنت الله شد که فکر می‌کرد با نگهداری ایشان در سیاه‌چال زندان خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را محبوس نموده و دیگران را از این رحمت خداوندی محروم و خود را از ضربات کوبنده‌ای که بر پیکر افکار و سلطنت باطلش می‌زند مصون نماید چون امام موسی کاظم (ع) همچون پدران پاک و نیاکان طاهرینش بر آزارها شکیبا بود و آنچه از جانب خدا به عهده داشت به خوبی انجام داد؛ برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و عالم و عادل و صادق بود؛ با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کرد و عاقبت شهید شد و به اعتراف زندانبان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوف‌ترین محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند پس وای بر احوال دشمنان و بدخواهان اهل بیتِ پیامبر گرامی اسلام و

خصوصاً امامان بر حق که چه عذاب و آتشی از قهر پروردگار کریم را برای خود و پیروانشان خریدند؛ از الطاف الهی و ذخیره‌ی گنجینه‌ی روح خداوندی، خود را محروم کردند.

در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مادر گرامی امام موسی کاظم (ع) سرور عالمیان حضرت زهرا (س) این خطبه را مزین می‌کنیم به فرمایش گهربار ایشان که فرمودند: اگر روح کسی از منبع نور منقطع شود دیگر نور هیچ پیامبری نمی‌تواند تا آن را روشن کند پس همواره در ظلمت جدایی از منبع باقی می‌ماند و آتش حسرت در دلش زبانه می‌کشد و وجود را هر لحظه تبدیل به خاکستری می‌کند که به فرموده‌ی پروردگار آن خاکستر را در معرض باد قرار می‌دهند و باد، وجود را می‌برد و مجدداً آن حسرت از بین می‌رود و نفس اماره شعله می‌کشد و وجود ساخته می‌شود و مجدداً این وضعیت تکرار و عذاب برایش تمامی ندارد؛ در عوض، جمع شدن وجودها زیر پرچم اهل‌بیت، انسان‌ها را از بزرگی شأن و مقامشان آگاه می‌کند و هر کس بتواند از اهل‌بیت که وسیله‌ی تقرب هستند استفاده کند نامش موفقیت است در دنیا و نجات در آخرت پس خدمت به اهل‌بیت خدمت به خود است.

حال ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد جد بزرگوارشان امام موسی کاظم (ع) به حضور مقدسشان عرضه می‌داریم: سرور و مولایمان ما در این کوی عشق زیر پرچم بقیه الله شما جمع شدیم و با سخنان گهربارتان به شأن و مقام والای انسان‌های صدیق و حق‌مدار آشنا شدیم ما را مدد کنید تا در پیروی از آنان جزء خادمین حق وجود مبارکتان قرار گیریم تا نجات دنیا و آخرت نصیبمان شود.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به مناجات و عبادت‌های امام موسی بن جعفر (ع) ما را مشتاق عبادت و اطاعتت قرار بده.

بار الها امام موسى كاظم (ع) سختی‌ها و آزارها و زندان را برای رضای تو تحمل فرمود ما را نیز در این زمانه‌ی پر از فتنه در راه خود استواری و تحمل عطا بفرما.

بار الها شیعیان و دوستداران امام موسی بن جعفر (ع) زندان مانع دیدار جمال امامشان بود ما نیز در هجران جمال یوسف زهرا می‌سوزیم پس دعایمان را بپذیر که به فریاد می‌خواهیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۰ آذر ۹۳

خطبه‌ی اربعین

شکر و سپاس در خور آفریننده‌ی جان‌هاست که در آن شکر، انسان وجودش را در حیات ببیند و آنگاه سر بر سجده‌ی خالقش گذارد و از حیاتی به وجد آید که شیطان نفس پوسته‌ی خودخواهی را از تن، برون کرده تا عقلی نمایان شود که انوار حق در آن منور است عقلی که اولین درکش هدف خلقت است، او آمده تا نقش خالقش را نمایان کند و به همگان ابراز دارد منم که تمام قدرت‌ها را در وجودم به ودیعه گذاشته‌اند تا خلیفه معنا شود. پس چه امانت با عظمتی همراه آدمیان است. نامش را از پدرش به ارث برده تا او را آدم بخوانند و زمان در ضربان حیاتش میراث‌دار این امانت گران‌بهاست که در نهضت عاشورا اباعبدالله الحسین (ع) به‌عنوان ضربان حیات بشریت نامش آشکار شد. حرارتش آفرینش را متحیر کرد. آن ضربان حیاتی که پروردگار عالم در الست به انسان بخشید و همگان در برابرش به سجده در آمدند ولی افسوس که انسان در زمین در اثر وسوسه‌ی شیطان و نفس اماره ضربان حیاتش را کند کرد و پروردگار کریم با برگزیدن پیامبران در هر دوره‌ای به قلب حیاتش شوکی وارد نمود تا از حرکت نایستد و با بعثت خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و نزول قرآن کریم و نهضت عاشورای امام حسین (ع) که نشأت گرفته از آن زمان تا قیامت، ضربان حیاتش را جاودانگی بخشید. وای بر احوال کسانی که آن را مایه‌ی ضربان حیاتشان ندانستند و بر حسینی گریستند و سینه زدند که جان شریفش در احاطه‌ی هزاران ملائک عاشق بوده و بوئیدن نَفَسَش زنده‌کننده‌ی مردگان؛ همان‌گونه‌ای که خداوند در قرآن کریم فرمود: آن‌هایی که کوشش‌شان در حیات دنیا تباه شد و می‌پنداشتند کاری نیکو می‌کنند و آن را سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) چه زیبا تفسیر فرمودند که:

خداوند عالم در کتاب آسمانی می‌فرمایند: من از آسمان آبی فرستادم و بدان زمین مرده را زنده ساختم، رحمتی که قادر است سنگ صاف را برویاند. اکنون جان تشنه‌ی انسان‌ها محتاج همان آب است. آیات کریمه‌ی قرآن چندین وجه از این تشنگی را بیان می‌فرماید و حیات را به تشنگی باطنی، حیات می‌داند ولی زندگی اشرف

مخلوقات به برطرف شدن عطش جانش در ظاهر بسنده کرده است. جان انسان‌ها در گنجینه‌ی آفرینش امانت‌دار تمام آب‌های هستی است و شکم محدودش آن‌چنان گسترده است که صاحب تمام اقیانوس‌های عالم است پس جانی که همواره به دنبال مشتی آب برای زنده بودن باشد چهارپایی است که باطنش نیازی به حیات ندارد. آنچه را که به آن برای زنده بودن می‌اندیشد دارای بهایی نیست پس آنچه خرید و فروشش سفارش پروردگار است آبی است که یک قطره‌ی آن قادر است مرده‌ی در حال فوت را به حیات بازگرداند.

اینک ما منتظران و مهمانان خانه‌ی مقدس امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) که سال‌هاست خداوند کریم به برکت وجود مبارک مولایمان همچون بارانی به وقت با خطابه‌های گران‌قدر بر زمین تشنه‌مان حیاتی فرح بخش و روح افزا عنایت فرموده فرصت را در اربعین سالار شهیدان ابا عبدالله و فرزندان و یارانش غنیمت شمرده گزیده‌ای در سه شب با عنوان «**ضربان حیات**» برای شما می‌خوانیم. باشد که با بهره گرفتن و عمل به آن حیات دنیا و آخرت‌مان ضربانی مستمر و جاوید یابد.

حال به اذن الله و اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی شب اول را قرائت می‌کنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب اول

سلام بر دارندگان مدال‌های درخشان، پیروزمندان در جهاد، ایمان آورندگان به توحید الهی، سوار شدگان بر سفینه النجاة، عقل کل و نجات یافتگان صحرای قیامت. وجودهایی با برکت، همانانی که انوار جان مطهرشان زینت دهنده‌ی زمین و آسمان است افسوس که در بین مردمان حتی مسلمانان و شیعیان غریب زندگی کردند و غریب در خاطره‌ها ماندند و این غربت ناشی از جهل جاهلان بود جهلی که تلخی‌اش بیشتر از زهری بود که جگر امامان را به درد آورد. دردی که جگر امام حسن (ع) را مجروح کرد و قلب امام حسین (ع) را پاره نمود و دست‌های عباس بن علی را از شانه

جدا کرد و نورهای هدایت را خاموش نمود جهل در عدم شناخت آنان بود. آیا ما نیز به واقع امام عصرمان را می‌شناسیم و یا با اعمال و اندیشه‌ی غلطمان جام نادانی‌مان را به وجود مقدسش می‌خورانیم تا زمان شاهد شهادت حق شود و باطل به راه خود ادامه دهد. چون تمام عمرمان در ده روز ایام معلومات قرار دارد و مولا و سرورمان ما را به تقوا و اطاعت پروردگار سفارش فرموده و آنگاه برای برپایی دولت حقه به طور عشق صعود فرموده و همان‌گونه که پروردگار عالم امت حضرت موسی را به او نشان داد مولایمان هر لحظه اعمال ما را از بلندای طور می‌بیند و شاهد و ناظر ایمانمان هستند همان‌گونه‌ای که در ایام معلومات دهه‌ی محرم، مولایمان حسین (ع) شاهد مردمی بود که با اشتیاق بر دوش‌های خود هیزم حمل می‌کردند تا آتشی برافروزند که زبان‌هاش به آسمان شعله کشد و ابراهیم زمان را در خود خاکستر کند؛ با چشم‌های مبارکش امت جدش را می‌دید که برای تماشای سوختن ابراهیم زمان به یکدیگر سبقت می‌گیرند و غافل‌اند که بهشت ابراهیم با هیچ هیزمی نمی‌سوزد.

دیدیم که اسلام حقیقی در صحرای کربلا ده روز زندگی کرد و پایان ده روز آغاز حرکتی شد که ندایش بعد از گذشت سالیان طولانی هر سال رساتر و اشتیاق مشتاقان برای درکش افزون‌تر می‌گردد. کم کم زمان خود را آماده می‌سازد تا نوشنده‌ی شراب حقیقتی شود که سال‌ها منتظرش بوده پس آنچه در خانه‌ی امام زمان (عج) از واقعه‌ی عاشورا گفته می‌شود باید طوفانی باشد که وجودها را از باورهای غلط جدا کند و به حقیقت ظهور نزدیک نماید تا به مولایمان حسین (ع) با زبان اشک بگوییم: حسین جان خون پاک تو را با درک حقیقت راحت در رگ‌هایمان حس می‌کنیم و پائین کوه طور منتظریم تا به یارانت پیوندیم و سال‌های هجران را فراموش کنیم.

پس ای مهمانان کوی عشق بیایید در مورد شنیده‌هایمان در این خانه‌ی مقدس اندیشه کنیم بدانیم و یقین داشته باشیم منظور امامت از بیان آن هدایت و نجات به وسیله‌ی عمل به آن است نه ایجاد هیجان زودگذر و بعد فراموش کردن آن. چون با بیان واقعیت‌های نهضت عاشورا باید عبرت‌ها برایمان آشکار و جهالت‌ها نمایان و انتخاب راهمان با به کار گرفتن عقلمان آسان‌تر شده باشد عقلی که ضربان حیاتش را درک

کرده نه عقل جاهل که در معرض وسوسه‌های شیطان نفس است و اشتباهاتش از ناتوانی درکش سرچشمه گرفته و مرتباً در حال توبه از گناه است و در اثر تکرار این عمل هر روز بیشتر گرفتار جهالت شود. باید که از قوم بنی‌اسرائیل عبرت بگیریم که بعد از دیدن معجزات بزرگی که در همراهی‌شان با پیامبر الهی برایشان اتفاق افتاد و به یقین رسیدند که تمام آن مددها از طرف پروردگارشان بوده، با اضافه شدن فقط ده روز به کفری مبتلا شدند که عقل‌ها را متحیر می‌کند.

ما چه می‌کنیم؟ آیا اندیشیدیم با گذشت ایام محرم منظور امامت با بیان آن سخنان گران‌قدر و نجات بخش برای به کار انداختن ضربان حیاتمان بوده را فراموش کرده، آن را از کار انداخته، به زندگی بدون حیات گذشته برگشته کفران نعمت می‌کنیم. پس برای گریز از چنین خطایی همه با هم در خانه‌ی نور، سوره‌ی نور به وجود مبارک مولایمان امام عصر و زمان متوسل می‌شویم و عرضه می‌داریم: ای حقیقت سماوات نظری کنید تا با رهنمودهای وجود مقدستان به سر منزل لطف الهی متوسل شویم و از دستان با برکت تان جام حقیقت را بنوشیم و جز آن فکر و عملی نکنیم و هر لحظه برای ظهور و گشایش عقلمان فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۱ آذر ۹۳

خطبه‌ی اربعین

شب دوم

شکر پروردگاران را سزااست که عشق را در ضمیر جان‌ها به ودیعه نهاد و فرمود: شهیدان زنده‌اند. بله مگر می‌شود قلب عاشق را گشت؟ قلبی که از هجران خالقش هر لحظه در سوز و گداز است و با روحی منور همواره در خروش است تا زمین جان را بکاود و از سینه‌ی عاشق خارج گردد. بله شهیدان که ضربان حیاتشان به واسطه‌ی عشق به معبودشان تا ابد در سینه‌شان می‌تپد، زنده‌اند. چون هرگز نمی‌میرد آن‌که دلش زنده شد به عشق. کدام عشق، عشقی دور از احساسات ظاهری و آلوده به هوس، بلکه عشقی با عقلی برتر و ایمانی محکم، جدا از خودبینی و خود اندیشی به خالق و بر جلوه‌ی انوارش در روی زمین اطمینان باید داشت اگر بر این باور استوار باشد و آغشته به اخلاص، عشق دوطرفه است که خداوند رحیم فرمود که ما در حیات دنیا دوستدار شما بودیم و نیز در آخرت دوستدار شمایم در بهشت هرچه دلتان بخواهد و هرچه طلب کنید برایتان فراهم است.

اینک می‌خواهیم زمزمه‌های عاشقانه‌ی عشاق را که از ضربان حیاتی جاودانه خبر می‌دهد از خطابه‌های محرم به گوش جان بشنویم تا راه و رسم عاشقی را در مکتب اباعبدالله (ع) بیاموزیم. چون محرم مدال حق را بر سینه دارد مدالی که هزاران رمز و راز عاشقی را معنا می‌کند و آن را از خود امام حسین (ع) آغاز می‌کنیم که در مناجاتی با خداوند کریم چنین فرمودند: بار الها یاریم کن تا سپاست گویم و زنده شوم به آن شکری که تو از آن خشنود شوی پس به خاک خواهیم غلتید و همه‌ی عالم را به تماشایش فرا خواهیم خواند و خواهیم گفت، به حسین بنگرید، آیا هنوز نتوانسته بنده‌ی لایقی باشد؟ قلبم گواهی می‌دهد که هرگز به شکر نعمت‌هایش دست نخواهم یافت و با اسب با وفایش چنین نجوا می‌کنند: ای همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من

بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون گل کنم تا پروردگارم در من بنگرد و سپاسم را بپذیرد. جان عالم به فدای ضربان قلب پرسوز و گداز از عشق پروردگارت و سر پر شور از عطش مهر خالقت یا اباعبدالله این عشق را چگونه تفسیر کنیم.

چه زیبا فرزند گرامی‌تان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) آن را بیان فرمودند که: پروردگارا چه زیبا فرمودید، آنچه من می‌دانم شما نمی‌دانید ای خالق یگانه راز قلب جدم حسین (ع) را چگونه یافتید که او را اباعبدالله نامیدید تا عبد را معنا کنید. پس پیشانی عبد می‌شکند، قلبش تیر می‌خورد، سرش جدا می‌شود ولی آرام نمی‌گیرد. آواز تلاوتش در فضای زمان می‌پیچد (ای بندگان در بند شیطان) سر پرشورم هنوز شور هدایتان را دارد گرچه بین سر و بدنم جدایی افتاده ولی هنوز عاشق است تا بگوید بیایید خداوند مهربان است و چه زیبا رمز و راز سر پر شور عاشقش را مادر گرامی‌شان حضرت زهرا ی مرضیه (س) فاش فرمودند که: آفرین بر میوه‌ی جانم که سر پر شورش نشانی بود از قلب پر التهاب زهرا و آن سر پر شور بر قامتی جز بارگاه عزت پروردگار استوار نبود.

حال به سراغ قلب عاشق دیگری می‌رویم قلب حضرت زینب کبری (س) که در کربلا سینه‌ی مطهرش را به خیمه‌ی حسین بن علی (ع) می‌چسباند و می‌فرماید: ای خیمه‌ی عشق چند روز دیگر در آتش کفر کافران خواهی سوخت ولی آتش عشقت تا قیامت جاودانه خواهد شد، پس شاهد سینه‌ام باش که در این حرارت از آن آتش فروزان‌تر است.

اینک گوش جان به ضربان حیات عاشقان انوار جلوه‌ی الهی بر روی زمین یعنی امامان می‌دهیم که از سوز عشقشان با تمام اخلاصشان سخن می‌گویند. سخن را از سرور عاشقان حضرت ابوالفضل عباس (س) آغاز می‌کنیم که فرمودند: عشق تفسیری جز عمل ندارد و آن را عیناً در صحرای کربلا به نمایش همه‌ی دوران‌ها گذاشتند، در آخرین ساعات روز عاشورا حضرت عباس درحالی‌که اشک در چشمش حلقه زده به امام

حسین (ع) می‌فرماید من غلام شما هستم، غلامی که عاشق است، عشقش جانش را می‌سوزاند و خاکسترش را به پای مبارکتان می‌ریزد آیا ایام در کنار بودنتان رو به اتمام است؟ پس از دوری‌تان سینه‌ام را چاک خواهم داد و زخم درونش را رو به آسمان خواهم گرفت تا همگان جگر سوخته‌ام را ببینند، در آن جگر بنگرند و ندایش به گوش جان زمزمه کنند که: عباس قبل از اینکه بمیرد از دوری مولایش تکه تکه شد. دردش درمان نیافت مگر به وعده‌ی مولایش حسین که باز در کنارش باشد و هرگز از او جدا نشود. حال سفارشی هم از فاطمه‌ی ثانی رقیه خاتون می‌شنویم که می‌فرمایند: ای دوستانان پدرم حسین اگر توانستید به اندازه‌ی من عاشقش باشید پس رکاب اسبش را رها نکنید و اگر مانند من به شما وعده‌ی دیدار داد برای دیدارش جانتان را از قالبش برهانید تا اَفُوضُ امری معنا شود. اینک از ضربان قلبی که عشق را به همراه اطاعت از امام عصر خود با تفسیر این فراز از زیارت جامعه کبیره (بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی) یعنی پدر و مادرم، خودم و خانواده و دارایی‌ام به فدای شما امام و مولای من را به نمایش تاریخ گذاشته است. ایشان عبدالله بن جعفر پسر عمو و همسر حضرت زینب کبری (س) است که به تدبیر امام حسین (ع) در مدینه باید می‌ماندند تا در حوادث بعد از عاشورا از اهل بیت حمایت می‌کردند. در زمان وداع با اباعبدالله زانو زده و با اشکی که مانند سیل از دیدگانش روان است خطاب به مولایش حسین (ع) ابراز می‌دارند: ای یادگار پیامبرم چگونه دوری‌ات را تحمل کنم؟ این چه تکلیف گرانی است که بر من نهادی و مرا از جانم جدا کردی. فرمان دادی به‌مانم همگان بار سفر می‌بندند، می‌خندند، می‌گریند و من تنها می‌گیرم. خنده در جانم تا قیامت که دوباره در سیمای تو بنگرم فراموش خواهد شد پس به عبدالله رحم کن تا تو را به سینه بفشارد و بویت را در جانش ذخیره کند. جعفر پسر عبدالله به طرف پدر می‌آید دستانش را می‌بوسد و می‌گوید: پدر همانند اسماعیل به من بنگر که چگونه مشتاقانه به میثاق عشق می‌روم تا جانم را فدای فرمانی کنم که پروردگارم فرمود: آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند در نزد خدا درجتی عظیم‌تر دارند و کامیافتگانند. پس دعایم کن تا راهی را بروم که رضایت پروردگارم در آن است. حضرت زینب برای وداع با همسر مهربانش پیش

می‌آید و می‌فرماید عبدالله، پدرم امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: ای زینب برایت همسری برگزیدم که سایه‌ی دو بال پدرش جعفر طیار همواره بر سرش افتاده و او را در رسیدن به آنچه به آن مأمور شده یاری می‌دهد پس با او مهربان باش، و من سفارش پدر را در نهایتش به انجام رساندم. اینک آن دو بال را ضامن راهی می‌بینم که بدان فرمان داده شده‌ام می‌روم و تو را به خدا می‌سپارم. و احیرتا عبدالله موقع وداع با امام عصر خود اباعبدالله آن‌گونه با سوز و گداز نغمه‌ی عاشقانه سر می‌دهد و در وداع پدرش و همسر بزرگوارش حضرت زینب سکوت می‌کند این است (بابی اتم و امی و نفسی و اهلی و مالی) بله این ضربان حیات و احساسات عمیق که سرچشمه از عشق و ایمان به خداوند کریم و معرفت و شناخت امامت است را نزدیکان و یاران امام حسین (ع) در مناجات خود به خالقشان و با ادب حضور عشق با اخلاصشان را به امامشان ابراز می‌داشتند.

شنیدن این ضربان‌های حیات واقعی برای کسانی که حیات خود را نکشته باشند باید به وجد و سرور آورده و عشق به خداوند کریم و امامت را در دلشان زنده کنند و زنده شوند که به فرموده‌ی امیر مؤمنان شهید است و حیات جاودانه دارد اگرچه در بستر از دنیا برود.

پس ای منتظران و شیفتگان کوی عشق، حال که آموختم که عشق خداوند و انوارش در زمین یعنی امامت ضامن حیات جاودانگی است تا دیر نشده آن را تجربه کنیم تا حیات و ممانعت با آن منور شود. همچون یاران اباعبدالله در برابر مولایمان یوسف زهرا زانو بزینم و با اشک و ناله ابراز داریم ندبه‌هایمان، سوز و اشک‌هایمان گواه عشقمان است. ضربان حیاتمان را محکم و مستدام کنید تا دنیا و برزخ و قیامتمان زنده به عشق شما گردد. برای پذیرفته شدن آن فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ آذر ۹۳

خطبه‌ی اربعین

شب سوم

شکر و سپاس پروردگار کریم را سزاست که برای انسان زمین را مقدر فرمود تا برای کسب حیات جاودانه در قرب الهی در الیه راجعون تا ابد در وعده‌های پروردگار رحیم سعادتمند و زنده بماند و کسانی که عمر زمینی خود را به لهو و لعب و بازیچه بگذرانند حیاتی نه در دنیا و نه در آخرت برایشان نبوده و تا ابد در عذاب عمر از دست رفته بمانند چون پروردگار حکیم و رحمان زمین و آسمان و هر چه در اوست را به حق بیافرید و حق را جاودانه و باطل را کف روی آب نام برد، پس شرط حیات، زندگی و نفس کشیدن به حق و در حق است و آن باید در باطن و ظاهر ریشه دوانده باشد؛ در درون، نیت و اخلاص را رقم می‌زند و در ظاهر عمل را، پس سلام بر حمد و حکمت‌های گران‌قدرش آنگاه که می‌فرماید: مرا بخوانید تا اجابتان کنم در صبحگاهان و شبانگاهان ستایشم کنید تا غمگین نشوید. آغاز و پایان یک روز از عمری که آفریدگار آن را فرمانروای زمین و آسمان و تمام آفریده‌هایش قرار داد تا روح خداوند قدرت‌ش را آشکار کند، ضربان قلب مددکارش باشد. حیات آغاز می‌شود، زمین امانت‌های خویش را در رنگ‌ها و زبان‌های گوناگون در درونش جای می‌دهد. حکومت‌ها در هر نقطه بر عده‌ای قدرت نمایی می‌کند و زمان در پرده‌ی قدرت و مال در غفلت می‌گذرد. پروردگار همگان را به راه سعادت به واسطه‌ی پیامبرانش فرا می‌خواند تا لذت‌های روحانی را بر لذت‌های زودگذر دنیایی بر همگان آشکار کند، پس زبان را در کام‌های هدایت‌گرانش می‌چرخاند تا نامش را برای انسان‌هایی که ضربان حیاتشان آنان را زنده می‌نامد به بزرگی یاد کنند.

افسوس همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید آنان به بازیچه‌های کودکانه خو گرفته‌اند تا خویش خویشتن را فراموش کنند همان پرده‌ای که ضخامتش جانشینان رسالت را در هدایتشان تنها گذاشت و صدای حق را در قلوب آنان به ظلماتی بدون نور تبدیل نمود

آن‌ها زندگانی هستند که فقط نفس می‌کشند؛ چون از حق دور و به باطل گرویده‌اند. ضربان حیاتشان از حرکت ایستاده؛ مردگانی در قالب زندگان؛ اینان خویشان را خود هلاک کردند ستمی جز غفلت و نفس خود بر آنان نرفته است چون خداوند رحمان با برگزیدن پیامبران و امامان وجود گم‌گشته‌شان و منزلت انسانی آنان را برایشان فاش کرد و کسانی که آن را درک و به آن بها دادند نجات یافتند که امیر مؤمنان (ع) چه زیبا بیان فرمودند که: حقیقت طلبان همواره پرده‌ی غفلت را از مقابل دیدگان‌شان می‌درند تا شعاع حق جان‌شان را به وعده‌های الهی منور کند پس مشتاقانه منتظر زبانی می‌شوند که توان تفسیر درونشان را داشته باشد مانند کودکی که مادر نیازهایش را می‌شناسد، امروز یا فردا و یا زمان‌ها و دوران‌های آینده تفاوتی را برای این گمشده رقم نمی‌زند، او محتاج این محبت پروردگار است پس ساعت‌ها طی می‌شود تا حقیقت طلبان، جان خویش را بشناسند؛ کدام راه را دوست دارند؟ ماندن با حق را یا رفتن به سوی باطل را؟ پس به فرموده‌ی امیر مؤمنان (ع) باید یقین کنیم وجود مبارک امام در نجات از غفلت از خود، امری حیاتی است پس فرج امام عصرمان را در وجود خودمان جستجو کنیم؛ ظهورش را به عینه در عمرمان ببینیم همان‌گونه‌ای که اباعبدالله الحسین (ع) فرمودند: دین، انتخاب شده از سوی خداوند است آن زمان تباه می‌شود که بندگانش جان‌شان را در وسوسه‌ی نفس اماره به شیطان بفروشند و بهای آن را دریافت کنند پس فرج در کجاست؟ جانشین رسالت در هدایتش همان‌گونه عمل می‌کند که من عمل کردم؛ صدای دعوتش همواره در زمان‌ها و دوران‌ها به گوش جان شنوندگانش رسیده است ولی آنان همانند امت من از هدایت گریخته‌اند؛ باطل را برگزیده‌اند، قرآن را همانند قوم یهود به دلخواه خودشان آراسته‌اند و منتظر فرجی هستند که آنان را در دینی که خود نگاشته‌اند یاری کند، مانند ماه محرم که تلخی جهل جاهلان در کام زمان جاودانه شد و زندگی ننگین‌شان آیین‌های عبرت حق از باطل گردید حقی که همواره در زمان می‌جوشد و آرمان‌هایش را اعلام می‌دارد و باطلی که حق را در پشت وجود مکارش پنهان می‌کند تا سیاهی رویش چندی بر جان افسون شده‌اش ارمغان حق را زمزمه کند.

افسوس بر این جان ذلیل شده درحالی که خداوند کریم آن را گنجینه‌ای گران بها آفرید ولی در نفس شیطانی اسیر می‌شود و او لباس تنش را که لباس عزتش بود از جانش جدا می‌کند. برهنه و رسوا در محشر گرفتار می‌شود؛ هم‌نشین کرداری شیطانی که مانند پوست روی استخوان به جانش چسبیده است، پروردگار می‌فرماید: از من دورش کنید تا صدایی از او شنیده نشود از گنجینه‌اش جز آتشی که جانش را می‌سوزاند هیچ نمانده. ای وای بر واحسرتای صحرای قیامت که سخت‌ترین مجازات‌هاست خاندان نبوت برای هدایت این سیه‌روزان جانشان را که در لقای پروردگارشان بود خالصانه ایثار کردند و در این راه نه سن و سال مطرح بود نه مرد و زن یا با جهاد و نثار جان و یا با صبر و بیان حق.

چه توصیف زیبایی امام سجاد (ع) از صبر و استقامت بانوان و بچه‌های کاروان بعد از شهید شدن پدران و برادران و نزدیکانشان فرمودند؛ امام سجاد در راه شام، شب هنگام به ستارگان می‌نگرند و با نجوایی عاشقانه ابراز می‌دارند: ما چه شاهدان منوری داریم! شما یاران با وفای این عزیزان خدا هستید آنان با چشم‌های پر اشک بر شما می‌نگرند و صدایشان را از یکدیگر پنهان می‌کنند تا شاهد رنج دوری کاروان‌سالارشان شما باشید؛ رازداری با وفا باشید تا گوش زمان امانتش را از شما بازستاند. همسر گرامی حضرت علی اکبر پس از اذن از امام سجاد (ع) در راه شام رو به یاران می‌کنند و می‌گویند: ای وای بر جانی که چونان آتشی از هجران جانانش در خاک می‌غلند و سینه‌ی پر دردش را به آن می‌چسباند تا پیامش به جان‌هایی منتقل شود که شعله‌اش را بربایند و جانشان را در حق بیاویزند. من شعله‌اش را به همراه آوردم تا در کنار امام عصرم جان جدا شده از مولایم حسین را با آن بسوزانم، پس الغوث یا فرزند رسول خدا، قلبم با نزدیک شدن به شام در سینه قرار نمی‌گیرد مددی کنید تا سینه‌ام آرام شود. امام سجاد رو به آسمان می‌کنند و می‌فرمایند: ای پروردگارم، ما میراث‌داران پدرمان حضرت آدم هستیم که در هجرانتان سینه‌ی آفرینش را به سوز و گداز مبتلا کرده‌ایم آنچه قلب یارانم را از قرار خارج می‌کند آتش عشقی است که در حق نهاده‌ای پس مددمان کن تا از حریمت محافظت کنیم.

کاروان پیام آوران عشق به رهبری امام سجاد (ع) با جلالت فرزندان رسالت برای در هم شکستن کاخ ظلم و ریا و تزویر به راه ادامه می‌دهد تا گوش‌هایی شنونده‌ی این امانت گران بار باشد که غبار باطل را در اطاعت قرآن کریم از جانش زدوده و قلبش را آینه دار آن نموده تا شعله‌ی محبت پروردگارش در آن مانند چراغی فروزان بی‌فروزد و ندای پیامبرش را به گوش جان بشنود که او را به حق دعوت می‌کند و توحید را فرا راه آن قرار می‌دهد تا شرک‌های رنگارنگ از صفحه‌ی جانش پاک شود و معماهای باز نشده‌ی وجودش با چراغ عقل در مسیر درک و فهم واقع شود. امام سجاد (ع) در ادامه می‌فرمایند که: اینک بانوانی توانمند و کودکانی صبور امانت با شکوهی را به همراه جانشان به سرزمین کفر و ستم می‌برند تا یارانمان آثارش را همچون گنجی تمام نشدنی در خانه‌ی جانشان به امانت نگه دارند. همسر مسلم بن عقیل به امام می‌گوید: ای فرزند رسول خدا، آنچه در اختیار جانم دارم به کعبه‌ی سرخ عشق کربلا هدیه خواهم کرد و همانند مولایم حسین (ع) درفش حق را بر دوش خواهم کشید تا آیندگان شاهد کعبه‌ی دلی باشند که کودکان خردسالش را به استقامت فرمان داده و حق را بر جانشان مقدم داشته است.

پس مهمانان کوی عشق، ما آیندگانی هستیم که عشق به حق، زندگی با حق و فدا کردن هستی برای حق را از خطابه‌های گران‌قدر با اندیشه و عقل در مورد آن دریافتیم و دانستیم که ضربان حیاتمان بستگی به آن دارد پس به او عشق بورزیم و حق جو و حق مدار زندگی کنیم.

ضربان حیات که وجود مقدس آقا اباعبدالله در شب‌های محرم به آن اشاره فرمودند اینک در روز اربعین به نتیجه‌ی آن شب‌های مطهر اشاره می‌فرمایند تا راه برای شنوندگان اوامرشان روشن شود پس می‌فرمایند: خداوندا تو شاهدی آنچه در توان داشتم انجام دادم تا این امت آخرالزمان را از عذاب تو برهانم اما ما را در مشیت تو راهی نیست پس به آنان که پرچم جهل را از وجودشان کنار زدند و توانستند تا با امام عصرشان این‌گونه نجوا کنند: ای فرزند رسول خدا، شما کرامت را از پدر بزرگوارتان به

ارث برده‌اید. ما را که بر سفره‌ی جدتان مهمان بودیم یاری فرما تا حلقه‌ی اشکتان را با پیمودن راه حق بزداييم و در حالی منتظر محرم بمانيم که همواره در کنارتان باشيم. اينک به دستان توانمند امام عصرمان پناهنده می‌شويم که جان عالم است. جانی که تپش حياتش ضامن وعده‌های الهی است. دستش گیرنده‌ی افتادگان و ضربان قلبش آيينه‌ی انوار پروردگار عالم، انواری که بر خلقت فرمانده است عالم در اطاعتش و زمان در اختیار وجود مبارکش و مرهمی است بر دل سوخته‌ی عاشقان حق که منتظرند تا شب ظلمانی تنهایی‌شان به صبحی نویدبخش از بارگاه پروردگارشان پیوند بخورد تا در سایه‌اش باطل نابود شود و دل مجروح از داغ فرزندان خاندان رسالت در عصر وجودش به گلستانی بدل گردد که آن گلستان را در گنجینه‌ی قلبش به پیشواز می‌رود و باز فریاد می‌زند:

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ آذر ۹۳

خطبه‌ی ۲۸ صفر

حمد و شکر پروردگار کریم و عظیم را سزااست حمدی به طول شش روز خلقت و به وسعت هستی و به عظمت عرش کبریایی، به دانه‌های باران و ستارگان درخشان و ثانیه‌های زمان. نیست معبودی غیر از خداوند رحمان.

خداوندا تو را شاکریم که خود فرمودی که: مرا در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح گویند پس ای پروردگارم، در گنجینه‌ی جانم پوششی از پوست و گوشت آفریدی تا نمادی از عظمت خلقتی باشد که میراث‌دار نام خلیفه است پس شهد این نام مبارک را از احاطه‌ی نفس اماره به جلالت بارگاه با عظمت رهایی بخش تا کام جان با آن شیرین شود و دعا و مناجات از حصار کلمه آزاد گشته و به انوار روح پیوندند و سلام گنجینه‌ای است که رمزش در جاودانگی نامش نهفته است و نامش متبرک از بارگاهی با جلالت است تا زبان به عطرش به سخن درآید و جان، رمزش را با شعله‌ی عشق بگشاید، انوارش جاودانگی را معنا کند، زمان به خدمتش درآید و جان مطهرش را با آن زینت کرده و ابراز دارد: سلام بر رحمتی که سایه‌ی محبتش کلام را خلق نموده تا گوشتی ناتوان به حرکت درآید، در زندان دهان با نامی که پرتوی با عظمتش معنا کننده‌ی خالق و مخلوق است از آن خارج گشته و آفرینش را در شعله‌ی نامش جای دهد.

چه زیباست توصیف کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) از دعا و مناجات در قالب ابراز عشق همراه سوز و گداز عاشقانه به خداوند جلیل و جمیل و رحیم.

مزین می‌کنیم خطبه را به فرموده‌ی گهربار ایشان در مورد رحمت للعالمین رسول اکرم خاتم انبیا حضرت محمد (ص) که انتخاب نام خاتم انبیا برای آخرین پیامبر الهی در خود اعجازی شگفت‌انگیز را مژده می‌دهد جانی که هدایت پیامبران را در جان با عظمتش خلاصه فرمود و توانست انوار روح را در قالب جان مطهرش جای دهد پس

امتش میراث‌دار ثروتی تمام نشدنی است و جهان با نام محمد از جسم خاکی خویش رها گشته و از پوسته‌ی ظاهری جدا شده و ملکوتیان را بر آستان باعظمت جانی دعوت می‌کند که روح مطهرش جمع‌کننده‌ی عجایب خلقت بود پس سلطنتش تا قیامت بر کرسی زمین باقی خواهد ماند و زمین و آسمان در درخشش هدایتش از ظلمت به انوار خلقت مزین خواهد گردید.

در این روز حزن و اندوه روز رحلت بهترین بنده و رسول خدا حضرت محمد (ص) که سنگینی غم آن تا قیامت بر زمین سایه افکنده می‌خواهیم به گوشه‌ای از فضایل بی‌نظیر ایشان اشاره‌ای کنیم؛ چون اندیشه و زبان ما قاصر از بیان بزرگی شأن و مقام ایشان است پس از فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) بهره می‌گیریم که فرمودند: خداوند رسول‌الله را از شجره‌ی انبیا و از مشعل نورافشان و از تارک اولیا و از چراغ‌هایی که تاریکی را از بین می‌برند و از سرچشمه‌های دانایی آفرید. او پزشکی بود که با وسایل پزشکی خود مرهم‌ها برای دردها و زخم‌ها و آهن‌های تفته برای درمان سایر آلام بین مردم می‌رفت و وقتی می‌دید که کسانی چشم دارند و نمی‌بینند و گوش دارند و نمی‌شنوند و زبان دارند و نمی‌توانند تکلم نمایند با داروهای خود که همان موعظه و حکمت بود آن‌ها را بینا و شنوا و گویا می‌کرد و اگر او با داروهایش در صدد درمان آن‌ها بر نمی‌آمد آن‌ها در زندگی مانند چهارپایان چرا کننده و سنگ‌های سخت به جا می‌ماندند؛ بار دیگر نظر به آن‌ها بیندازید تا اینکه تأثیر نعمت‌های خداوند را مشاهده کنید و همین که خداوند رسول‌الله را برای رهبری آن‌ها انتخاب کرد پراکندگی آنان مبدل به جمعیت و کینه و نفرتشان مبدل به الفت و نعمت فراوان نصیب آن‌ها گردید به طوری که امور آن‌ها رونق گرفت و تثبیت شد تا مرحله‌ای که حکمرانان جهان و سلطان سرزمین‌های اطراف شدند و همان‌ها که در گذشته بر آن‌ها حکم می‌راندند مجبور شدند که احکام آن‌ها را بپذیرند و از آن پس نه کسی جرئت داشت که نیزه‌ای به آن‌ها بزند و نه کسی را یارای آن بود که سنگی به طرفشان پرتاب نماید.

حال ای مهمانان کوی معرفت و عشق که در این روز در اینجا جمع شدید که در غم رحلت پیامبر عظیم‌الشان خود عزاداری کنید باید که در غمی بزرگ‌تر بر سینه زنید و فغان و ناله کنید چون ایشان در اواخر عمر به امت خود فرمود من در مقابل این همه رنج و سختی در رسالت و هدایتم و خیر و برکتی برای شما مزدی نمی‌خواهم و این خیر و برکت را بعد از خودم با به جا گذاشتن دو نعمت الهی قرآن و اهل‌بیت تا ابد برای شما باقی می‌گذارم؛ از آن‌ها خوب نگهداری کنید تا نجات و سعادت دنیا و آخرتتان را در پی خواهد داشت ولی افسوس و ۱۰۰ افسوس امتش با این دو امانت چه کردند؟ قرآن را مهجور و اهل‌بیتش را نه تنها محبوب نداشتند بلکه به دشمنی آنان اصرار ورزیدند که در قسمتی از دعای ندبه می‌خوانیم «الْأَمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَ إِقْصَاءِ وُلْدِهِ» امت پیامبر گرامی اسلام نه تنها به سفارش این‌که از اهل‌بیتش که برای نجات از جهل و گمراهی اطاعت کنند را نادیده گرفتند بلکه در دشمنی و اسیری و زندانی و کشتن آن‌ها همه‌ی نیروی خود را جمع کرده و در آن اصرار ورزیدند. این فاجعه‌ی عظیم داغ ننگی است که تا ابد بر پیشانی این امت قدر ناشناس و ناسپاس نقش بسته. اگر خوب به عمق و بزرگی این فاجعه توجه شود از شرم باید آب شد و در زمین فرو رفت یا سینه چاک کرده و فغان و فریاد نمود. پیامبری که خیر و برکتش به واسطه‌ی رحمت للعالمین بودنش یعنی رحمت بر عالمین دنیا و برزخ و قیامت تا ابد بر امتش جاریست و عمر مبارکش در راه هدایت مردم گذشت و پروردگار کریم فرموده هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است.

بله پیامبری چنین رئوف و مهربان برای هدایت بشر و رضایت الهی جان عزیزش را بر کف نهاد و تن نازنین خود را در معرض رنج‌ها قرارداد تا مردم را از جهل و گمراهی نجات دهد و برایشان خیر و برکت دنیا و آخرت را به ارمغان آورد برای کسانی که در پست‌ترین نوع جهالت و گمراهی یعنی بت‌پرستی بودند و در فقر و دور از هرگونه فضایل انسانی با قتل و غارت یکدیگر زندگی می‌کردند پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) بهترین و کامل‌ترین دین یعنی اسلام را به آنان عرضه داشت و در کمتر از چند

دهه به ثروت و مقام دنیایی رسیدند و بعد از خود دوام این برکت و عزت را در اطاعت از اهل‌بیتش اعلام فرمود اهل‌بیتی که همه‌ی خصایل و فضایل ایشان را به ارث برده بودند و به چیزی غیر از نجات و هدایت امتشان نمی‌اندیشیدند و در این راه با جان و مال و فرزند خود پایداری و تلاش کردند در مقابل، امتش اصرار بر دشمنی و کینه‌توزی داشتند و دارند پس آنان نه به توحید، نه نبوت، نه معاد ایمان آوردند که اگر ایمان داشتند و دارند پس چگونه در قیامت در برابر خداوند و پیامبر و اهل‌بیتش خواهند ایستاد؟

و این روز مصادف است با یک نمونه از این ناسپاسی و ظلم یعنی شهادت کریم اهل‌بیت اولین گوهر دردانه‌ی رسول‌الله حضرت امام حسن مجتبی (ع) که از زبان مادر گرامی‌شان بزرگی شأن و مقام ایشان نزد پروردگار کریم را بیان می‌کنیم که پس از در آغوش گرفتن فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی علیه‌السلام چنین فرمودند: بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آن‌چنان حس کردم که ملکوتیان به تماشا ایستادند عرضه داشتند: ای دخت پیامبر در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که این چنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم: آنگاه که پروردگارم امر فرمود من خلیفه‌ای می‌آفرینم صورتی مطهر نمایان گشت همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم همگان سر تسلیم فرود آوردند آن نقش در جان من جای گرفت و نامش آشکار گردید پس نام حسن آشکار کننده‌ی حسن خلقت است در نقش‌پذیری صورت خلیفه.

تمام نقش‌ها نشان از خالق مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش می‌گذارد تا ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم کند و آن ضربان توحید است پس محبت به فرزندان من محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید.

اینک ضمن عرض تسلیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به مناسبت رحلت جد بزرگوارشان و شهادت پدر گرامی‌شان امام حسن مجتبی

(ع) به وجود مبارکشان عرضه می‌داریم: یابن رسول‌الله ما در این روز و همه‌ی ایام از دشمنان اهل‌بیت مخصوصاً منکران و دسیسه‌کنندگان و ستیزه‌جویان شما براءت و بی‌زاری می‌جوئیم و از وجود گهربارتان در عمل راستین به مودت اهل‌بیت به تمنا یاری می‌طلبیم.

ای مهمانان کوی عشق ما چه سعادت‌مند هستیم که خداوند کریم خاتم انبیا و خاتم امامان را به ما روزی فرمود و پیامبر گرامی که رسالتش آغاز شکوفایی حق بود و ادامه‌ی رسالتش هم در همین خلاصه می‌شود او میراث‌داری را به یادگار دارد که مولای عصر و زمان است درکش همانند درک آیات کریمه است آیاتی که عزت را جاودانه می‌سازد و باطل را ناچیز می‌شمارد پس جان‌هایی با این عزت پروردگار عالم همراه خواهند شد که سر بر پیشانی حق گذارند و از نفس اماره بگریزند و برای رهایی‌اش فریاد کنند:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ دی ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

شکر و سپاس زیبنده‌ی پروردگار کریم است که ملک و سلطه‌اش پایدار بر عزت خویش و در سلطنتش اطاعت شده و در کبریایی‌اش یگانه و در دوام و بقایش یکتاست؛ در خلقتش عادل، در حکمتش آگاه و در تأخیر عقوبتش بزرگواری است.

سلام و صلوات خداوند بر حبیب الله العالمین، خاتم النبیین و سید المرسلین، ابوالقاسم محمد (ص) و بر اهل بیت طاهرین و معصومینش که همگی واسطه‌ی خیر و برکت و گذشت بودند که سلام و سلامتی در وجود مبارک آنان است و سلام نامی است که پروردگار عالم آن را برای ارتباط بین خود و بنده‌اش برگزید و امر فرمود به زیر محبتم درآیید و پراکنده نشوید آنگاه که شما را ندا دهم: ای فرزندان آدم، از آنچه روزی‌تان داده‌ام انفاق کنید تا طعم رستگاری را دریابید و انسان به پا خاست تا این فرمان را به اجرا درآورد؛ روزی‌اش را به پیشکشی بر بندگان عرضه کرد و برای جلب رضایت الهی جانش به سخن درآمد: ای خالقم، بهترین متاع جانم را که ایمان به دستورات بارگاه کبریایی‌ات بود بین بندگان انفاق کردم و آنان را با حق همراه نمودم پس جهادم را بپذیر و انفاقم را جاودانه فرما تا به هنگام بازگشت به بارگاه ملکوتی‌ات جانی را به همراه بیاورم که جز اطاعت نام دیگری را نمی‌شناسد.

چه زیبا و به جاست این سلام از سرور عالمیان کوثر الهی حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) بر ایشان و بر پدر گرامی‌شان پیامبر عظیم الشان و بر امیر مؤمنان و تمامی فرزندان‌شان که همه‌ی عمرشان در انفاق هدایت و ایمان سپری شد و لحظه‌ای از این وظیفه غافل نشدند، حتی دشمنان‌شان را از این انفاق محروم نکردند چون خداوند کریم فرمود: از بهترین‌ها که خودتان بیشتر دوست می‌دارید انفاق کنید؛ آنان عشق و ایمان به خداوند را که تمام آمال و آرزویشان بود را انفاق فرمودند که ما امروز در سوگ شهادت یکی از ایشان یعنی هشتمین اختر درخشان امامت و ولایت ثامن الحجج حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) در این مکان مقدس جمع شده‌ایم

همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌شان فرمودند: ایشان چه در حیات طیبه‌شان و چه اکنون در بارگاه ملکوتی‌شان دوست و دشمن را از عنایاتشان محروم نمی‌فرمایند. باید که یقین داشته باشیم که وقتی به زیارت بارگاه ایشان سعادت می‌یابیم اگر بر هدایت و ایمان ما افزوده نمی‌شود دلیلش در باورها و حاجت‌ها و دین‌داری‌ها و عمل‌های ماست، چون چیزی که برای امام اهمیت دارد نحوه‌ی دین‌داری و اطاعت است. اگر مورد قبول پروردگار باشد از فضل و احسان و انفاق گسترده‌ی ایشان دست پر باز می‌گردیم که خود ایشان فرمودند هر کس از شیعیانم مرا در سرزمین طوس زیارت کند درحالی که عارف به حق من باشد در قیامت شفیع او خواهم بود.

نام ایشان علی و کنیه‌اش ابوالحسن و رضا لقبشان است. سی و پنج سال عمر شریفش سپری شده بود که به اقتضای کمال و شایستگی ذاتی به منصب امامت و ولایت نائل گردیدند. مدت بیست سال به حراست از کیان آیین الهی پرداختند. ده سال در زمان هارون الرشید، پنج سال با پسرش محمد امین، پنج سال هم زمان با حکومت مأمون که لعنت خدا بر آنان باد. سرانجام در روز جمعه آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به دستور مأمون ملعون به شهادت رسیدند و پیکر مطهرشان در مشهد مقدس دفن شد.

حدیث شریف و گرانمایه‌ی سلسله‌ی الذهب از ایشان است که در شهر نیشابور فرمودند که: از پدرانم نقل است که پیامبر گرامی رسول اکرم (ص) فرمودند: از جبرئیل شنیدم که فرمود از خداوند عزوجل شنیدم که فرمود: کلمه‌ی لا اله الا الله حصار و جایگاه امن من است پس هر کس به دژ من وارد گردد از عذابم در امان خواهد بود. بعد امام اضافه کردند این شرط‌هایی دارد و من خود یکی از آن شرط‌ها هستم و منظور امام از بیان این شرط اشاره است به **اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** یعنی اقرار به توحید با قبول امامت کامل می‌شود و طاعتش بر همگان واجب است.

حال که ما در آخرین روز ماه حزن و اندوه هستیم می‌رویم تا این ماه را بدرود گوئیم و ماهی دیگر را آغاز کنیم که در آن میلاد پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اولین روز امامت خاتم امامت و مخزن کرامت و چلچراغ هدایت، منجی بشریت، برپا کننده‌ی کرسی عدالت مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) است که سلام و درود بی‌پایان بر

ایشان و اجداد طاهرینش و بر اولین روز امامتشان و بر ظهور دولتشان و سلام و درود بر دقایقی که برکت آفرینش را درک کردند آنگاه که پروردگارشان فرمود: ای قلب زمان، تپش خود را آغاز کن؛ تو در ثانیه‌های خویش به خود افتخار خواهی نمود زیرا نفسی را با خود همراه می‌کنی که تو را بزرگ خواهد شمرد و نامش با نام تو یکی خواهد شد پس به آنچه داری در گنجینه‌ی قلبت افتخار کن که مولا و سرور و امامان صاحب‌الزمان (عج) است که زمان و زمین و امتش با این نام شرافت و عزت می‌یابند که مادر گرامی‌شان سرور عالمیان فرمودند: مهماندار مهمانان پسر مهدی به مدال‌هایی مزین است که دوران‌ها و ادیان به آن مدال‌ها وعده داده شده‌اند پس آنگاه که مهمانان سمایی به مهمانی آمدند با حقیقت وجودتان از آنان پذیرایی کنید تا انوار حق را در جایگاهتان ببینند و برای آمدن حق مشتاق شوند و شکرگزار محبتی شوید که در سینه‌هایتان به ودیعه است تا همواره جهل را بشکافد و نور را جایگزین کنید، پس ای مهمانان کوی عشق در جایی نشسته‌اید که مهمان و مهماندارانش شرافت و عزتی بس بزرگ برای خود ذخیره می‌کنند.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها اما رضا (ع) خیر و برکت این سرزمین است ما را یاری فرما تا قدر این نعمت الهی را بدانیم.

بار الها امام رضا (ع) از مدینه هجرت کردند تا به ما بیاموزند که باید برای رضای الهی هجرت کرد پس ما را یاری فرما جزء مهاجرین از ظاهر دنیا به سوی خودت باشیم.

بار الها مولا امام عصرمان همچون پدر گرامی‌شان امام رضا (ع) با ما رئوف و مهربان است؛ یاری فرما تا قدر عنایت و محبت ایشان را بدانیم.

بار الها در ظهور دولت امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران و یاران ایشان قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۰ دی ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس بی‌کران خداوند عزیزِ حکیم را سزاوار است و تنها اوست شایسته‌ی ستایش. خداوندی که خالق است و همه مخلوق اویند. تدبیر امورشان، روزی‌شان و حیات و مرگشان در ید قدرت اوست و شأن و جلال و سلطنت پادشاهی‌اش قاهر و غالب و فرمانش نافذ است و تنها اوست ستوده و ستایش شده و سلام و درود بر رسول و نبی خدا، حبیب و خلیل خدا و صفی و امین خدا خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش که بهترین و برترین خلق خدا پس از او بودند و سلام بر انواری که همواره بر جان‌های مرده چونان نسیمی است که بر گلبرگ‌های منتظر، نوید حیات است تا از پیچش جان باز شوند و همگان در آستان محبتش مهمان شوند و از احسانش بهره‌مند گردند و آن نور در خود هزاران حرف نهفته دارد که روزی به نطق می‌آید و آن‌چنان سخنوری می‌کند که تاکنون زبانی نتوانسته مانند او پروردگارش را حمد کند، پس خداوند با عظمت و جبروت است که پروردگار آسمان‌ها و زمین است و می‌فرماید: منم آن نور هدایتگری که در جانت نامش روح القدس است. می‌فرماید: از من جدا نشو که در ظلمات جهل به طاغوت نفس اماره مبتلا می‌شوی و در ظلمات می‌مانی و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: پس سینه‌تان قرارگاه آن نور است در آن بیارامید تا آرامگاهتان باشد و شما را در احاطه‌ی محبتش از ظلمات به نور هدایت کند و انواری را در جانتان ذخیره کند که دوست و همراهتان است و در سختی‌ها گذرگاهی است مطمئن. چه زیبا سرور عالمیان نور هدایتگر خداوند در سینه‌ها را توصیف فرمودند پس بیایید سینه‌هایمان را از هرگونه آلودگی پاک کنیم تا مخزن نور خداوند شود و رخصت عشق و عبادت و بندگی را بیابد، همان‌گونه‌ای که خداوند فرمود: آن نور در خانه‌هایی است که رخصت یافتند که هر صبح و شام او را تسبیح گویند.

اینک در این شب حزن و اندوه به سراغ سینه‌ای می‌رویم که تابنده‌تر از خورشید و مهتاب‌تر از ماه و منورتر از گهر است. چون سخن آغاز می‌کرد نوری افزون‌تر بر نور

دیگر بود و چون خاموشی می‌گزید مناجاتش گوش ملکوتیان را نوازش می‌داد. ایشان یازدهمین ستاره از آسمان امامت و ولایت، ابا محمد، ابن الرضا امام حسن مشهور به عسکری است که ولادت با سعادت آن بزرگوار در هشتم ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ هجری قمری و شهادت آن امام همام هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ به دست معتمد عباسی لعنت الله اتفاق افتاد و عمر مبارکشانی بیست و هشت سال و مدت امامتشان شش سال بود و این مایه‌ی تأسف است.

امام حسن عسکری (ع) تقریباً تمام عمر را یا در زندان یا در تبعید به سر بردند. سه ساله بودند که با امام هادی پدر بزرگوارشان به تبعید در سامرا آمدند و مدت بیست سال همراه با آن حضرت یا در زندان و یا در تبعید با مراقبت شدید قرار داشتند. از سخنان گهربار ایشان است که فرمودند: دعوت مردم به سوی خدا به واسطه‌ی اعمال شما باشد. دو صفت است که بالای آن صفتی و خوبی نیست: اول ایمان به خداوند و بعد نفع رسانیدن به برادران مؤمن.

امام حسن عسکری (ع) در صبح روز جمعه هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری قمری بعد از نماز صبح شهید شدند. آن روز سر مبارک امام حسن عسکری (ع) بر دامن منجی عالم بشریت چون گوهری می‌درخشید. نگاه پر محبت امام بر چهره‌ی آخرین وصی امامت مانند نگاه پیامبر (ص) بود بر چهره‌ی علی (ع) آنگاه که فرمودند: علی جان چه خواهی کرد با ردایی که امانت قرآن کریم است؟ او را بر قامت چون گوهرت می‌پوشانی تا نامم همواره بر زمان تا قیامت بدرخشد و جانشینانم انوار آن درخشش باشند و اینک تویی که نامت همچون نام پروردگارم تاریکی و ظلمت را در هم می‌شکند و انوار رسالت را بر جان‌های مشتاقانش می‌نشاند پس به آغوشم بیا تا بویت را به ارمغان ببرم و امامت را بر جان شیرینت بچشانم تا هرگز طعمش را که طعم وحی است از جانت جدا نکنی. مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابوالصالح امهدی (عج) فرمودند که: و من صورتم را بر صورت امام عصرم چسباندم تا نفس مبارکش تا قیامت همراهم باشد.

ما ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس امام عصرمان در شب شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (ع) خدمتشان عرضه می‌داریم: مولای ما، غاصبان و ظالمان کوردل عباسی در لباس تزویر و ریا خود را پسر عموی امامان برای مردم معرفی می‌کردند و در پشت چهره‌ی مکار و جنایتکارشان دشمنی و کینه‌ی آنان را در دل داشتند. به‌طوری که شش تن از وجود مقدس امامان به دست جنایتکارشان به شهادت نائل آمدند و در زمان پدر بزرگوارتان امام حسن عسکری (ع) سعی در برکندن ریشه‌ی امامت داشتند. خداوند عزیز و حکیم نیت شوم آنان را به یأس مبدل فرمود. وجود گهربار شما را تا قیامت برای بشریت حفظ فرمود. پس شکر و سپاس بر تدبیر و رحمت الهی که فرمود: من بهترین را برای مؤمنین حفظ فرمودم.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها زندگی امام حسن عسکری (ع) در حصار ظلم و تزویر گذشت و ایشان لحظه‌ای از هدایت و یاری شیعیان غافل نشدند. در این زمان فرزند گرامی‌شان امام عصر (عج) نیز اگر چه در غیبت هستند، لحظه‌ای از هدایت و یاری ما غافل نشدند، ما را فرمان‌بردار ایشان قرار بده.

بار الها امام حسن عسکری (ع) به شیعیان آموختند که چگونه در غیبت امامشان از وجود مبارکشان کسب فیض کنند. ما را یاری فرما بتوانیم از نصایح و یاری ایشان بهره‌مند شویم.

بار الها ریشه‌ی دشمنان اهل‌بیت را خشک و بر عزت ایشان بیفزای.

بار الها در ظهور دولت مولایمان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱ دی ۹۳

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

شکر و سپاس پروردگار یگانه را که تدبیر و حکمت و رحمتش همواره بر بندگانش جاریست و فرمود: به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید و تفرقه آفت دین شماست و آن ریسمانِ الهی ولیّ کسی است که خداوند و پیامبرش ولیّ اوست؛ بداند که پیروزمند و جزء حزب الله است. پس شکر پروردگاران را که دوازده خورشید منور را فرا راه بندگانش قرارداد تا راه برگشت به آستان پر مهرش را گم نکنند زیرا خداوند سبحان، رحیم و رحمان و واسع کرم است، پس امامت گنجینه‌ای از نعمت و رحمت پروردگار است که تشنگان وصل را به سرچشمه‌ی سلسبیل هدایت کرده تا جان عطشناک خود را سیراب کنند. پس سلام بر دوران‌ها، آنگاه که از پوسته‌ی جانشان جدا گشته و آنچه به یادگار خواهند گذاشت حقیقتی است که نامش را بر صفحه‌ی جان‌ها نگاشته‌اند. صفحه‌ای که در خود حکایت‌های عبرت آموز از گنجینه‌ی امامت دارد و او از آنچه در درون این گنج با عظمت است به دعایی می‌گذرد درحالی‌که زبان شیوای خلقت زبانی بدون نطق است. پس صدایی کلامش را می‌شنود که به فرموده‌ی پروردگار عالم گوش و چشم و زبانی شاهد و مشهود داشته باشد تا بتواند رازی را فاش کند که در اعماق جانش او را به کرامتی خاص مژده می‌دهد. کرامتی که همواره نشان از امانتی با عظمت دارد و آن روح خداوندی است که جاودانگی را در خود معنا فرموده. پس یک جان در صندوقچه‌ی اماناتش حکایت از مدبری دارد که تدبیرش جز در اطاعت از فرامینش فاش نمی‌شود.

بفرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه‌ی (س) امامت، انسان‌ها را از کرامت عطایی پروردگار که در گنجینه‌ی جان‌ها به امانت گذاشته شده آگاه نموده و در رسیدن به آن مرتبه یاری می‌کنند و دوران‌ها شاهد این هدایت هستند. در پذیرش و برخورد انسان‌ها با این نعمت الهی پروردگار اطاعت‌گرنانش را به وعده‌ی شیرینی مژده داده و آشکار شدن این نعمت آن زمان است که دولت حقه‌ی پروردگار عالم بر عرصه‌ی زمین حکومت کند، حقیقتی از پشت پرده‌ی غیب الهی آشکار گردد که حق

طلبان را بر ضیافتی آسمانی مهمان کند. در آن ضیافت نقاب دنیایی از چهره‌ی فرزندان رسول الهی کنار زده شود و همگان پشت آن نقاب را ببینند و از پروردگار تقاضا کنند که مردمک چشمانشان از حرکت بایستد تا هرگز جز به آن نعمت به نعمت دیگری نظر نکنند.

پس ای مهمانان کوی عشق به شوق روزی که جمال زیبای امام و مولایمان یوسف زهرا (عج) از نقاب غیب هویدا می‌شود هر لحظه فرجش را از خداوند بخواهیم و تا آن روز از پروردگار کریم فرج جانمان، عمل و باورمان، اندیشه و عقلمان، زندگی و تربیت فرزندانمان را به تمنا طلب کنیم و آن دولت حقه را دور از اوهامات به تصویر بکشیم و تا می‌توانیم خود را به آن نزدیک کنیم که اگر ظهور دولت حقه‌ی منجی عالم بشریت، آخرین امام بر حق، پرچم‌دار حقیقت، برپا کننده‌ی کرسی عدالت، مولا و سرورمان اباصالح المهدی (عج) بعد از اینکه ما از این دنیا رفتیم اتفاق افتاد نام ما را نیز جزء آن دولت بنویسند.

مشخصات مردمانی که سعادت دارند در آن دولت زندگی کنند مبتنی بر دو اصل است. اولین مشخصه‌ی آن را از این‌های دعای ندبه می‌توان دریافت که در آن دولت جایی برای زورگویان، سرکشان، گردن‌کشان، گستاخان، گمراهان، بی‌دینان و ستمگران نیست و ستم، تجاوز، کج روی، شرک، دورویی، هوی و هوس، دروغ و بهتان در آن اثری نیست. در عوض، حدود قرآن و سنت پیامبر جاریست. تقوا و پاکی و ایمان در دل‌ها و عمل‌ها جا گرفته و بر آن استوار است.

دومین الگو یاران اباعبدالله (ع) در صحرای کربلا هستند. آنانی که ماندند.

همه‌ی این موارد به رهبری امام عصر به سامان می‌رسد ولی ما هم می‌توانیم زندگی خود و تربیت فرزندانمان را در حال حاضر به آن نزدیک کنیم. مخصوصاً ما عاشقان و منتظران کوی مقدسشان که از عنایت خاصه‌ی ایشان برخورداریم. امروز مصادف است با سالروز اولین روز امامت مولا و سرورمان، عصاره‌ی نبوت و امامت، جوهر هستی، آخرین نعمت و رحمت از خاندان رسالت، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) است. در چنین روزی شنبه ۹ ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری تاج امامت با ردایی از

نور بر قامت سرور و امامان قرار گرفت و تا قیامت دل‌ها به عشقش زنده شد. گوهری بی‌همتا با ظهوری که قیامت صغری و نبأ عظیم است که از تصویرها خارج و عقل و اندیشه‌ها از درکش عاجز است. در وصف روز ظهور با عظمت و بزرگشان سرور عالمیان، کوثر بی‌همتای الهی که فقط علم ایشان است که به آن احاطه دارد چنین رازش را فاش فرمودند: رحمت پروردگار آنگاه که امر می‌فرمایند: ای فرشتگان و کارگزاران به گرد عرش بیایید. همگان سر بر سجده‌ی اطاعت نهاده و به تماشا مشغول می‌شوند. احسانی به پیش کشی آورده می‌شود. انوارش به سخن در می‌آید: ای زمینیان و آسمانیان، اینک وعده‌ی پروردگارتان محقق گردیده آنگاه که فرموده بود: سلامٌ قولا من رب الرحیم (سوره یس آیه ۵۸) سلام بر آینه‌ی آفرینش، خلیفگان برحق پروردگار عالم. جانشینانی که اسماء خالقشان را در چرخش زمان به نمایش درآوردند تا رمز قولش فاش شود و رحمت بی‌منتهايش به نمایش درآید. گوش‌ها آماده‌ی شنیدن می‌شود و زبان‌ها در کام‌ها می‌ماند. چشم‌ها منتظر دیدن جمال حق می‌شود و آنگاه روحی منور در قالبی مطهر خود را معرفی می‌نماید. منم آن قولی که رحمت حق هستم. جاء الحق هستم، بقیة الله هستم. نامم منتشر کننده‌ی عدالت است و حکومتم آینه‌ی قرآن کریم. پس به زیر پرچمی درآید که آشکار کننده‌ی آیات الهی است. بیعت کنندگانم خورشید، ماه، ستارگان، هفت آسمان، بهشت، دوزخ و هر آنچه که وعده الهی است هستند و نامشان را من برگزیدم. پس صاحب الزمان هستم. اینک چهره‌ام از نقاب زمین برداشته می‌شود تا خزائنش آشکار گردد و رمز و رازش از پرده‌ی ابهام دریده شود. منتظرانش به سخن درآیند و با زبانی شیوا ابراز دارند شکر خالق یکتا را سزاست که گنجینه‌اش را آشکار فرمود و ذخیره‌اش را از صندوقچه‌ی اراده‌ی خدایی‌اش بیرون آورد تا انوارش زنده کننده‌ی مردگانی باشد که شهد شیرین حق را چشیدند و با وعده‌ای آسمانی مردند و اینک شاهی خواهند بود بر جلوه‌ی آفرینش. در ادامه می‌فرمایند: اگر مردمان زمان درک می‌کردند که ساعت‌هایشان منتظر چه فرمانی است سر از سجده‌ی شکر بر نمی‌داشتند تا نعمتشان آشکار می‌گردید و عمرشان به برکت آن در خلقتی جدید جلوه‌گر می‌شد.

بله اللهم ارزقني. اللهم ارزقني بار الها روزی مان کن که جزء حلقه زندگان به دورش، بیعت کنندگانش، فرمان برانشان، رؤیت کنندگان جمال منورشان و شکرگزاران این نعمت و رحمت الهی باشیم و تا آن زمان در حیات و ممانعت به تمنا با چشمانی اشک بار و منتظر فریاد کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۱۸ دی ۹۳

شکر و سپاس پروردگار یکتا را سزااست که همه چیز در مقابلش خاضع و هر چه هست از او پابرجاست آنکه زنده است، از رحمت او روزی می‌خورد و آنکه می‌میرد به سوی او بازگشت می‌کند.

خداوندا چشمی تو را ندیده تا وصف کند تو را؛ نافرمانی کسی از قدرت نمی‌کاهد و اطاعتش بر آن نمی‌افزاید؛ فرمان‌بردار هم نباشد به تو محتاج است. رازی نیست که تو از آن آگاه نباشی و عیبی نیست که تو ندانی. خدایا تو معبودی و سزاوار پرستش هستی. در طلوع چنین روزی طلوع کننده‌ای طلوع گردید و درخشنده‌ای درخشید و تابنده‌ای تابید و راه انحراف از بین رفت و راه مستقیم گشوده شد و خداوند قومی را به قوم دیگر و روزی را به روزی دیگر مبدل کرد و ما آدمیان مانند قحطی زدگانی که در انتظار باران باشند انتظار تغییر گردش روزگار را داشتیم.

بله چه زیباست حمد و ستایش پروردگار و میلاد و رسالت پیامبر از زبان امیر مؤمنان علی (ع) و چه بجاست در این روز خجسته و فرخنده، میلاد فروغ بی‌پایان هدایت، خورشید رسالت، ستاره‌ی درخشان نبوت، نجات دهنده از گمراهی و جهالت، آشکار کننده‌ی راه حق و باطل، رسول اکرم حضرت محمد (ص) که درود بی‌پایان و بی‌شمار بر ایشان و اهل‌بیتش باد که خداوند فرمود: «من و فرشتگانم همواره بر او درود و سلام می‌فرستیم».

در مورد شأن و مقام ایشان زبان‌ها قاصر است و عقل‌ها عاجز، پس یاری می‌طلبیم از دخت گرامی‌شان سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که فرمودند: پروردگار می‌فرماید: ساعاتی را برای عبادت در شب برای خویش برگزینید این بدان سبب است که شب، خلیفه‌اش را بشناسد تا عشق به تجلی درآید و سکوتی منور موجودی‌اش را اعلام کند. نافله‌ی شب برای وجود مقدس پیامبر (ص) واجب گردید تا این معما فاش شود. با طلوع خورشید همگان قادر بودند تا خطوط چهره‌ی مبارکش را در نزول آیات

تماشا کنند ولی با تاریکی شب این نعمت جاودانه در خلوت جان مطهرش قرار می‌گرفت پس نیاز به شاهی داشت تا تصویر آن را در جانش ذخیره کند. پدر بر می‌خاست و جانش در حلقه‌ی آیات به سخن در می‌آمد؛ آیه‌ای را مکرراً تلاوت می‌فرمود صورت ملکوتی‌اش در فضای شب آن‌چنان دل‌نشین بود که ارواح جدا شده از جان‌ها را در حلقه‌ی محبتش به اسارت می‌گرفت. حضرت جبرئیل (ع) به تماشای این زبان شیرین به خانه‌ی پیامبر وارد می‌شد و در کنارش می‌نشست. پدر می‌فرمود: ای حامل وحی الهی، آنچه را تلاوت می‌کنم تو به من آموختی و حضرت جبرئیل پاسخ می‌داد: من آن را در ذخیره‌ی جانم ندارم آن ذخیره فقط در جان مطهر شماست پس از تکرارش نعمتم افزایش می‌یابد. در ادامه سرور عالمیان می‌فرمایند: انوار فرزندانم معنا کننده‌ی غیبی است که پرده‌ی آن را حضرت جبرئیل امین کنار می‌زد و هر بار که به خانه‌ی رسول خدا (ص) سفر می‌کرد در آستانه‌ی در می‌نشست و به دعوت پدر که او را به کنار خودش دعوت می‌کرد جواب منفی می‌داد و با گفتاری شیوا ابراز می‌داشت: محبت شما آن‌چنان در خلقت جان من جای گرفته است که مرا از نزدیک شدن به جان مبارکتان بر حذر می‌دارد و پدر در آن لحظه بر امت خویش با حلقه‌ی اشکی دعا می‌کرد و می‌فرمود: ای پروردگارم، جانی را که جبرئیل آن را عزیز می‌دارد همواره در راه امرت به ذلت مبتلا نموده‌ام پس بر امتی که آن را با کردارهای خویش پاره پاره خواهند کرد ترحم کنید زیرا درک آتش خشم بر آنان آشکار نمی‌باشد. جان عالم به فدای قلب نازنین رسول خاتم که وجود مبارکش برکت و نعمت و رحمت را برای امتش به ارمغان آورد. با آگاهی از ناسپاسی و ظلم و جنایتشان در مورد جانشینانش و فرزندان‌شان که از گوشت و خون او بودند در حقشان دعا کرده و دل نگران عذابشان از خشم پروردگار می‌باشند که در قرآن کریم به ایشان می‌فرمایند: تو را با آن‌ها که دین خویش را فرقه فرقه کردند و دسته دسته شدند کاری نیست کار آن‌ها با خداست و خدا آنان را به کارهایی که می‌کردند آگاه می‌سازد و همچنین به پیامبر فرمود: به آنان بگو من از شما برای رسالت مزدی نمی‌خواهم جز دوستی خویشانم و آنچه مزد از شما خواستم آن هم به سود شماست.

بله وای بر این امت قدر ناشناس که به دشمنی رگ حیاتشان، جانشینان و فرزندان حضرت محمد (ص) برخاستند درحالی که ایشان ادامه دهندگان رسالت و هدایت از گمراهی با جان و مال و فرزند و همه‌ی داشته‌ها همت گماشتند که امیر مؤمنان علی (ع) در این مورد چنین فرمودند: امامان مانند قیم‌های خدا بر بندگان او هستند و عهده‌دار شناساندن خدا بر بندگان می‌باشند هیچ کس وارد بهشت نمی‌شود مگر این‌که امامان را بشناسد و امامان او را بشناسند و هر کس که منکر امامان باشد و امامان او را انکار نمایند به دوزخ می‌رود.

واعجابا از شیعیان که سعی در فراموش کردن این فرموده‌ی قاطع و روشن امیر مؤمنان را دارند.

ای مهمانان کوی عشق، در این روز مبارک و فرخنده بر شادی‌مان افزوده شد با میلاد معلم شیعه‌ی راستین و پاک‌کننده‌ی انحرافات وارد شده در دین، ششمین اختر آسمان ولایت و امامت امام جعفر صادق (ع)؛ ایشان به ما آموخت که شعار و افتخار شیعه در عدم سازش با باطل و دشمنان دین و اهل‌بیت پیامبر است اگر می‌خواهیم در قیامت با این نام محشور شویم باید که به آن عمل کنیم.

ما ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس ولی و امام بر حقان ابوالصالح امهدی (عج) به مناسبت میلاد اجداد طاهرینشان پیامبر عظیم الشان و امام جعفر صادق (ع) عرضه می‌داریم: مولای ما، همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان فرمودند: برای رسیدن به مقام بندگی پروردگار می‌باید از نردبان عمل برگزیدگان الهی بالا بروید تا راز بندگی را در عملشان درک کنید که همواره جان‌ها تا قیامت مدیون انفاق آخرین پیامبر الهی است که روح مطهرش در ثروت بی‌نظیر بود، پس همواره پروردگار و فرشتگانش در سلام و صلوات بر این ثروت بی‌حساب هستند، پس مولای ما یاری‌مان کنید تا امت واقعی پیامبر و شیعه‌ی جدتان امام جعفر صادق (ع) به حساب بیاییم و دو امانت پیامبرمان، قرآن کریم و اهل‌بیت را از جان حقیرمان عزیزتر بدانیم و به این مودت عمل نماییم

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها درود و سلام و صلوات بی‌پایان و بی‌شماری که تو بر آن احاطه داری بر پیامبرمان حضرت محمد (ص) و خاندانش بفرست.

بار الها یاری فرما تا بنده‌ای با اخلاص، امتی قدر شناس و شیعه‌ای قوی و منتظری استوار باشیم.

بار الها خشنودی خود و پیامبر و امیر مؤمنان و فرزندان و امام عصرمان را روزی‌مان فرما.

بار الها یاری‌مان فرما تا دو امانت پیامبرمان را قرآن و مودت به اهل‌بیت را در بهترین جایگاهشان پذیرفته و عمل کنیم.

بار الها در ظهور آخرین گهر خاندان نبوت امام عصر و زمان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ بهمن ۹۳

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس بی‌کران و بی‌پایان ازلی و ابدی زینده‌ی خداوند سبح و قدوس است؛ خداوندی که از سر رحمت، روزی و هدایت و بخشش بر بندگان را بر خود مقرر نموده و فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید و از سر مهربانی و کرامتش به پیامبر خود فرمود: بگو ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید از رحمت خدا مأیوس نشوید زیرا خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد اوست آمرزنده و مهربان؛ پس با این همه بردباری و عفو وسیع و رحمت و مغفرت اگر کسی در قیامت عذاب شود خود بر خود ستم کرده مخصوصاً مسلمانان که گهر گران‌بها از هدایت را پروردگار حکیم در قالب قرآن کریم بر آنان ارزانی داشته، پس زیان دیده‌ترین انسان‌ها آنانی هستند که توان عقلی خویش را در درک قرآن کریم نمی‌یابند پس کتاب، آنان را می‌خواند: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ عقلی که چراغ هدایتش را خاموش کرده قادر نخواهد بود فضیلت کلام را دریابد پس صدایی او را به خود نمی‌خواند درحالی‌که گنجینه‌ی جان‌ها آن‌چنان گنجایشی دارد که قادر است تمام آیات الهی را در خود جاری نماید پس همواره اقیانوسی باشید که توانش محدود به ساحلی نباشد.

با این فرموده‌ی گران‌قدر کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) قرآن راه‌گشای نجات و رستگاری است به شرط آن‌که توان عقلمان را در درک آیاتش به کار ببندیم و این مشکل نیست چون پروردگار متعال قسم یاد کرده که هدایت قرآن کریم را در وجودها به ودیعه نهاده، در این مورد نیز ایشان چنین فرمودند که: رحمت و برکت پروردگار عالم آنگاه که می‌فرماید: من شما را از یک تن آفریدم و از جام جان‌ش شرابی گوارا را خارج نموده نامش را جان خواندم جانی که مقتدایش نسیم وحی بود زبانی که در ظاهر نطقی نداشت ولی در درونش صدایی او را به هدایت می‌خواند اینک کالبدی را بر آبشار روحی منور بنا کردم تا آینه‌ای باشد از انعکاس قدرتی که خود را الله معرفی فرموده پس مخلوقاتش بر صفحه‌ی زمان ظاهر می‌شوند، جان‌شان در گنجینه‌ی نهانش امانت‌دار گوهری گران‌بهاست ندایی که همواره راه‌گشای غیبی

منور است اینک تو را به جهانی که در آن نیازی به کالبدت نداری می‌خوانم و تو شتابان آن را در خاک پنهان کرده و به سوی زادگاہت می‌آیی آیا آن را می‌یابی؟ اگر توان درکش را از دست داده‌ای چگونه خود را می‌یابی؟ گم گشته‌ای که نشانی از خود را نمی‌یابد، پس به الطاف آن گنجینه پناهنده می‌شود تا مانند سپری در مقابل نامت چیست او را مدد کند پس هدایت مختص مؤمنان است تا در سایه‌ی نعمتش سفره‌ی جانشان را منور کنند و انوار هدایت آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) آن‌چنان عالم‌گیر است که هرگز گنجایشی آن را محدود نمی‌کند پس همواره انوار بندگی پروردگار عالم در زمان جاری است و کتابش در جایگاه هدایت زمان محدود نمی‌شود همانند رودخانه‌ای است که رودهای محدود را در خود وارد نموده و به اقیانوسی غیر حساب تبدیل می‌شود، پس به کافران و دشمنان اسلام و پیامبر عظیم الشان، رحمت للعالمین، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) که هر روز سعی در کینه توزی نسبت به ساحت مقدس ایشان را دارند و آن نشئت گرفته از ترس و آگاهی از وعده‌ی پروردگار عالم مبنی بر اینکه هدایت پیامبر اسلام و دینش عالم‌گیر شده و بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد هر چند مشرکان را خوش نیاید. باید گفت و فریاد برآورد که بغض و خشم‌تان نشانه‌ی عجزتان است، این وعده‌ی پروردگار مقتدر و داناست و هرگز نتوانید که نور خدا را با دهان خاموش کنید شما فقط ننگ ابدیتان را بیشتر می‌کنید، بیهوده دست و پا می‌زنید، در این حسرت و بغض و عداوتتان خواهید ماند و خواهید مرد که خداوند قهار به پیامبرش فرمود: بگو بار خدایا تویی آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانای نهان و آشکار تو میان بندگان در هر چه در آن اختلاف می‌کرده‌اند داوری خواهی کرد.

افسوس حرمت شکنی پیامبر اسلام به دشمنانش ختم نشد و نمی‌شود و مایه‌ی تأسف است که امتش و مدعیان دوستی و پیروانش در حرمت شکنی از دشمنانش پیشی گرفته و می‌گیرند. اگر دشمنان به توهین اکتفا کردند امتش به او و سفارشات و امانت‌هایش خیانت کرده و می‌کنند، قرآن را مهجور و پاره‌های تنش را به خاک و خون کشیدند. در عصر حاضر اکثریت امتش اعمال جنایتکار آنان را تأیید و کمر به دشمنی و قتل وفادارانش یعنی شیعیان بستند درحالی‌که فریاد لبیک یا محمدا سر

می‌دهند و بر خلاف سفارش و وصیتش قدم بر می‌دارند ولی باید امید داشت و منتظر بود همان‌گونه‌ای که خداوند وعده فرموده: حق پیروز است و باطل کف روی آب و تاریخ اسلام پر از تحقق این وعده‌ی الهی است که ما در این شب مبارک به شادمانی میلاد یکی از این وعده‌های شیرین در این مکان مقدس دور هم جمع شدیم و آن وجود مقدس و مبارک یازدهمین ستاره‌ی امامت و ولایت، عالم و زاهد و با تقوا و با وقار، ابا محمد امام حسن عسکری (ع) است که به ما آموختند که چگونه می‌شود منتظر بقیة الله بود یعنی ظهور و پیروزی حق و نابودی باطل.

با وجود اینکه دشمنان سعی در نابودی نسل ایشان را داشتند خداوند کریم نسلی از ایشان باقی گذاشت که جهان را از لوٹ وجود ناپاکان و باطلان پاک کرده و حق و عدالت را در آن بگستراند.

چه زیبا فرمودند امیر مؤمنان علی (ع) که: ای مردم بدانید که نه چراغ اسلام خاموشی پذیر است و نه شیرینی آن تلخ می‌شود و پایه‌های اسلام از طرف حق مستحکم شده؛ چشمه‌ای است که پیوسته آب دارد و چراغ‌های اسلام همواره نورانی است و خداوند بهترین خشنودی خود را در این قرار داده که از این دین اطاعت نمایند و شما ای مؤمنان، این دین را محترم بدانید و از آن اطاعت کنید و حق دین را ادا نمایید و احکام دین را راکد نگذارید.

اینک ای مهمانان کوی عشق ما ضمن عرض تهنیت و تبریک خدمت مولا و سرورمان امام و ولی نعمتمان فرزند گهربار امام حسن عسکری (ع) اباصالح المهدی (عج) به وجود مقدسشان عرضه می‌داریم: مولای ما همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان سرور عالمیان فرمودند که: وجود با برکت پسر حضرت مهدی (عج) امانت‌دار رسالت پیامبران است و همه‌ی پیامبران به این رسالت شهادت می‌دهند و کارگزاران دولتش را می‌شناسند و دیدار آن دوران را از پروردگار تقاضا می‌کنند، ما نیز با سوز دل و تمنا فریادِ «متی ترانا و نراک» سر می‌دهیم و مشتاق دیدار شما و ظهور دولت حقتان هستیم و آرزوی رؤیت جمال منورتان و دولت مطهرتان را داریم و ما را نیز جزء کارگزارانتان بپذیرید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها مکر دشمنان اسلام و پیامبر را به خودشان برگردان و آنان را در گودال فتنه‌ی خودشان سرنگون کن.

بار الها امام حسن عسکری (ع) برای ما گه‌ری بی‌نظیر را به یادگار گذاشتند. یاری فرما با قدر شناسی از این گنجینه‌ی گران‌قدر قلب ایشان را از خود شاد کنیم.

بار الها با ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) پیروزی نهایی و ابدی اسلام و پیامبرت را کامل کن.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ اسفند ۹۳

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

بار خدایا، پروردگارا، از آن توست پادشاهی و خاص توست حمد و سپاس. هیچ خدایی جز تو نیست. تویی خداوند بردبار، کریم، مهربان، بخشنده، صاحب جلالت و اکرام. تویی آفریدگار آسمان‌ها و زمین.

بار خدایا از تو درخواست می‌کنم بر تاج پیامبران، نگین برگزیدگان، رحمت زمین و آسمان، خاتم الانبیاء ابوالقاسم محمد و محمود و مصطفی (ص) و همچنین بر خاندانش که همه از نیکان و پاکان و برگزیدگان بودند درود فرستی؛ درودی که جز تو کسی را یارای شمارش آن نباشد که خود در قرآن کریم چنین فرمودی که:

سلام و درود بر مؤمنانی که رستگار شدند؛ بندگانی که نشان هدایت را یافتند و آن را چون گوهری گران‌بها حفظ کردند. خاندانی که در میان امت پیامبر (ص) دارای امتیازی شدند که خود وجود مبارک پیامبر (ص) به آن‌ها عطا فرمود و آن عطا از جانب فرشتگان وحی به آنان نازل شد و آنان را مورد محبت و حمایت خود قرار داد.

برکات الهی بر جان‌هایشان که فرمان قیامت چونان نسیمی بر روح پاکشان و جسم مطهرشان خواهد وزید و آنگاه که از خاک بر می‌خیزند زمین به آنان افتخار خواهد نمود و به خاطر اینکه چند صباحی امانت‌دار جسم پاکشان بوده سپاسگزار پروردگار کریم خواهد بود.

امروز ما در این کوی عشق به شکرانه‌ی عطای وجود گوهربار و گران‌قدر یکی از ایشان، سپیدار بلند شکیبایی، تقوا و شجاعت و زلاله‌ی مهر و محبت و صفا و نمونه و نمایشگر اطاعت همراه با عشق به ایزد متعال، پرورش یافته در مکتب امیر مؤمنان و نور دیده‌ی مادرش حضرت زهرا سید بانوان دو عالم یعنی حضرت زینب کبری (س) نشسته‌ایم؛ وجودی که مظلوم ماند و در اثر عدم شناخت شیعه، شخصیتی غیر از واقعیت مقام و منزلت و عملکردشان در ذهن‌ها جا گرفت و روایت‌های کاذبی که نقل مجالس شیعه در حال حاضر است مغایر با شأن و مقام ایشان است به‌طوری‌که

نقش مؤثر و جهادگرانه و همراهانه‌ی ایشان با امام حسین (ع) در نهضت کربلا را علاقه و ارتباط خواهر و برادری، مثل احساس مردم عادی تلقی می‌کنند درحالی‌که ایمان و استواری در اوج عشق و بندگی خداوند و اطاعت و یاری ولایت و امامت ایشان را نادیده گرفته‌اند و از بازگو کردن هیچ روایت کاذبی در این مورد خودداری نمی‌کنند درحالی‌که شخصیت والا و علم و بیان زیبای ایشان را فراموش کردند.

حضرت زینب کبری (س) یکی از علمای بزرگ اسلام و مخصوصاً شهر مدینه در زمانه‌ی خود بودند و دیگر علمای مدینه از همراهی ایشان با امام حسین (ع) در نهضت عاشورا هم خوشحال شدند که عرصه‌ی مطرح شدن و ابراز وجود علمی در غیاب ایشان برای آنان فراهم شده و هم از اینکه ایشان با این مقام ولای علمی و دینی و عرفانی با امام عصر خود همراه می‌شوند و آن تأیید بزرگی برای قیام و حقیقت مبارزه‌ی امام حسین بود و آنان کوتاهی کردند مکرر شدند و نگرانی آنان بی‌مورد نبود چون حضرت زینب (س) در سراسر نهضت عاشورا محکم و استوار و قاطع عمل نمود و با خطابه‌ها و سخنان کوبنده و شیوای خود که نشئت گرفته از علم و ایمان ولای ایشان بود دشمنان را رسوا و پیام نهضت را به خوبی به تمام اعصار و زمانه‌ها رساندند.

پس بیایید در این روز مبارک از خداوند کریم بخواهیم در ظهور دولت حقه‌ی امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) تعجیل بفرماید تا از زبان مقدسشان مقامات حقیقی همه‌ی اهل بیت مخصوصاً عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب کبری (س) را درک کنیم و تا آن زمان ما وظیفه داریم که زینب گونه عمل کنیم و زینب گونه حق طلب و کوبنده‌ی باطل باشیم چون شیعه ذخیره‌ای بی‌نظیر از گنجینه‌های نجات از اهل بیت پیامبر گرامی اسلام را داراست اگر آن‌ها را الگو و سرمشق مبارزه و زندگی‌اش قرار ندهد در قیامت دلیلی برای ضعف و ذلتش نخواهد داشت پس تا دیر نشده با دست توانمند مولا و سرورمان امام عصر (عج) فکر و عملمان را اصلاح کنیم.

بار الها به حرمت مولود امشب حضرت زینب کبری (س) ما را در شناخت و پیروی از ایشان یاری فرما.

بار الها دنیا در ظلم و فساد و جنایت و نفاق غرق شده ما را از شر آن محفوظ بدار و
در ظهور دولت سرور و مولایمان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳ اسفند ۹۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) شب اول

شکر و حمد و سپاس از آن پروردگار حکیم و عزیز است خداوندی که صاحب کعبه و رکن و مقام و خالق قلم و زبان و بیان است که پادشاهی‌اش ازلی و ابدی و اقتدارش بی‌زوال و احدی را ممکن نیست که از سلطه‌ی حکومتش بگریزد و دفع کننده‌ی بلا و پوشاننده‌ی خطاست.

خداوندا درود بفرست بر واسطه‌ی خیر و برکت حضرت محمد (ص) و بر خاندانش که همگی را از سر رحمت و نعمت بر بندگان عطا فرمودی پس سلام جامی است که نوشندگانش، طعم نیکویش را در محبت خالقشان می‌بویند آنگاه که فرموده است: سلاماً سلاماً؛ دارندگان نشانی مطهر، همانانی که در سلامتی جانشان زبان به میدان کارزار می‌آید تا مدالی را بر سینه‌ی خویش بیاویزد، مدالی جمال خویش را آشکار می‌سازد؛ کدام توان، قدرت درکش را دارد؟ سکوت حکم فرما می‌شود؛ احساسی به سخن می‌آید: خالقا وعده فرمودید کلامی جز سلام را در گنجینه‌ی جانم ذخیره نکنم تا همواره توان درک محبتت را در حالی داشته باشم که مرا به صبری نیکو وعده فرموده‌ای.

بله باید گفت افسوس و هزاران افسوس که انسان‌ها حتی امت مسلمان وجودهای سلامت ائمه را با مدال‌هایشان که به واسطه‌ی پیروزی در رسیدن به مقام والای اشرف مخلوقات که همان خلیفگی خداوند است و بر سینه‌ی مطهرشان آویخته بود را نه تنها ندیدند بلکه به دشمنی ایشان برخاستند و بشریت را از چنین گنجینه‌های رحمت و نعمت پروردگار محروم کردند و لعنت و عذاب ابدی را به جان ذلیلشان خریدند که امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: آن‌هایی که خواهان قتل ما هستند مانند حاکمی می‌باشند که علیه خود حکم صادر کند و اگر ما را به قتل برسانند خون‌خواه ما خداوند متعال است که کسی را از او مجال گریز نیست و به هر جا که برود و هر چه که بکند گرفتار دست خدا خواهد شد. پس با این فرموده‌ی امیر مؤمنان باید گفت و

فریاد برآورد بار الها بر دشمنان و غاصبان و قاتلان اهل بیت پیامبرمان لعنت فرست و بر عذاب آنان بیفزا که ما در این شب پر از اندوه به سوگ شهادت یکی از این گنجینه‌های بی‌نظیر الهی در این کوی عشق جمع شده‌ایم که به فرموده‌ی فرزند گرامی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) باید برای بردن نام ایشان از خداوند کریم اجازه گرفت پس بار الها از تو اذن می‌طلبیم تا در این شب درباره‌ی کوثر بی‌همتای الهی، سرور عالمیان حضرت طاهره، راضیه و زکیه، فاطمه، زهرای مرضیه (س) سخن بگوییم و چون زبان‌ها از بیان‌شان و مقام والای ایشان قاصر و از اندیشه و عقل‌ها فراتر است در این مورد از خود ایشان یاری می‌جوییم که فرمودند: همه‌ی هستی نشان از خلقت پروردگارم دارد و من نشان از رحمتی تمام نشدنی پس وابستگانم بر آستان این رحمت می‌نشینند تا وصف خالقی را توصیف کنند که در تدبیرش عقلی راه‌گشا نمی‌باشد. در زمانی که کودکی هفت یا هشت ساله بودم پدرم رسول خدا برایم نهال خرمايي خرید و دستور داد تا آن را در زمین بنشانم من نهال را کاشتم هنوز کارم به پایان نرسیده بود که نهال به درختی تنومند تبدیل شد با رطبی زیبا و شیرین و همگان به تماشایش آمدند و نامش را نخل فاطمه گذاشتند و آن نخل ریشه و برگش را حفظ کرد تا در بهشت جاودانه بماند. آنانی که در زمان من زندگی می‌کنند بر چهره‌ی من می‌نگریستند و عرضه می‌داشتند فاطمه همواره چهره‌ی خویش را در نقابی مسدود می‌کند که دیدن باطن آن برای چشم سر امکان ناپذیر است پس باید به تعریف و تمجید رسول خدا (ص) اکتفا کنیم که نشان از محبت پدر و فرزند دارد پس منتظر می‌شویم تا این پیوند گسسته شود چهره‌ی فاطمه از پشت این نقاب بیرون آید و قدرتش آشکار شود نقابی که بر جان آنان سایه افکند و وجودشان را در حسرتی تا قیامت در خود جای داد و امت آخرالزمان از اندیشه در مقامات خلقت جز به یافته‌های خویش که از دانش و تجربه و اختراعات زمانه است به اعجازی پی نمی‌برند بنابراین توان درک آیات اطرافشان را ندارند گاه با علاقه و اشتیاق نقابی را برای من ترسیم می‌کنند و گاه با همان علاقه آن را بر می‌دارند و تفسیری را که از عقل محدودشان نشئت گرفته را بر عالم ترسیم می‌کنند درحالی‌که دری از حقیقت برای آنان گشوده نخواهد شد پس شکر پروردگار را که فاطمه را آفرید

و اعلام فرمود: من کوثری را به پیامبرم عطا کردم که در روح خداوندی اش مجموعه‌ای از زیباترین رنگ‌های الوان را به همراه دارد پس آن رنگ‌ها آشکار گردید و در هر دوره‌ای زمان را به رنگ خویش آراست و آخرین ذخیره‌ام تا قیامت جهان را با رنگ الوان جانش می‌آراید تا همگان به این رنگ زیبا بپیوندند و جانشان را در درخشش این نعمت الهی قرار دهند.

اینک ضمن درود و سلامی بی‌پایان به کوثر الهی و آخرین فرزند گهربارش مهدی فاطمه یوسف زهرا (عج) خدمت سرور و مولایمان به مناسبت شهادت مادر گرامی‌شان تسلیت عرض کرده و همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان توصیف فرمودند برای تعجیل در درخشش رنگ زیبای نعمت الهی که جانمان را در پرتوی آن قرار دهیم همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ اسفند ۹۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) شب دوم

حمد و سپاس زینده‌ی پروردگار است؛ حمدی به طول خلقت و زمین و هفت آسمان، به دانه‌های باران، به شن‌های بیابان و شکر و ستایش خداوند حکیم را که قیامت و کرسی عدالت را بر جن و انس مقرر فرمود و در آن روز آدمی را از هر چه پیشاپیش فرستاده و بعد از خویش گذاشته خبر خواهند داد و نیکوکاران را پاداش و اسیران نفس اماره که دنیا را بدون مدبر دانسته و قیامت را دور دیدند و پا جای پای شیطان گذاشته و برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی خود از هیچ ظلم و جنایتی روی گردان نبودند پس قیامت یک نعمت بزرگ الهی است که در کمین ستمکاران است. وای بر حال آنانی که بعد از ایمان گمراهی را برگزیدند و بر می‌گزینند؛ آنانی که در رکاب پیامبر خاتم، رسول اکرم حضرت محمد (ص) بودند وحی و حجت‌ها را شنیدند و عمل نکردند و برای چند روزه‌ی دنیا تباهی را برگزیدند؛ نصایح امیر مؤمنان علی (ع) را که دوست و دشمن گواه بر عمل صالح ایشان بودند را نشنیدند که فرمودند: هریک از شما بندگان خدا هنگامی می‌تواند به حضور خدای خود برسد که دستش از خون مسلمانان و اموال آن‌ها پاک و همچنین زبانش از بدگویی و تهمت زدن به آن‌ها پاک باشد و زبان یک مسلمان با ایمان پیرو عقیده‌ی قلبی اوست و آنچه می‌گوید همان است که به آن عقیده دارد ولی قلب منافق پیرو زبان او می‌باشد برای راه شما نشانه‌ها وجود دارد، طبق آن نشانه‌ها بروید و بدانید که خداوند برای شما مقرر کرده که آن را به انجام برسانید. در روز قیامت من گواه شما خواهم بود و به سود شما گواهی خواهم داد و حجت خواهم داد و حجت خواهم آورد. شما تصور می‌کنید که از شما غفلت می‌شود و به کار شما رسیدگی نمی‌کنند در صورتی که به طور مسلم مورد رسیدگی قرار می‌گیرید و چگونه است که مردمی چون شما از خدا دوری کرده‌اید و به سوی غیر از خدا متمایل شده‌اید؟ به آن کس سوگند که رسول‌الله (ص) را به حق مبعوث به پیغمبری کرد و او را بر تمام آفریدگان برتری داد که از من جز راستی نمی‌شنوید و رسول‌الله (ص) همه چیز را به من گفت و مرا از تباهی هر کس و

رستگاری آن کس که نجات می‌یابد و پایان کار این خلافت آگاه کرد و هیچ حقیقتی را از من فرو گذار ننمود؛ می‌بینیم آنانی که این نصایح گهربار را شنیدند و بر امیر مؤمنان و همسر گرامی‌اش و فرزندانش ظلم و جنایت روا داشتند، خود تباهی را برگزیدند پس بار الها لعنت کن بر اولین کسانی که بر اهل بیت پیامبر ظلم و جنایت کردند و بر پیروان و فرزندان آنان که هنوز نیز به این ظلم اصرار دارند.

لعنت الله علی قوم غاصبین و ظالمین.

اینک مهمانان کوی عشق و حقیقت، ما در این شب خون و اندوه در این خانه‌ی مقدس جمع شدیم تا در عزای شهادت گنجینه‌ی زمین و آسمان، خورشید عالم تاب و قیامت، کوثر جاری الهی، سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) اشک ریخته و بر سر و سینه زنیم خورشیدی که تابشش چشمان کوردلان را کور کرد و مقام و شأن والای ایشان را ندیدند. اینک توصیف زیبایی از زبان خودشان نقل می‌کنیم که فرمودند: روزی جبرئیل امین (س) بر خانه‌ی پدرم فرود آمد و فرمود: ای رسول خدا (ص)، برای شما طعامی آورده‌ام و شما اجازه دارید تا آن را با هر که اراده کنید میل بفرمایید و کاسه و طعامش را گذاشت و رفت؛ پدرم فرمود: فاطمه جان اهل بیت خانه‌ام را بر سر این سفره حاضر کن و من اهل بیتم را بر سر سفره حاضر کردم، همگی منتظر شدیم تا لقمه‌ی اول را پیامبر تناول کند ولی پدر مرا به سینه‌ی مبارکش چسباند و فرمود: فاطمه جان دست مبارکت را بر این طعام بگشا تا جان پدر آرام گیرد و من دست پدر را بوسیدم و گفتم: ای خاتم رسولان، آن را در برزخم ذخیره می‌کنم تا همواره بوی شما را احساس کنم پس پدر دست مبارکش را بر طعام زد و آن را بر سینه‌ی من مالید تا همواره ذخیره‌ی جانم گردد.

همچنین سرور عالمیان فرمودند که: روح خداوندی که بهترین و بالاترین نعمت پروردگار عالم است جان من گنجینه‌ی تمام کاخ‌های الهی است پس نامم کوثر است و تمام وعده‌های پروردگارم در جانم ذخیره شده تا همواره دستان حقی را در دستم قرار دهم که انوار روح را در جانشان افروخته‌اند تا در سایه‌ی انوارش به بهشت‌های وعده داده شده‌ی الهی دست یابند تا تاریکی از جانتان جدا گردد.

بله چه شبی است امشب، غم و اندوهش تا قیامت بر زمین سایه افکنده چون امشب جسم پاک و مطهر خورشید عالم تاب و گنجینه‌ی بی‌نظیر زمین و آسمان را در ظاهر شبانه و غریبانه در بقیع دفن شد و در باطن فرشتگان با طبق‌هایی از نور و تحیت و سلام صف در صف از بقیع تا جنات نعیم روح خداوندی‌اش را که کوثر و گنجینه‌ی تمام کاخ‌ها و نعمت‌های الهی بود عروجش را مشایعت می‌کردند و زمین از این جدایی‌اش فغان و ناله سر داد که هنوز نیز غربت مدینه، شهر پیامبر و بقیع را در ظاهر و شوکت جلال را در باطن آن کاملاً حس می‌توان کرد.

پس در این شب با چشمی اشک‌بار و دلی سوخته از این غم عاجزانه به پیشگاه پروردگارمان شکایت ببریم که: بار الها خود فرمودی که نعمتی را که به بشر ارزانی داشتی آنان را محروم نمی‌کنی مگر اینکه خودشان آن نعمت را دگرگون کنند پس انتقام ما دل سوختگان با لعنت و عذاب ابدی بر آنانی که بشریت را از نعمت وجود مبارک سرور عالمیان محروم کردند قرار بده و آن پای که بر درب خانه‌ی مولایمان امیر مؤمنان علی (ع) لگد زد و باعث شد میخ مسمارش در پهلوی بانوی بزرگوار، سرورمان حضرت زهرا فرو رفته و موجب شهادت ایشان شود را تا ابد در شعله‌های سوزان در عذاب خشم خودت بسوزان و در ظهور فرزند برومند و گرمی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) تعجیل بفرما تا به یاری ایشان حضرت فاطمه (س) را بشناسیم، چون با عدم شناخت شأن و مقامشان مدعیان شیعه با قصه پردازی‌های کاذب نه تنها شخصیت والایشان را تا یک بانوی معمولی پایین آوردند بلکه در این خیال پردازی‌ها به ساحت مقدس امیر مؤمنان نیز جسارت نمودند چون ناگفته پیداست که جانشینی پیامبر گرمی اسلام و امامت امت را پیامبر به دستور خداوند در غدیر به ایشان اعلام فرمود و در نتیجه امیر مؤمنان نیازی ندید که به اصرار و شمشیر از بیعت شکنان، مقام عطایی پروردگارش را بگیرند ولی چگونه می‌شود باور کرد کسی که پوزه‌ی قوی‌ترین پهلوانان گردنکش عرب را به خاک ذلت مالیده یا کشنده‌ی عمر بن عبد و برکننده‌ی در خیبر که هیچ کس جرئت مقابله از روبرو با او را نداشت و دیدیم ابن ملجم از پشت در حال نماز به ایشان ضربه زد اجازه دهد و یا ساکت بنشیند همسری چون حضرت زهرا (س) را که فقط ایشان به

شان و مقام والایش آگاهی داشت، دخت پیامبر را بی‌دفاع گذاشته تا نامحرمان سیلی به صورتش بزنند و دست خود ایشان را با طناب ببندند و همسرش بعد از زخم مهلکی که بین در و دیوار برداشت به کمک او بیاید و او را بگیرد و آن نامردان بازوی او را بشکنند. وحیرتا وحیرتا از این همه جهالت و بی‌انصافی و جسارت به وجود مقدس امیر مؤمنان، دوستداران علی (ع) کاری کردند که دشمنان نکردند. لازم است در این مورد واقعیت را بیان کنیم که همه‌ی درها به مسجد بسته شد الا در خانه‌ی امیر مؤمنان، هنوز نیز با وجود سعی در تخریب آن آثارش باقی است و حضرت زهرا از دری که به مسجد باز می‌شد از امامت و ولایت امیر مؤمنان دفاع نمودند. در بیرون از خانه نبودند تا کسی به او سیلی بزند و امیر مؤمنان در عبادت و نماز چنان روحش عروج می‌کرد که یک بار در نخلستان به حالتی درآمد که به حضرت زهرا خبر دادند که علی از دنیا رفته و ایشان فرمودند باز خواهد گشت کاری با او نداشته باشید در زمانی که آن ملعونان به در خانه آمدند ایشان در آن حالت بودند که حضرت زهرا (س) چنین نقل فرمودند که همسرم علی (ع) به من فرمود: فاطمه جان چرا صبر نکردی تا من به درب خانه بروم؟ من گفتم من اجازه‌ی ورود به درون حریم خانه ندادم و آن‌ها شکست خورده و نادم درحالی که به‌عنوان دزد معرفی شدند و رسوای صحرای قیامت هستند فرار کردند من با عمل خود به فرمان قرآن کریم عمل کردم، اجازه ندادم پاهای ناپاک آنان حریم خانه‌ای که محل قدم‌های پاک پیامبر بود آلوده کنند.

اینک از درگاه پروردگار کریم عاجزانه خواهیم یاری‌مان کند تا سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را بشناسیم و این مهم محقق نخواهد شد مگر با زبان وارث تاج پیامبری فرزندی برومندش یوسف زهرا (عج)، پس فرج جانمان را در هدایت و برآورده شدن آن فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵ اسفند ۹۳

خطبه‌ی حقیقت فاطمیه

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَ
 أَيَّهُمْ فَلَيْتُنْدِبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضْجُ
 الضَّاجُونَ، وَ يَعِجُّ الْعَاجُونَ.

پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیهما و آلهما گریه کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند.

این فراز از دعا نه تنها دوستداران و شیعیان، بلکه بشریت را از عمق فاجعه و مصیبتی که بر تمامی انسان‌ها تا قیامت شده با خبر می‌کند.

آنانی که ذره‌ای شأن و مقام والای پیامبر و اهل بیت او را درک کردند، باید گریه کنند، نه شیون و زاری و فغان کنند و بجای اشک، خون ببارند، چون عده‌ای به خاطر قدرت طلبی و جاه و مقامی که دوامی هم نداشت و به آنان وفا نکرد، اهل بیت پیامبر را اسیر و زندانی و شهید کردند، به فرموده‌ی خداوند کریم در قرآن «چه بد معامله‌ای کردند و چه ارزان، دنیا و آخرتشان را فروختند.»

اگر آنان تهی مغز نبودند باید که در مقابل چنین خیانت و جنایت‌هایی، حکومت تمام دنیا را طلب می‌کردند که باز هم کم بود در مقابل آنچه کردند، چه آنانی که بنیان ظلم به اهل بیت را نهادند و چه آن‌هایی که ادامه دهنده‌ی راه آنان بودند.

این مردم فرومایه نه آیات الهی را در نظر گرفتند که خداوند فرمود: «من اهل بیت پیامبر را از هر پلیدی پاک کردم» و یا فرمود که «ای پیامبر به آنان بگو من از شما امت، اجر و مزد رسالتی جز دوستی اهل بیت نمی‌خواهم که در این هم، خیر کثیر برای شماست.» و نه حدیث طیبیه‌ی کساء را که خداوند فرمود «ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌هایم براستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه

ماه تابان و نه خورشید درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی پیامبر خاتم (ص) و اهل بیتش».

لعنت الله على قوم الضالمين

بله این مردم کور دل و پلید حتی خطبه‌ی غدیر که مورد تأیید شیعه و سنی است را نیز نادیده گرفتند که در آن خطبه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) فرمود: «که علی برادر و وصی من است، گوشت و خون او گوشت و خون من است، دشمن او دشمن من و دوست او دوست من است.» پس وای بر آن‌هایی که خون امیر مؤمنان و حضرت زهرا (س) و فرزندانشان، که همان خون پیامبر بود را ریختند.

بله باید گریه، نه، شیون و فغان کرد از این همه جهالت و پستی و باید باور کرد که آنان نه تنها پیامبر را نپذیرفته بودند بلکه مسلمانی‌شان و ایمانشان به قرآن و خداوند نیز ظاهری و برای فریب عوام و رسیدن به مقاصد شومشان بود.

در این روزها که به سوگ گوهری بی‌همتا، سرور عالمیان و مادر هستی و پیامبران حضرت زهرا ی اطهر (س) نشستیم بزرگی خیانت و جنایت و ظلم آنان بیشتر دل شیعیان و دوستداران اهل بیت را می‌سوزاند. آری برآستی که باید گریه و ضجه و ناله و فغان سر داد، چون بشریت را از وجود مقدسی محروم کردند که خداوند به پیامبر و امتش به واسطه‌ی عطای وجود او که کوثر هستی بود منت گذاشت و همچنین در معرفی خاندان رسالت، محور اصلی را حضرت زهرا (س) نام برد که در حدیث کساء نیز چنین آمده: خداوند عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و معدن رسالت‌اند آن فاطمه است و پدرش و شوهر و فرزندانش.

پس باید فریاد برآورد که لعنت الله على قوم الظالمين و غاصبین و قاتلین و بنیان‌گذاران آن و پیروان آنان باد. چه بد مردمی بودند و هستند که سی سال امیر مؤمنان علی (ع) را مورد اذیت و آزار قرار دادند و تنها همدم او همسر گرامی و گران‌قدرش را شهید کردند، همان‌گونه که در شب شهادت حضرت زهرا (س) به پیامبر فرمود: که إنا لله و إنا الیه راجعون، ودیعه مسترد گردید و امانت پس گرفته شد لیکن

اندوه من سپری نمی‌شود و شب‌های من به بیداری خواهد گذشت تا خداوند مشیت کند و مرا در مکانی که تو در آن هستی جا بدهد. (خطبه‌ی ۲۰۱ نهج البلاغه)

شب‌های مولا به دل‌تنگی و بیداری در فراقِ بانوی دو عالم گذشت، مونسِ شب‌هایش درختان نخل بودند که به آن‌ها می‌فرمود: ای مونسان من، پروردگار کریم در نعمت مرا بی‌همتا آفریده و آنچه من داشتم ثروتی بود بالاتر از گنج‌های زمین و آسمان، گنجینه‌ام به منزلگاه رفت و من در بیابانی بدون رونق ماندم، فاطمه، جانِ من بود، اکنون من در جانِ خودم غمی را احساس می‌کنم که از فراق کوثر است.

عجبا، خدایا صبر امیر مؤمنان و رضا بودن او به مشیت پروردگار، انسان را شگفت‌زده می‌کند درحالی‌که مولا شب‌ها در فراق همسرش بسوزد و روزها مجبور باشد برای رضای خدا و پایداری دین اسلام صورت قاتلین او را تحمل کند درحالی‌که می‌توانست به یک اشاره همه‌ی آنان را گردن بزند.

در این روز جمعه، بیایید همان‌گونه‌ای که دعای ندبه سفارش کرده به فرزند زهرا (س) یعنی مهدی فاطمه یوسف زهرا امام، مولا و سرورمان بقیة الله ارواحنا لک فدا (عج) با اشک و فغان و ناله شکایت ببریم که مولا: دلِ ما در سوگ مادرت زهرا به خون نشسته و سال‌ها می‌گذرد و این داغ و مصیبت قلبمان را هر سال بیشتر آتش می‌زند و پیروان قاتلین مادر گرامی‌ات، هنوز ادامه دهنده‌ی راه آنان هستند. یا منتقم ما را دریاب که صبرمان لبریز شده چون در این خانه‌ی مقدس شما، هر سال بیشتر از سال قبل از شأن و مقام مادر و پدران‌تان آگاه شده و قلبمان برای حق که شما هستید مشتاق شده و دل‌تنگ می‌شود.

اللهم عجل لولیک الفرج